



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مركز ابحاث و نشر عقائد اسلامي و سائنسي

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

نویسنده: موحی الدین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

نویسنده:

فریدون محدنیا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه	۱۲
مشخصات کتاب	۱۲
اشاره	۱۲
فهرست مطالب	۱۴
دیباچه	۲۶
پیش گفتار	۲۸
بخش اول: کلیات	۳۰
اشاره	۳۰
فصل اول: بیان مسأله	۳۲
اشاره	۳۲
اهمیت پژوهش	۳۳
اهداف پژوهش	۳۳
واژه شناسی	۳۴
نوجوانی و جوانی	۳۵
فصل دوم: فرهنگ و عناصر آن	۳۶
اشاره	۳۶
مقوله فرهنگ	۳۶
ویژگی مشترک فرهنگ ها	۳۸
عناصر فرهنگ	۳۸
فرهنگ	۳۹
اشاره	۳۹
الف) فرهنگ مادی	۳۹
ب) فرهنگ الهی	۴۰

۴۱	وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی
۴۲	فرهنگ اسلامی
۴۳	عناصر اصلی فرهنگ اسلامی
۴۴	ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی
۴۶	فصل سوم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی
۴۶	اشاره
۴۸	پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی
۵۶	پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران
۵۷	نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران
۵۹	بخش دوم: آسیب شناسی جوان
۵۹	اشاره
۶۱	فصل اول: آسیب شناسی نسل جوان
۶۱	اشاره
۶۱	اهمیت دوران جوانی
۶۴	ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی
۶۴	اشاره
۶۴	۱. مهم و پر حادثه بودن
۶۴	۲. دگرگونی
۶۵	۳. هویت یابی
۶۶	۴. رشد اجتماعی
۶۶	اشاره
۶۷	الف) میل به جنس مخالف
۶۷	ب) پیروی از همگنان
۶۷	ج) اعتماد به نفس
۶۷	د) سرکشی
۶۸	ه) تمسخر

۶۸	 (و) تعصب
۶۸	 (ز) رقابت
۶۸	 ۵. گرایش های دینی
۶۹	 ۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی
۶۹	 ۷. حبّ ذات
۶۹	 ۸. الگوپذیری
۷۰	 ۹. افتخار به شخصیت
۷۱	 ۱۰. میل به آزادی
۷۱	 ۱۱. تعادل اجتماعی
۷۱	 ۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی
۷۱	 اشاره
۷۲	 بلوغ و دگرگونی های آن
۷۲	 غریزه جنسی
۷۳	 آسیب های نسل نوجوان و جوان
۷۴	 عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان
۷۴	 اشاره
۷۵	 ۱. درک نکردن روحیه جوان
۷۶	 ۲. الگوهای نامناسب
۷۷	 ۳. تضاد در روش تربیتی
۷۸	 ۴. فاصله طبقاتی
۷۹	 ۵. کم توجهی خانواده ها
۸۰	 ۶. ناکارآمدی کانون های دینی
۸۱	 ۷. استفاده ابزاری از دین
۸۱	 ۸. تهاجم فرهنگی
۸۲	 ۹. کم توجهی به مشکلات
۸۲	 ۱۰. تساهل و تسامح

عوامل دین گریزی - - - - -	۸۴
فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی - - - - -	۸۷
اشاره - - - - -	۸۷
۱ _ تربیت دست آموزها - - - - -	۸۹
۲ _ ترویج الگوهای غربی - - - - -	۹۱
۳ _ تضعیف باورهای دینی - - - - -	۹۲
۴ _ تخریب و ترور شخصیت های خودی - - - - -	۹۳
۵ _ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب - - - - -	۹۴
۶ _ به کارگیری مذهب علیه مذهب - - - - -	۹۴
۷ _ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات - - - - -	۹۵
۸ _ ایجاد گسست تاریخی - - - - -	۹۶
۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی - - - - -	۹۷
۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملیتی - - - - -	۹۸
۱۱ _ گسترش بی بند و باری - - - - -	۹۹
۱۲ _ دور کردن مردم از هویت ملی _ اسلامی - - - - -	۱۰۰
۱۳ _ ترویج فرقه های ساختگی - - - - -	۱۰۲
فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی - - - - -	۱۰۴
اشاره - - - - -	۱۰۴
۱ _ خبرگزاری های بین المللی - - - - -	۱۰۴
۲ _ مطبوعات - - - - -	۱۰۵
۳ _ رادیو و تلویزیون - - - - -	۱۰۶
۴ _ سینما و تئاتر - - - - -	۱۰۶
۵ _ مواد مخدر - - - - -	۱۰۶
۶ _ کالاهای صادراتی - - - - -	۱۰۷
۷ _ ابزارهای ادبی - - - - -	۱۰۸
۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای - - - - -	۱۰۹

۹ _ ورزش و میدان های ورزشی	۱۱۰
۱۰ _ استفاده ابزاری از زنان	۱۱۰
۱۱ _ فن آوری برتر	۱۱۱
از هیپی گری تا رپ مسلکی	۱۱۱
لباس غرب گرا	۱۱۴
رفتار جوانان غرب گرا	۱۱۶
فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه	۱۱۹
اشاره	۱۱۹
۱. تقویت بینش دینی	۱۱۹
۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن	۱۲۰
۳. زدودن فقر اقتصادی	۱۲۱
۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری	۱۲۱
۵. مبارزه با تجمل گرایی	۱۲۲
۶. ازدواج	۱۲۳
۷. پیش گیری از نفوذ دشمن	۱۲۴
۸. به کارگیری ابزارهای دفاعی	۱۲۵
۹ _ تدوین معیارهای جدید	۱۲۶
۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر	۱۲۷
۱۱. بهره برداری مناسب از هنر	۱۲۸
۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی	۱۳۰
۱۳. کارآفرینی سازنده	۱۳۱
۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی	۱۳۳
۱۵. گسترش فرهنگ نماز	۱۳۴
روش شناسی هدایت نسل جوان	۱۳۵
اشاره	۱۳۵
فهم زبان و منطق نسل جوان	۱۳۷

۱۳۸	الگوی عملی
۱۳۹	موقّتی بودن وسیله ها
۱۴۰	روش رفتار با جوان
۱۴۰	اشاره
۱۴۳	۱. اصول و قواعد شکلی
۱۴۴	۲. اصول تکوینی و باطنی
۱۴۶	۳. اصول رفتاری
۱۴۷	۴. اصول گفت و گو
۱۵۱	بخش سوّم: همراه با برنامه سازان
۱۵۱	اشاره
۱۵۳	گفتار اوّل: رسانه و تبلیغات جهانی
۱۵۳	اشاره
۱۵۳	تبلیغات در جهان معاصر
۱۵۵	ابزار تبلیغات در جهان معاصر
۱۵۸	گفتار دوّم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه ۱
۱۵۸	اشاره
۱۵۸	۱. عوامل روانی
۱۵۹	۲. عوامل اجتماعی
۱۵۹	۳. عوامل سیاسی
۱۶۰	۴. عوامل فرهنگی
۱۶۲	گفتار سوّم: مسؤولیت های رسانه دینی
۱۶۲	اشاره
۱۶۴	توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان
۱۶۵	نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی
۱۶۵	اشاره
۱۶۵	۱. نهادینه کردن باورهای دینی

۲. بهره گیری از روش های الگویی - - - - - ۱۶۶

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای - - - - - ۱۶۶

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت - - - - - ۱۶۶

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه - - - - - ۱۶۷

۶. گسترش فرهنگ ازدواج - - - - - ۱۶۷

پرسش ها و پاسخ ها - - - - - ۱۶۸

کتاب نامه - - - - - ۱۷۲

درباره مرکز - - - - - ۱۷۵

عوامل گرایش نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عوامل گرایش نسل نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه / فریدون محدنیا

مشخصات نشر: تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص.

شابک: ۹۵۰۰ ریال: ۸-۴۸-۷۸۰۸-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۰۷۵۰

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه ۱

پیش گفتار ۳

بخش اول ۵

کلیات ۵

فصل اول: بیان مسأله ۷

اهمیت پژوهش ۸

اهداف پژوهش ۸

واژه شناسی ۹

نوجوانی و جوانی ۱۰

فصل دوم: فرهنگ و عناصر آن ۱۱

مقوله فرهنگ ۱۱

ویژگی مشترک فرهنگ ها ۱۲

عناصر فرهنگ ۱۲

فرهنگ ۱۳

الف) فرهنگ مادی ۱۳

ب) فرهنگ الهی ۱۴

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی ۱۵

فرهنگ اسلامی ۱۶

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی ۱۸

فصل سوم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی ۲۰

پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی ۲۲

پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران ۳۰

نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران ۳۱

بخش دوم ۳۳

آسیب شناسی جوان ۳۳

فصل اول: آسیب شناسی نسل جوان ۳۵

اهمیت دوران جوانی ۳۵

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی ۳۷

۱. مهم و پر حادثه بودن ۳۷

۲. دگرگونی ۳۷

۳. هویت یابی ۳۸

۴. رشد اجتماعی ۳۹

الف) میل به جنس مخالف ۴۰

ب) پیروی از همگنان ۴۰

ج) اعتماد به نفس ۴۰

د) سرکشی ۴۰

ه) تمسخر ۴۱

و) تعصب ۴۱

ز) رقابت ۴۱

۵. گرایش های دینی ۴۱

۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی ۴۲

۷. حبّ ذات ۴۲

۸. الگوپذیری ۴۲

۹. افتخار به شخصیت ۴۳

۱۰. میل به آزادی ۴۴

۱۱. تعادل اجتماعی ۴۴

۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی ۴۴

بلوغ و دگرگونی های آن ۴۵

غریزه جنسی ۴۵

آسیب های نسل نوجوان و جوان ۴۶

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان ۴۷

۱. درك نکردن روحیه جوان ۴۷

۲. الگوهای نامناسب ۴۸

۳. تضاد در روش تربیتی ۴۹

۴. فاصله طبقاتی ۵۰

۵. کم توجهی خانواده ها ۵۱

۶. ناکارآمدی کانون های دینی ۵۲

۷. استفاده ابزاری از دین ۵۳

۸. تهاجم فرهنگی ۵۳

۹. کم توجهی به مشکلات ۵۴

۱۰. تساهل و تسامح ۵۴

عوامل دین گریزی ۵۶

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی ۵۹

۱ _ تربیت دست آموزها ۶۱

۲ _ ترویج الگوهای غربی ۶۳

۳ _ تضعیف باورهای دینی ۶۴

۴ _ تخریب و ترور شخصیت های خودی ۶۵

۵ _ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب ۶۶

۶ _ به کارگیری مذهب علیه مذهب ۶۶

۷ _ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات ۶۷

۸ _ ایجاد گسست تاریخی ۶۸

۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی ۶۹

۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملیتی ۷۰

۱۱ _ گسترش بی بند و باری ۷۱

۱۲ _ دور کردن مردم از هویت ملی _ اسلامی ۷۲

هویت ملی ما ۷۳

۱۳ _ ترویج فرقه های ساختگی ۷۴

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی ۷۶

۱ _ خبرگزاری های بین المللی ۷۶

۲ _ مطبوعات ۷۷

۳ _ رادیو و تلویزیون ۷۸

۴ _ سینما و تئاتر ۷۸

۵ _ مواد مخدر ۷۸

۶ _ کالاهای صادراتی ۷۹

۷ _ ابزارهای ادبی ۸۰

۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای ۸۱

۹ _ ورزش و میدان های ورزشی ۸۲

۱۰_ استفاده ابزاری از زنان ۸۲

۱۱_ فن آوری برتر ۸۳

از هیپی گری تا رپ مسلکی ۸۳

لباس غرب گرا ۸۶

رفتار جوانان غرب گرا ۸۸

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه ۹۱

۱. تقویت بینش دینی ۹۱
۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن ۹۲
۳. زدودن فقر اقتصادی ۹۳
۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری ۹۳
۵. مبارزه با تجمل گرایی ۹۴
۶. ازدواج ۹۵
۷. پیش گیری از نفوذ دشمن ۹۶
۸. به کار گیری ابزارهای دفاعی ۹۷
- ۹ _ تدوین معیارهای جدید ۹۹
۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر ۹۹
۱۱. بهره برداری مناسب از هنر ۱۰۰
۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی ۱۰۲
۱۳. کارآفرینی سازنده ۱۰۳
۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی ۱۰۵
۱۵. گسترش فرهنگ نماز ۱۰۶
- روش شناسی هدایت نسل جوان ۱۰۷
- فهم زبان و منطق نسل جوان ۱۰۹
- الگوی عملی ۱۱۰
- موقتی بودن وسیله ها ۱۱۱

روش رفتار با جوان ۱۱۲

۱. اصول و قواعد شکلی ۱۱۵

۲. اصول تکوینی و باطنی ۱۱۶

۳. اصول رفتاری ۱۱۸

۴. اصول گفت و گو ۱۱۹

بخش سوم ۱۲۳

همراه با برنامه سازان ۱۲۳

گفتار اول: رسانه و تبلیغات جهانی ۱۲۵

تبلیغات در جهان معاصر ۱۲۵

ابزار تبلیغات در جهان معاصر ۱۲۷

گفتار دوم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه ۱۳۰

۱. عوامل روانی ۱۳۰

۲. عوامل اجتماعی ۱۳۱

۳. عوامل سیاسی ۱۳۱

۴. عوامل فرهنگی ۱۳۲

گفتار سوم: مسئولیت های رسانه دینی ۱۳۴

توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان ۱۳۶

نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی ۱۳۷

۱. نهادینه کردن باورهای دینی ۱۳۷

۲. بهره گیری از روش های الگویی ۱۳۸

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای ۱۳۸

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت ۱۳۸

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه ۱۳۹

۶. گسترش فرهنگ ازدواج ۱۳۹

پرسش ها و پاسخ ها ۱۴۰

کتاب نامه ۱۴۴

دیباچه

دیباچه

جوان در اندیشه کشف هویت است و در برابر جاذبه های گوناگون، ناتوان جوان در آستانه تکوین هویت جدید خود قرار دارد، علاقه مند است که جامعه، شخصیت جدیدش را به رسمیت بشناسد. گذشتن از این دوره بحرانی و دست یابی به هویت راستین؛ احساسی عمیق، ارزشمند و اعتماد آفرین در او پدید می آورد.

باید دانست تهاجم فرهنگی نیز جوانان را هدف قرار داده است؛ زیرا این قشر از دیگر افراد جامعه آسیب پذیرترند. بررسی پیشینه تهاجم فرهنگی نشان می دهد که تهاجم، پدیده نوآمدي نیست، بلکه تهاجم کفر و استکبار به فرهنگ توصیه و توحید و عبودیت از همان ابتدای آفرینش آغاز شده است و با شیوه و ترفندهای گوناگون هم چنان ادامه دارد.

دشمن همواره می کوشد با مطرود دانستن امور نامحسوس و ماوراء الطبیعه، اعتباری و نسبی شمردن ارزش های انسانی، ناکارآمد پنداشتن دین در اداره جامعه به ویژه در عصر حاضر و تشکیک در ضروری ترین باورهای دینی، به هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی (به ویژه نسل نوجوان و جوان)، آسیب های جدی وارد کند.

از دیگر سو، ناآشنایی برخی کارگزاران دین و فرهنگ با احکام و معارف اسلامی، معرفی نادرست اسلام به نسل جدید، ترک فریضه امر به

معروف و نهی از منکر، کنترل نامناسب و نامتوازن بر گذرگاه های ادراکی به ویژه رادیو و تلویزیون، فیلم های سینمایی، کتاب و مطبوعات، نادیده انگاشتن توانایی های جوانان و بی توجهی به شرایط نسبی آنان، ارائه ندادن الگوی مناسب به جوانان، هم سویی ناخواسته بسیاری از خودباختگان با فرهنگ مهاجم در زمینه پوشش، مسکن، خوراک، آداب و رسوم و...، نارسایی های بسیاری پدید آورده است. گفتنی است این مسایل به دلیل دنیا گرایی و لذت جویی، بی توجهی کارگزاران فرهنگی و غفلت از داشته های فرهنگ خودی، به دوری از خدا باوری و آخرت نگر، اختلاف و پراکندگی اجتماعی انجامیده است. بنابراین، شایسته است با شناخت ترفندها و شیخون فرهنگی دشمن، با برنامه ریزی بهینه به رویارویی آن پردازیم.

این اثر حاصل همکاری مشترک میان مرکز پژوهش های اسلامی و مؤسسه امام خمینی رحمه الله است که پژوهشگر ارجمند، جناب آقای فریدون موحدنیا آن را نگاشته است. با سپاس از ایشان و دست اندرکاران پژوهشی آن مرکز، امید می بریم در سایه تعامل علمی، شاهد شکوفایی آثار مشترک دیگری نیز باشیم.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

هدف این پژوهش، بررسی و شناخت انگیزه‌های جوانان در گرایش به فرهنگ غرب است. از آن جا که جوانان در آینده جامعه و کشور، نقش حساس و سازنده‌ای دارند، استکبار جهانی برای نفوذ و سیطره بر هر کشوری، نخست به تضعیف فرهنگ ملی و اسلامی می‌پردازد. سپس با روش‌های گوناگون، در جذب جوانان به فرهنگ غرب می‌کوشد. از این رو، دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی – تربیتی کشور بایستی هوشیارانه با تمام توان به مقابله با تهاجم فرهنگی برخیزند. این پژوهش کوشیده است به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

۱. چه عواملی سبب می‌شود نسل جوان با بی‌توجهی به باورها و رسوم دینی خود، از آن دست بردارند و به فرهنگ بیگانه روی آورند؟

۲. آیا اسلام می‌تواند از گرایش‌های نامناسب جوانان به فرهنگ بیگانه، جلوگیری کند؟

۳. زمینه‌های هدایت نسل جوان کدامند؟

نوجوانی و جوانی یکی از پیچیده‌ترین مراحل مسیر پر تلاطم زندگی و در عین حال، بهترین دوران زندگی و در اصل، بهار زندگانی آدمی است. این دوره، سرشار از شور و شوق، توانایی جسمی و روانی و تلاش و نوآوری است به گونه‌ای که دورنمای زندگی آینده انسان را بر

اساس عملکرد او در دوره جوانی می توان پیش بینی کرد. به همین دلیل این دوره از حیات انسان در روایت های امامان معصوم علیهم السلام و در گفتار بزرگان اندیشه، بسیار مورد توجه و سفارش و تأکید قرار گرفته است.

اگر نوجوانان و جوانان کشوری در مسیر سازندگی و آبادانی آن جامعه گام بردارند و استعداد های بالقوه خود را به فعلیت برسانند آن کشور به سمت پیشرفت و بالندگی خواهد رفت و افق های رشد و کمال را در پیش خواهد گرفت. گفتنی است به دلیل همه این حساسیت هاست که دشمنان فرهنگ و تمدن اسلامی، نوجوانان و جوانان کشور را هدف گرفته و برای انحراف آنان سرمایه گذاری کرده اند تا اگر بتوانند با منحرف کردن این قشر توانای جامعه، به آسانی به دیگر اهداف خود برسند. این حساسیت و دغدغه در مورد ایران اسلامی چندین برابر است؛ زیرا:

۱. نزدیک به بیست میلیون نفر از جمعیت کشور ما جوان هستند.

۲. ایران کشوری است که با سیاست ها و تجاوزگری های استکبار جهانی و جهان خواران مخالف است.

برای برحذر داشتن جوانان از شیخون فرهنگی دشمن و پرورش جوانانی برومند، توانا، نوآور، با فکر و اندیشه و با غیرت، باید آنان را هدایت کرد. به این منظور، باید با روحیه جوان و نیازهای عاطفی و روانی او آشنا شد و زبان ارتباطی مناسب با او را جست و جو کرد.

امید که این مجموعه بتواند دور نمایی از رمز و رازهای دوران نوجوانی و جوانی را ترسیم کند و شمه ای از خلق و خوی آنان را بشناساند.

بخش اول: کلیات

اشاره

بخش اول: کلیات

زیر فصل ها

فصل اول: بیان مسأله

فصل دوم: فرهنگ و عناصر آن

فصل سوم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

فصل اول: بیان مسأله

اشاره

فصل اول: بیان مسأله

از آن جا که الگوسازی در تعلیم و تربیت و ویژگی های روحی و روانی جوانان نقش ویژه ای دارد، ضروری است که نظام تربیتی کشور، با در اختیار گذاشتن الگوهای سازنده و متناسب با روحیه نوجوانان و جوانان، آنان را از گرایش به الگوهای دروغین و ویرانگر بازدارد.

نوجوانان و جوانان، نیروهای سازنده هر جامعه هستند. جامعه ای سالم و پویا است که قشر نوجوان و جوان آن، از تربیت درست برخوردار باشد. دشمنان جامعه اسلامی با فهم این واقعیت، از سال ها پیش برای انحراف نسل جوان و در نهایت، فلج کردن بنیان های اصلی جامعه، برنامه ریزی کرده اند. بنابراین، برنامه سازان فرهنگی کشور باید با تمام توان، با این معضل بزرگ که آینده کشور را هدف تیر زهر آگین خود قرار داده است، مقابله کنند.

گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ غرب، پی آمدهای ناگواری مانند: تأثیرگذاری بر بینش ها، نگرش ها، منش ها و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و دینی به همراه خواهد داشت. در این پژوهش، بر آن نیستیم تا به بررسی تأثیرهای آن بپردازیم و تنها پرداختن به دلایل فراموشی هویت و خود باختگی افراد و دور شدن از ارزش های ملی و اسلامی جامعه، مورد نظر ماست. در این پژوهش، از روش کتابخانه ای بهره

برده ایم؛ یعنی محدوده پژوهش کتاب ها، رساله ها و مطبوعات است. در ادامه، به عوامل مهمی پرداخته شده است که در شتاب بخشیدن به گرایش جوانان به فرهنگ خودی تأثیر بسزایی دارد.

اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش

جوانان، سرمایه های با ارزش هر جامعه هستند و در آینده، مسؤولیت اداره کشورشان را بر عهده خواهند گرفت. از این رو، استعمارگران در پی آنند تا با نفوذ در اندیشه آنان، پایه های چپاولگری خود را محکم تر سازند.

به همین دلیل، استعمار به جنبه های فرهنگی و ایدئولوژیکی، اهمیت بیشتری می دهد. بر یکایک مسلمانان واجب است که برای حفظ ارزش های ملی و هویت اصیل جوانان، با عواملی که می خواهند آنان را از فرهنگ ملی _ اسلامی خود دور سازند، مقابله و با به کارگیری روش های مؤثر، از تهاجم فرهنگی جلوگیری کنند.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی و شناخت انگیزه های جوانان در گرایش به فرهنگ غرب و تأثیر تربیتی آن در جامعه است. در این جریان، تأثیر بیش از حد فرهنگ غرب در کشور و هم چنین توانایی اسلام در برخورد با فرهنگ مهاجم مورد نظر بوده است و در ادامه، به عواملی پرداخته ایم که سبب کندی و ناکارآمدی روند مقابله با فرهنگ بیگانه در سال های گذشته شده است. هم چنین نقش دست اندرکاران حکومت را در رهبری و هدایت این نسل بررسی کرده ایم.

فرهنگ عبارت است از: «ادب، تربیت، دانش، معرفت و مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت»^(۱) در تعریفی دیگر، «فرهنگ عبارت است از: نیکویی پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوه مندی و هنر»^(۲) هم چنین در لغت نامه دهخدا در شرح واژه فرهنگ چنین آمده است: «ادب، تربیت، پرورش عقل و خرد، فضل و فضیلت، بزرگی، بزرگواری، دانش و وقار، شکوهمندی، حکمت، معرفت، فقه، علم، شریعت، صنعت، هنر، هوش، فراست»^(۳)

بنا بر عقیده بسیاری از استادان علم و ادب، واژه فرهنگ از دو بخش فر و هنگ تشکیل شده است. فر به معنای: شأن، شوکت، شکوه، برازندگی، زیبایی، پیرایش، نور، پرتو، تابش، آواز، آهنگ، عدالت، امامت، استقلال، سیاست، عقوبت، فوقانی، توانایی، سرافرازی بوده و هنگ به معنای: سنگینی، تمکین، وقار، قصد، اراده، آهنگ جایی و سویی، زور فراوان، زیرک، دریافت، فهم، قبیله، سپاه و نگهداری است»^(۴)

در تعریف اصطلاحی آن نیز گفته اند «فرهنگ: عبارت است از مجموعه ای از معارف، اعتقادات، اخلاق و آداب و رسوم یک ملت»^(۵) به عقیده نیم کوف؛ جامعه شناس غربی، «فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار، امیال، الفاظ و تکاپوهای ما منعکس می گردد و

۱- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، ج دوم، واژه فرهنگ.

۲- فرهنگ نفیسی، علی اکبر نفیسی، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳- لغت نامه دهخدا، واژه فرهنگ.

۴- ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، صص ۱۹ - ۲۰.

۵- نفوذ و استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، ص ۲۹.

حتی در اطوار و حرکات خفیف چهره ما راه دارد.» (۱) گرایش نیز به معنای «آهنگ تمایل، میل و رغبت» است. (۲)

نوجوانی و جوانی

نوجوانی و جوانی

درباره سن نوجوانی و جوانی، تعریف های گوناگونی هست که در آغاز دوره نوجوانی یا جوانی با هم اختلاف دارند. در این میان، تعریفی که بیشتر مطرح است و بسیاری از صاحب نظران بر آن باورند، این است که نوجوانی را از ۱۳ تا ۱۸ سالگی می دانند و جوانی را از ۱۸ تا ۲۵ سالگی قلمداد می کنند.

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۱۸.

۲- فرهنگ عمید، حسن عمید، ج ۳، ص ۸۶۲.

فصل دوم: فرهنگ و عناصر آن

اشاره

فصل دوم: فرهنگ و عناصر آن

زیر فصل ها

مقوله فرهنگ

ویژگی مشترک فرهنگ ها

عناصر فرهنگ

فرهنگ

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

فرهنگ اسلامی

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

مقوله فرهنگ

مقوله فرهنگ

نگاهی از بام تیره و هوس آلود سده بیستم به گذشته، جهان را پهنه دگرگونی های بی شمار نشان می دهد؛ دگرگونی هایی که گاه نابودی و نامرادی، و زمانی، امید و کامروایی به ارمغان آورده و پرونده زندگی انسان را از لحظه های زشت و زیبا آکنده است. بررسی فراز و نشیب های تاریخ، بشر را بدین حقیقت رهنمون می کند که پدیده های خوب و بد جوامع انسانی، چیزی جز بازتاب فرهنگ ها نیست. به عبارت دیگر، فرهنگ، خاستگاه همه پیشرفت ها، نوآوری ها یا همه عقب ماندگی ها به شمار می آید.

فرهنگ، مقوله وسیعی است که در جامعه شناسی برای آن، بیش از پانصد تعریف بیان شده است. البته آن را به اختصار می توان این گونه تعریف کرد: «فرهنگ عبارت است از مجموعه مایه هایی که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و ممتاز

می سازد».(۱) بر این اساس، فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است در بردارنده اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، گرایش‌های گوناگون، قابلیت‌ها و عادت‌های روزانه که آدمی با عضویت در یک اجتماع، به دست می‌آورد.

۱- تهاجم فرهنگی، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۷۱.

ویژگی مشترک فرهنگ ها

ویژگی مشترک فرهنگ ها

همه فرهنگ ها، گذشته از خاستگاهشان، ویژگی های مشترکی دارند که بررسی آن ها می تواند در بررسی پدیده های اجتماعی سودمند افتد:

۱. فرهنگ، فراگرفتنی است؛ یعنی فرهنگ قابل آموختن است و از راه وراثت، به دیگری انتقال نمی یابد. در واقع، فلسفه بودن آموزش و پرورش در جامعه انسانی نیز همین ویژگی است.

۲. خاستگاه فرهنگ، اجتماع بشری است. در واقع، فرهنگ یک موضوع اجتماعی است که در جامعه شکل می گیرد و بارور می شود و مفهوم می یابد.

۳. هر چند فرهنگ، بزرگ ترین نیاز جامعه بشری است، ولی اساسی ترین نیازمندی های زندگی انسان را برآورده می سازد.

۴. فرهنگ، ایستایی نمی پذیرد و با گذشت زمان پیوسته تحوّل می یابد.

۵. فرهنگ انتقال پذیر است و از نسلی به نسلی یا از ملّتی به ملّت دیگر منتقل می شود. (۱)

عناصر فرهنگ

عناصر فرهنگ

۱. عناصر عمومی: رفتارهایی که در میان مردم یک جامعه، مشترک است یا عمومیت دارد.

۲. عناصر تخصّصی: رفتارهایی که در میان اعضای گروه های تخصّصی، ظاهر می شوند.

۳. عناصر اختراعی: رفتارهای تازه ای که کم کم از سوی فرد یا افرادی

در جامعه مطرح می شوند و ممکن است شیوه زندگی مردم را در پاره ای از شؤون اجتماعی تغییر دهند.

آموزش و پرورش از راه تقویت عناصر عمومی در جامعه، وحدت ایجاد می کند و برنامه های آموزشی _ حرفه ای در سطح متوسطه و عالی برای تشکیل عناصر تخصصی طرح ریزی می گردد. تشویق افراد به اندیشیدن و آزاد اندیشی در زمینه های گوناگون نیز سبب پیدایش عناصر ابداعی می شود. (۱)

فرهنگ

اشاره

فرهنگ

به طور کلی همه فرهنگ ها را در دو نوع مادی و الهی می توان تقسیم بندی کرد.

الف) فرهنگ مادی

الف) فرهنگ مادی

این فرهنگ بر بوج انگاری ارزش های الهی و انسانی بنا نهاده شده است. در این فرهنگ، جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده است و آدمی تنها به عنوان موجود مادی ارزیابی می شود. چنین فرهنگی، پیروان خویش را برای به دست آوردن رفاه بیشتر، آزادی و بهره وری افزون تر از غرایز و سود پرستی، به جنبش در می آورد. در فرهنگ مادی؛ هدف، وسیله را توجیه می کند. بنابراین، پیروان چنین فرهنگی برای رسیدن به هدف های مادی و بهره مندی هرچه بیشتر از مزایای زندگی، به هر وسیله ای دست می یازند و از هر شیوه ای سود می جویند. در پرتو چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد، ارزش های انسانی کم رنگ می شود و آمار بزه کاری ها فزونی می یابد. افزون بر آن، بشر در گرداب بی پناهی و

تنهایی گرفتار می آید و نگرانی و تشویش بر سراسر زندگی وی حاکم می شود.

(ب) فرهنگ الهی

(ب) فرهنگ الهی

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند. فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است و هدف خود را، دست یابی به کمالی می داند که در پرتو آفتاب وحی به دست می آید. معیار برتری افراد را نیز پای بندی به اصول ثابت اخلاقی می داند. قرآن مجید در این باره می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ؛ به یقین، گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.» (۱)

اساساً برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات، باید به مطالعه و شناخت عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه های حاکم بر آن فرهنگ پرداخت تا مشخص شود آیا شخصیت مستقلی دارد یا این که التقاطی بوده و پیرو فرهنگ های دیگر است؟

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته دست بشر است، این ویژگی منحصر به فرد را دارد که مستقل است و همواره به حیات خود ادامه داده است. (۲) اندیشمند بزرگ اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می فرماید:

فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ هایی را از یونانی، هندی، ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد. به اعتراف

۱- حجرات، ۱۳.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۸، ۱۹ و ۲۰.

محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگ ترین فرهنگ ها و تمدن های بشری است. (۱)

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

وجه تمایز فرهنگ مادی و الهی

زیربنای فرهنگ مادی، اقتصاد و بهره مندی از لذت های مادی است. از این رو، انسان را تنها از این دیدگاه می نگرند و تمام هدف را در رفاه، آسایش، کام یابی و لذت جویی خلاصه می کنند. قدرت و بهره جویی حیوانی را کمال انسانی می دانند و او را در این مسیر به پیش می رانند. دنیای امروز، دنیای تبلیغات فریبنده و میدان نمایش و عرضه کالاهای گوناگون مصرفی است؛ زیرا اخلاق، معنویت و ارزش های انسانی در این فرهنگ، جایی ندارد.

در فرهنگ الهی که بر پایه اخلاق و ارزش های الهی _ انسانی بنا نهاده شده، وضع به گونه ای دیگر است. اقتصاد و بهره جویی از امور مادی، وسیله است نه هدف؛ یعنی در این فرهنگ، اخلاق اصل است و رفاه و مادیات فرع هستند و آدمی به اعتدال میان این دو رهنمون می گردد. در واقع، در این فرهنگ، هم بُعد مادی در حد ضرورت و نیاز مورد توجه است و هم بُعد معنوی در عالی ترین میزان.

فرهنگ الهی با طبیعت آدمی، نیازها و رشد و تکامل او سازگار است. هم جنبه اجتماعی حیات را در نظر می گیرد و هم به نیازهای اجتماعی و عقلانی انسان توجه دارد. هم احساسات و عواطف را تحریک می کند و هم میل به کنجکاوی و حقیقت جویی انسان را برآورده می سازد. فرهنگ مادی به دلیل نادیده گرفتن امور معنوی و اعتقاد به زندگی

موقتی، با جنبه های عقلانی انسان و نیز آرمان های اخلاقی و معنوی او در برقراری رابطه با دیگران و آفریدگار جهان توافق ندارد. هم چنین موقتی دانستن زندگی انسان در فرهنگ مادی، انگیزه کار و تلاش را در افراد کاهش می دهد، زندگی را برای انسان به صورتی بی معنا در می آورد و افراد را به پوچی، بی هدفی و احساس ناامنی و تزلزل دچار می سازد. در مقابل، فرهنگ الهی، راه را برای رشد و تکامل همیشگی و نامحدود انسان هموار می سازد و از این جهت، انسانی را که از نظر فطری، کمال جو است، راضی می کند. (۱)

فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی

اسلام به عنوان تنها دینی که تمام شؤون زندگی انسان را دربرمی گیرد، فرهنگی غنی و پربار دارد که بر وحی مبتنی است و از آموزه های الهی سرچشمه می گیرد. نفوذ فرهنگ اسلامی در ایران، پس از ورود اسلام به این سرزمین آغاز شد و سعه صدر اسلام و پررنگ بودن جنبه مردمی و عقلانی آن سبب گردید مردم ایران از این آیین استقبال کنند.

نفوذ اسلام در ادبیات، فلسفه، هنر، آداب و رسوم و افکار و عقاید مردم ایران به صورت گسترده به چشم می خورد و آن چه مانع حاکمیت اسلام بر تمام جنبه های زندگی مردمان این سرزمین شد، وجود حاکمان و پادشاهان خودکامه بود. گفتنی است این امر با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله و پشتیبانی توده مردم از میان برداشته شد و نظام پلید ستم شاهی سرنگون گردید.

اکنون وقت آن است که با الهام از آموزه های حیات بخش اسلام و زیر نظر ولایت فقیه که رهبری نظام اسلامی به دست اوست، دگرگونی های بنیادی در فرهنگ جامعه به وجود آوریم و فرهنگ اسلامی را که در کنار ارایه معارف الهی و ارزش های معنوی، از آزادی، حاکمیت ملی، استقلال، عدالت، علم و هنر اصیل نیز دفاع می کند، در تمام جنبه های زندگی خود برجسته و آشکار سازیم. (۱)

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

عناصر اصلی فرهنگ اسلامی

۱ _ نخستین عنصر، باورها و عقاید مردم به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان طبیعت؛ یعنی همان اصول دین شامل توحید، نبوت و معاد است که فلسفه، آن را شناخت بینش های انسانی یا هستی شناسی می نامد.

۲ _ ارزش ها، همان خوب و بدهاست و اسلام یک سلسله خوب و بدهای ثابت و ابدی را به ما ارایه می دهد. البته این بدان معنا نیست که احکام در هیچ زمانی تغییر نمی کند، بلکه احکام اموری جزئی و تغییرپذیرند و منظور از ارزش های ثابت، اصول و مبانی ارزشی است.

۳ _ عنصر سوم، شیوه های رفتاری خاص است که از آن، بینش ها و ارزش برمی خیزد.

این سه، عناصر اصلی فرهنگ اسلام اند؛ یعنی آن چه را باید بدان معتقد باشیم، خوب و بد شیوه رفتار ما را مشخص می کند. این همان اصول دین، اخلاق و احکام اسلامی است. لهجه ها و لباس های گوناگون محلی و گویش ها، ارتباطی با فرهنگ ندارد. انسان نباید پیرو دشمنان خدا شود و رنگ دشمن به خود بگیرد، بلکه باید استقلال خود را حفظ

کند. این که لباس یقه داشته باشد یا نه، به اسلام مربوط نیست. شاید این مسأله زمانی نشانه استقلال باشد، ولی عنصر اصلی فرهنگ اسلام نیست. (۱)

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

ارزش های دینی در فرهنگ اسلامی

۱ _ پرستش خدا (اساسی ترین ارزش دین): شناخت خدا و ایمان به او و پرستش او، هدف اساسی نظام عقیدتی اسلام است. قرآن مجید در این زمینه می فرماید:

و ما خلقتُ الجنَّ و الانس الا لِيَعْبُدُون. (ذاریات: ۵۶)

ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت.

خداشناسی و پرستش خدا، بنیان استواری است که نه تنها حرکت همیشگی انسان را به سوی کمال و رشد تضمین می کند، بلکه به شکلی اطمینان بخش، جلو کج روی های فردی و گروهی را می گیرد، انسان را به خدا می پیوندد، او را از پلیدی ها، بیدادگری ها، هوا و هوس و گرایش های بی ارزش و خودخواهی ها می رهاند و تسلیم خدا می گرداند. هم چنین انسان را از شر طاغوت ها و نفوذ قدرت های اهریمنی آزاد می سازد. (۲)

۲ _ پرورش روح عدالت خواهی: عدالت از ارکان اصلی زندگی انسان است. در جامعه ای که ستم و بی عدالتی برقرار باشد، انسانیت انسان نابود می گردد. جامعه ای اسلامی است که نظام عدل الهی در آن حاکم باشد. در این جامعه، کار و کوشش اساس مالکیت است و استثمار و بهره کشی از انسان ها، گناه نابخشودنی به شمار می رود. اسلام نیز رسالت پیامبران را اقامه عدل می داند. (۳) قرآن مجید در این باره می فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

۱- تهاجم فرهنگی، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۱۰۳.

۲- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۲۹.

۳- تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۵۱.

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرو فرستادیم و با آن ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

۳ _ مسؤولیت فردی: از دیدگاه اسلام، فرد هم مسؤول رفتار خویش است و هم نسبت به اجتماع خود مسؤولیت هایی دارد که پی آمد حرکت ها و رفتارهایش متوجه او خواهد شد. از سوی دیگر، بی تفاوتی و تعهد نداشتن به مسایل اجتماعی نیز به شدت نکوهیده شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه فرمود:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. (۱)

همه شما در برابر یکدیگر مسؤول هستید.

۴ _ پرورش روح اجتماعی: در فرهنگ اسلامی، تلاش برای چاره گشایی از مشکل مسلمانان، به اندازه ای اهمیت دارد که پیامبر عظیم الشأن اسلام می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۲)

کسی که صبح کند و برای حل دشواری های مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- اصولی کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۲۳۸.

فصل سوم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل سوم: تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

امروزه پیشرفت شتابان دانش، مرز میان ملت ها را درهم شکسته و پدید آمدن سیستم های ارتباطی، جوامع پراکنده انسانی را در یک مجموعه فرهنگی یگانه، جای داده است. به این ترتیب، در اثر ارتباط و نزدیکی روزافزون ملت های گوناگون، انتقال ارزش ها و تأثیر و تأثرهای متقابل فرهنگی، مجموعه ای به نام دهکده جهانی با گستردگی و شتاب باور نکردنی در حال شکل گیری است.

پس باید میان دو مقوله تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی تفاوت گذاشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرماید:

تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است و هیچ ملتی از این که معارفی را در تمام زمینه ها _ از جمله فرهنگ و مسایلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می شود _ از ملت های دیگر بیاموزد، بی نیاز نیست. در همیشه تاریخ همین طور بوده و ملت ها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب، زندگی، خلیات، علم، لباس پوشیدن، آداب و معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فرا گرفته اند. این مهم ترین مبادله ملت ها با هم بوده که از تبادل اقتصادی و کالا هم مهم تر بوده است. (۱)

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سخنان رهبر معظم انقلاب ۲۱ / ۵ / ۷۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چ ۴، ص ۱۹.

ما ایرانی هستیم؛ باید بگردیم همان چیزی را که متعلق به خود ماست، پیدا کنیم. البته این به این معنا نیست که زیبایی های دیگران را یاد نگیریم. انسان هر چیز خوب و زیبایی را از دیگران می آموزد، ولی خوب است آن را در فرهنگ خودش حل کند و از آن استفاده کند. من یک وقت که پیرامون فرهنگ صحبت می کردم، گفتم: گرفتن فرهنگ دیگران ایرادی ندارد، منتها همان طور که جسم انسان، عنصر خارجی را دو جور می گیرد، فرهنگ دیگران را هم دو جور می شود گرفت. یک وقت هست که انسان یک غذایی را که ویتامین های گوناگونی در آن هست می خورد، با بزاق دهانش مخلوط می کند و به داخل معده می فرستد. معده انسان آن مواد لازم را که با بدنش مناسب است، می گیرد و مواد زائد آن را دفع می کند. این گرفتن سالم است. یک وقت هم هست که یک نفر را می خوابانند، دست و پایش را هم می بندند و یک آمپولی را که خود او نمی خواهد، در بدنش تزریق می کنند. این یک جور گرفتن مواد بیگانه است که با آن قبلی یکسان نیست. حالا اگر آن کسی که به بدن تزریق می کند، یک طبیب دلسوز و علاقه مندی بود، می گوئیم روی چشم، ولی اگر دشمن بود، تکلیف چیست؟

الآن ما داریم فرهنگ بیگانه را متأسفانه این طور، مصرف می کنیم؛ یعنی یک چیزی را همین طور به بدن ما وصل کرده اند و تزریق می کنند؛ ما هم هیچ عکس العملی انجام نمی دهیم. آن وقت همین که گفته می شود تهاجم فرهنگی، یک عده ای خیال می کنند طرف قضیه آن ها هستند. حال این که تهاجم فرهنگی از طرف غرب و از طرف دشمن است و ما باید بیدار باشیم. به دشمن که نمی شود گفت آقا دشمنی نکن! طبیعت دشمن، دشمنی است. من و شما باید بیدار باشیم و نگذاریم دشمنی کند. بله، ما اگر در معلومات غرب چیز مناسبی را یافتیم، مثل یک انسان سالمی که می نشیند غذایی را می خورد، خویش را جذب می کند و بدش را دفع می کند، باید خویش را بگیریم و جذب کنیم؛ یعنی همان طور که یک موجود زنده، با عامل خارجی برخورد می کند.

چرا باید فرهنگ بیگانه را این گونه به ما تزریق کنند؟ در حالی که ما خودمان می‌توانیم آن چه را که مناسب است انتخاب کنیم، ولی امروز عکس این است. منتها با سوزن تزریق نمی‌کنند، بلکه با رادیو و تلویزیون و کتابچه، مُد و مجله و تبلیغات و جار و جنجال تزریق می‌کنند. (۱)

گرفتن دانش و مهارت های گوناگون و کشف مجهولات و نمونه برداری از ابزار کار و زندگی دیگر ملت ها، بخشی از تبادل فرهنگی به شمار می رود. این همان چیزی است که اسلام آن را تأیید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أُطْلِبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ كَانَ بِالصَّيْنِ. (۲)

دانش را فرا بگیرد، هر چند لازم باشد به چین بروید.

بنابراین، تبادل فرهنگی که همان ارتباط منطقی و درست فرهنگ هاست، می‌تواند در پیشرفت ارزش های انسانی و به سازی زندگی بشر سودمند افتد؛ زیرا همه مردم جهان از تجربه آگاهی و باورهای درست یکدیگر بهره می‌برند و از آزمایش روش های نادرست آزموده شده بی‌نیاز می‌شوند. بر این اساس، باید از تبادل فرهنگی استقبال کرد. البته باید توجه داشت که خودباوری، اعتماد به نفس، شناخت و ایمان به ارزش های انسانی و الهی فرهنگ خودی، پیش شرط پیروزی در عرصه تبادل فرهنگی است.

پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی

پیشینه تاریخی تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، پدیده ای نو و تازه نیست که در قرن بیستم و با پیروزی

۱- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، صص ۱۶ _ ۱۷. ژ

۲- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۷.

انقلاب اسلامی به وجود آمده باشد، بلکه پیشینه ای به درازای تاریخ دارد. برخلاف پندار ماده گرایان و برخی روشن فکران مادی؛ جنگ تاریخ، جنگ اقتصادی و تضاد طبقاتی نیست، بلکه همه جنگ های تاریخ، جنگ فرهنگی و جنگ اقتصادی و ارزش ها بوده است. (۱) مبارزه پیامبران الهی با مظاهر استکبار و طاغوت ها در طول تاریخ، نبرد دو فرهنگ بوده است: فرهنگ متعالی حق مدار و فرهنگ باطل.

فرهنگ حق، بینش توحیدی، اعتقاد به آزادی و آزادگی انسان ها از زنجیر معبودها و طاغوت های بیرونی و خواهش ها و هوس های درونی و برپایی قسط و عدل در جهان را ترویج می کند. در مقابل، فرهنگ باطل دربردارنده دو گانه پرستی، بردگی و بندگی انسان ها، اسارت در دام بت های گوناگون، پیروی از هواهای نفسانی و حاکمیت جور و ستم است. (۲) سرنوشت پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، لوط، هود، شعیب و صالح که در قرآن کریم بدان ها اشاره شده است، این حقیقت را تأیید می کند. بنابراین، تهاجم فرهنگی چیزی نیست که امروزه به عنوان شیوه ای جدید به کار رود، بلکه در طول تاریخ بشر به شکل های گوناگون علیه انبیای الهی و حرکت های انقلابی به کار گرفته شده است. (۳) در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، دشمن بارها از این ابزار استفاده کرده که داستان غم انگیز و عبرت آموز مسلمانان در اندلس، نمونه ای از این تهاجم است.

تجدید حیات فرهنگی (رنسانس) در غرب و ظهور اندیشه و فرهنگ

۱- تهاجم فرهنگی، ستار هدایت خواه، اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان، ص ۱۴.

۲- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، جواد منصوری، صص ۴۰ _ ۴۱.

۳- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، جواد منصوری، صص ۴۰ _ ۴۱.

جدید، ملاک ها و ارزش هایی را عرضه کرد که با فرهنگ و ارزش های جامعه های دیگر، تفاوت اساسی داشت. پیشرفت فن آوری و ایجاد تمدن صنعتی در غرب، به گسترش ارزش های نوین کمک کرد و این فرهنگ جدید، زمینه را برای ظهور قدرت های سرمایه داری و نظام کاپیتالیستی فراهم آورد.

قدرت های جدید غربی که برای استحکام و گسترش نظام سرمایه ای خود به منابع دست نخورده نیاز داشتند، به استعمار سرزمین های جهان دست زدند و کشورهای آفریقایی و آسیایی را زیرسلطه خویش گرفتند. پیدایش استعمار، دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی گسترده ای را در سرزمین های زیرسلطه پدید آورد. استعمارگران غربی برای تثبیت سلطه خود بر سرزمین های جدید، به زدودن موانع فرهنگی در کشورهای زیرسلطه خود پرداختند. ساختن مدرسه ها به سبک غربی، وارد کردن کالاهای ساخت فرنگ و راه انداختن جریان های سیاسی و مذهبی از جمله اقدام های آنان برای مقابله با فرهنگ بومی است. آشنایی جوامع گوناگون شرقی از جمله سرزمین های اسلامی با تحولات غرب و نیز نفوذ عناصر آموزش دیده در مراکز تصمیم گیری حکومت ها و بی خبری رهبران این کشورها، زمینه را برای نفوذ فرهنگ غرب آماده ساخت. اندیشمندان و نویسندگان سرزمین های اسلامی نیز که پیشرفت های علمی و اجتماعی غرب بر آنان سخت تأثیر گذاشته بود، مبلغ فرهنگ جدید غربی شدند. جور و ستم حاکمان، فساد درباریان و طبقات بالا، ورشکستی اوضاع اقتصادی و اجتماعی از یک سو، زمینه را برای تحول فراهم و از سوی دیگر، راه را برای نفوذ سازمان های غربی مانند:

فراماسونری باز می کرد.^(۱)

پس از تجزیه امپراتوری عثمانی، بسیاری از سرزمین های اسلامی به صورت کشورهای جدید و بر اساس ناسیونالیسم شکل گرفتند و استعمار غرب به طور غیر مستقیم، به گسترش فرهنگ خود در این کشورها پرداخت. در این شرایط، جریان های اصلاح طلب که خواهان دگرگونی های اجتماعی و سیاسی بودند، زمینه رشد پیدا کردند. برخی از این جریان ها وابسته بودند و برخی دیگر به صورت خودجوش و تنها تحت تأثیر دگرگونی های جهان غرب، به اصلاح طلبی گراییده بودند. گفتنی است در بیشتر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی، این مسأله با مبارزه ضد استعماری همراه بود. توده مردم این کشورها بیشتر به مبارزه با استعمار و استقرار عدالت تکیه داشتند، ولی رهبران و روشن فکران آن به دموکراسی و آزادی می اندیشیدند. تمامی روشن فکرانی که درس خوانده غرب بودند یا با آن فرهنگ آشنایی داشتند، به تقلید از رنسانس، خواستار تحول فرهنگی و مذهبی در جامعه اسلامی خود بودند. غرب نیز به چنین جریان هایی دامن می زد یا خود، چنین جنبش هایی را به راه می انداخت.

باید دانست مهم ترین مانع بر سر راه غرب برای نفوذ در سرزمین های اسلامی فکر دینی و فرهنگ اسلامی بود که هیچ گونه نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی غرب را تحمل نمی کرد.

به طور کلی، اصلاح طلبان را می توان در سه گروه دسته بندی کرد:

۱. اصلاح طلبانی که دین جدیدی را عرضه می کردند. فرقه هایی

۱- تهاجم فرهنگی، صص ۱۶ - ۲۰.

مانند: قادیانیه در هند، وهابیت در عربستان و بهایی گری در ایران که می توان تمامی آنان را «وابسته» دانست.

۲. روشن فکرانی که اساساً رنگ مذهبی نداشتند و اصلاح طلبی آنان بدین معنی بود که دین را مانع هرگونه تحول و پیشرفتی می دانستند و خواستار حذف دین از همه شؤون اجتماعی – سیاسی بودند. در ایران، افرادی مانند آخوندزاده و میرزا ملکم خان از این گروه بودند.

۳. کسانی که به تلفیق ارزش های جدید غربی و فرهنگ اسلامی معتقد بودند و ستیز با مذهب را روا نمی دانستند.

به طور کلی، هر سه گروه معتقد بودند که برای رسیدن به قافله تمدن و پیشرفت می بایست تحولی فرهنگی، در جامعه صورت گیرد. آنان چاره این کار را در دین پیرایی می دانستند و از شعار سه گانه فراماسونری؛ یعنی آزادی، برادری و برابری هواداری می کردند.^(۱)

فرهنگ و تمدن غرب پس از رنسانس، با اصالت دادن به انسان و ترویج اومانیسم، در صدد نفی مذهب ها و فرهنگ های غیر غربی برآمد.

نظریه پردازان و اندیشمندان غربی به ویژه صاحب نظران علوم اجتماعی و تربیتی با طرد دین باوری و آموزه های آسمانی کوشیدند انسان را جای گزین خدا و دانش را به جای دین و مذهب معرفی کنند. آنان حتی دین را زاییده ترس و جهل بشری و افیون جامعه معرفی و دوران مکتب های آسمانی را پایان یافته قلمداد کردند.

غربیان برای گسترش حاکمیت اقتصادی شان بر دیگر کشورها و به دست آوردن منابع و منافع بیشتر کوشیدند با تحریف و مسخ فرهنگ

دیگران، آنان را از خود بیگانه و بی هدف کنند و فرهنگ غربی را در میانشان حاکم گردانند. آنان برای رسیدن به این هدف، با به کارگیری ابزارها و روش های آشکار و پنهان و با ترس و وحشت افکنی، زمینه گسترش فرهنگ غرب را در سطح جهان فراهم آوردند.

با این حال، باید گفت فرهنگ غرب با وجود دست آوردهای شگرف و حیرت انگیز فنی و تکنولوژی اش نتوانسته است نابسامانی های فکری و روانی بشر را پاسخ گوید. انسان سرگشته و نگران معاصر، بیش از هر زمان دیگر از ابتدال فرهنگی و سقوط مبانی اخلاقی، خودکامگی ها، قدرت پرستی ها و ستمگری های هم نوعانش رنج می برد، به گونه ای که صاحب نظران آزاده غربی نیز فروپاشی تمدن غرب را پیش بینی می کنند و در پی ترسیم آینده ای متفاوت با وضع موجود هستند. آنان معتقدند فروپاشی اخلاقی غرب در نتیجه ترویج مکتب های منحرف فکری مانند: اومانیسم (انسان مداری)، لیبرالیسم (آزادی بی حد و مرز) و در پی آن نهیلیسم (پوچ گرایی) است که پس از جنبش رنسانس در راستای مذهب ستیزی، پایه گذاری شدند. بدین سان بشر امروز با اصالت دادن به فن آوری و اقتصاد، در چنگال زندگی ماشینی گرفتار آمده و سیطره فن آوری، شأن او را نیز در حدیک ماشین کاهش داده است، به گونه ای که زندگی اش بدون معنا و فضیلت و هدف شده و به پوچی روی آورده است.

سلطه گران در سراسر نیم قرن اخیر با همه توان کوشیدند جهان بینی اومانیسم را در همه جهان به ویژه کشورهای اسلامی گسترش دهند و با ایجاد سرسپردگی مطلق و وابستگی همه جانبه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، به غارت فرهنگ و منابع این کشورها پردازند. آنان در این

راستا، با برانگیختن عناصر خود باخته آن کشورها، فرستادن میسیونرهای مسیحی به عنوان سپاهیان صلح و با به کارگیری توان فن آوری فرا مدرن در صنعت ارتباطات برنامه هایشان را پیش بردند. غربیان با به کارگیری تمام شیوه ها و ابزارهای ویران کننده، بر آن هستند تا فرهنگ الهی کشور را که بر محور بینش توحیدی پایه گذاری شده است و مانند سد مستحکمی عمل می کند، از میان بردارند.

آن چه امروزه سلطه گران را بیش از هر چیز دیگری به وحشت انداخته است، قدرت اسلام و حضور فعال آن در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. از این رو، طبیعی است که استکبار جهانی، جهان اسلام را که همواره در برابر تجاوزهای فرهنگ غرب ایستاده است، به شدت آماج یورش شدید فرهنگی خود قرار دهد. غرب با ترویج فرهنگ و اندیشه مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده دنیای صنعتی بر آن است تا در فرهنگ اصیل اسلامی رخنه کند، ارزش ها و باورهای دینی را سست سازد و کم کم ریشه باورهای امت اسلامی را بخشکاند. سپس دست آورد تمدن غرب؛ یعنی فن آوری جدید (البته سراب گونه و رنگ آمیزی شده آن) را به مردم نشان دهد و سرانجام آنان را در منجلاب فساد _ که زاییده فرهنگ جدید غرب است _ غرق سازد!

انگیزه این تهاجم در نخستین گام، ایجاد فضای خودباختگی و روح بی تفاوتی در جامعه نسبت به ارزش های اصیل خودی و ویرانی هویت مذهبی و ملی آن جامعه و در گام بعد، ایجاد جامعه ای تازه است که اندیشه ها و باورهای جهان غرب را بپذیرد و عقاید و ارزش های دینی و فکری خود را دور بریزد. در این صورت، با نابود شدن فرهنگ ملی یک کشور، زمینه برای سلطه همه جانبه استکبار جهانی هموار خواهد شد.

آن چه امروز سلطه گران با بهره گیری از فن آوری ارتباطات و برنامه های ماهواره ای و با شعار تحقق دهکده جهانی و همسان سازی فرهنگی برای جهانی کردن فرهنگ خود تبلیغ می کنند، در راستای همین اهداف شیطانی طرح ریزی شده است.

باید دانست در دوران معاصر به ویژه در نیم قرن اخیر، با جریان سازمان یافته ای علیه فرهنگ اسلامی و انسانی در کشورمان روبه رو هستیم که برخی موارد آن بدین شرح است:

۱. شکستن جامعه سنتی ایرانی و نفی ارزش های حاکم بر آن.

۲. گسستن رابطه نسل جدید ایران با تاریخ و فرهنگ پر بار این کشور.

۳. گسترش فساد و فحشا.

۴. گسترش دنیاگرایی و زندگی مصرفی.

۵. سرگرم کردن مردم به مسایل بی ارزش و بازداشتن آنان از اندیشیدن.

۶. تفرقه افکنی میان گروه های گوناگون مردم.

۷. ایجاد بدبینی به معارف اسلامی.

۸. کمک به گسترش بی سوادی.

۹. تبلیغ جدایی دین از سیاست.

۱۰. سست کردن مردم در تقلید از مراجع دینی.

پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

دگرگونی و تحول در فرهنگ ها در پی دو علت پدید می آید:

۱. علت پذیرندگی؛

۲. علت فاعلی.

تا زمانی که روح فرهنگی مستقل در جامعه ای زنده است و مردم به ویژه اندیشمندان جامعه نسبت به حقیقت آن فرهنگ اشراق دارند، هرگز فرهنگ دیگری نمی تواند به آن جامعه هجوم آورد و آن را نابود کند.

تاریخ بیانگر این حقیقت است که فرهنگ های زنده از تمامی فرهنگ ها بهره برده و آن ها را در خود حل کرده اند. البته وقتی به هر دلیلی، روح حاکم بر فرهنگ ملی از میان برود و مردم به ویژه اندیشمندان، آشنایی خود را با آن فرهنگ از دست بدهند، آن فرهنگ آسیب پذیر می شود و هر فرهنگ مسلط دیگری را می پذیرد. این حالت انفعالی، علت پذیرندگی است. در این صورت، فرهنگ بیگانه می تواند به سرعت در این فرهنگ فراگیر شود تا جایی که ماهیت آن را نیز تغییر دهد. این علت دوم را علت فاعلی گویند.

تاریخ ایران از گذشته تا کنون، شاهد دگرگونی های بنیادین بوده است. در زمان حمله اسکندر مقدونی به ایران، فرهنگ ایرانی در حال رکود بود و اندیشمندان ایرانی نسبت به حقیقت آن بیگانه بودند. به همین دلیل، اسکندر توانست پس از پیروزی نظامی بر نیروهای ایرانی، فرهنگ و تمدن آن را به شدت دیگرگون کند. تا جایی که ایران حتی پس از حکومت سرسخت ساسانی، نتوانست خود را از آموزه های فرهنگ یونانی که به وسیله اسکندر و جانشینان وی حاکم شده بود، برهاند.

هم چنین ایران در عصر اسلامی پس از تجربه بسیار پر بار و نشان دادن جلوه های برتری از تمدن اسلامی، در زمان صفویه، کم کم زمینه ای (پذیرنده ای) برای نفوذپذیری یافت. از آن پس، گروهی از جمله میسیونرهای (مبلغان مسیحی) مذهبی از غرب راهی ایران شدند و توانستند بنیاد اندیشه غربی را نخست در میان درباریان و سپس در مجامع علمی، فرهنگی، همگانی سازند. تا جایی که حاصل فعالیت آنها به توده جامعه ایرانی نیز کشیده شد. جامعه ایرانی تا پیش از صفویه با وجود ارتباط با فرهنگ ها و تمدن های گوناگون، به ویژه چین که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته بود، هرگز نسبت به آن ها خودباختگی نشان نداد و فرهنگ و تمدن مستقل اسلامی خود را نگاه داشت و آثاری پدید آورد که امروزه نیز جزء شاه کارهای بزرگ تاریخ بشر به شمار می آید. (۱)

نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران

نقش میسیونرهای مذهبی در نفوذ فرهنگی به ایران

برژنسکی در کتاب «میسیونرهای کلیسای انجیلی در رابطه امریکا با ایران دوره پهلوی» می نویسد: ۴۹ سال پیش از آن که نخستین دیپلمات امریکایی استوارنامه خود را در تهران تسلیم کند، میسیونرهای کلیسای انجیلی وارد ایران شدند، آن ها پیش از جنگ دوم جهانی زنجیره ای از مدرسه ها و بیمارستان ها را در ایران اداره می کردند. این مدرسه ها نخستین بار در ایران، آموزش به سبک غربی را رایج کردند. میسیونرها می کوشیدند مردم ایران را به نسخه های محلی و پروتستان های مدرن

امریکایی تبدیل کنند. برژنسکی، فعالیت های آموزشی گروه های میسیونری را در ایران گسترده توصیف می کند، و می گوید:

میسوینرها برای آموزش ادبیات غربی، ریاضیات، علوم و انجیل، مدرسه هایی تأسیس کردند. آن ها می خواستند ایران را تغییر دهند و به صراحت می گفتند: مدرسه های ما طعمه هایی است که با آن ها مسلمانان را شکار می کنیم. هیأت های میسیونری در ایران، از قدرت و ارتباطات قوی با حکومت برخوردار بودند. مقام های امریکایی به دربار ایران گفته بودند که اعضای کلیسای انجیلی، شغل های مهمی دارند و اگر ایران می خواهد در امریکا سابقه خوبی داشته باشد، به یقین به سود تهران است که اثر خوبی در میانشان بر جای بگذارد.^(۱)

بخش دوم: آسیب شناسی جوان

اشاره

بخش دوم: آسیب شناسی جوان

زیر فصل ها

فصل اول: آسیب شناسی نسل جوان

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه

روش شناسی هدایت نسل جوان

فصل اوّل: آسیب شناسی نسل جوان

اشاره

فصل اوّل: آسیب شناسی نسل جوان

زیر فصل ها

اهمیت دوران جوانی

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

آسیب های نسل نوجوان و جوان

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

عوامل دین گریزی

اهمیت دوران جوانی

اهمیت دوران جوانی

نوجوانی و جوانی مهم ترین دوران زندگی انسان است. در این دوران، دگرگونی هایی در دو جنبه جسمی و روحی در فرد روی می دهد.

جنبه جسمی آن، در نتیجه افزایش ترشح غدد فوق کلیوی و غدد جنسی رخ می دهد که سبب ورود فرد به سن بلوغ و بروز آثار آن می شود. جنبه روحی آن نیز سبب افزایش احساسات و هیجان ها و لطافت روح فرد می گردد.

نوجوان در مرز بلوغ و جوانی، از طفیلی بودن می رنجد و می خواهد به خود متکی باشد. نیروی خواستن در او افزایش می یابد. دوستی هایش عاشقانه است و قهر و نزاع هایش تا مرز انتقام پیش می رود. در همه کارها از جمله دوستی ها و دشمنی هایش، اخلاص دارد. تندروری، غرور، خودشناسی، تردید، نگرانی، خواب و خیال، بی باکی، استدلال قوی و هوش وی، در بالاترین درجه قرار دارد و استعدادهایش به اوج می رسد.

این سال ها، فرصتی طلایی است. گویی رشد و تعالی انسان و نیز کج روی ها و لغزش هایش در همین سال ها شکل می گیرد. هم چنین حاکم شدن عقل بر احساسات، از همین دوران، آغاز می شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم تبلیغ خویش را از میان جوانان آغاز کرد؛ همان کسانی که شکنجه می شدند و پایداری می کردند و دست از ایمان خود بر نمی داشتند. مُصْعَب، نماینده پیامبر در مدینه برای تبلیغ

اسلام و اُسامه، فرمانده لشکر اسلام در یکی از جنگ‌ها از همین جوانان بودند.

با بیان این مقدمات درباره اهمیت دوران جوانی، خطیر بودن وظیفه پدر و مادر و مربیان روشن تر می شود. بنابراین، برای موفقیت بیشتر در هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، باید هماهنگی و همکاری میان پدر و مادر و مربیان هرچه بیشتر افزایش یابد.

نوجوان و جوانی که در خانواده ای نابسامان و محیطی آمیخته با اختلافات خانوادگی پرورش یافته است، زمینه کمی برای تربیت پذیری خواهد داشت. اگر پدر و مادر بیش از نیازهای مادی فرزندان، به جنبه های روحی آنان می پرداختند، مشکلات کمتری به بار می آمد و بزه کاری ها (فساد، اعتیاد و ...) کاهش می یافت. بیشتر کودکان بزهکار، از نبودن عاطفه در روابط خانوادگی و کمبود محبت گلایه داشته اند.

از این رو، ویژگی های دوران بلوغ و نوجوانی، نیازهای خاصی را در پی دارد. سرعت زیاد رشد در دوران نوجوانی (که برخی آن را تولد دوباره می نامند، نیاز به تغذیه مناسب در این دوره را آشکار می کند. هم چنین شرایط روانی حاکم بر این دوران بیانگر آن است که نوجوان و جوان به آرامش روانی بیشتر و ارتباط صمیمانه و دوستانه نیاز دارد. او همدم و دوستی می جوید که وجودش را درک کند و هم چون او، طعم ناخوشایند انتقاد، تهدید، تحقیر و روابط آمرانه را چشیده باشد. کسی را می خواهد که به دور از روابط آمرانه، حاکمانه و ناصحانه، با او دوستانه و صمیمانه سخن بگوید. [\(۱\)](#)

جوان نیاز دارد که دیگران وجودش را آن گونه که هست، درک

کنند! در اهمیت این دوران همین بس که بر اساس حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم یکی از مهم ترین چیزها که در قیامت، از آن پرسیده خواهد شد، دوران جوانی است (۱). به همین دلیل، آن حضرت درباره جوانان چنین سفارش فرموده است:

أَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا؛ فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْيِدَةً (۲).

به جوانان نیکی کنید؛ زیرا دل های نازکی دارند [و دارای روحی فضیلت پذیرند].

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

اشاره

ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی

از آن جا که تربیت نوجوان و جوان، رسالت هر خانواده و جامعه ای است و این دوره زندگی انسان، ویژگی های خاصی دارد، باید از مشخصه های این دوران، نیازها و ویژگی های جسمی، عاطفی و اجتماعی جوانان آگاهی داشت. در این جا، نمونه هایی از ویژگی های دوره نوجوانی و جوانی را به اختصار برمی شماریم.

۱. مهم و پر حادثه بودن

۱. مهم و پر حادثه بودن

این دوره بر رفتار و دیدگاه فرد، تأثیرهای ناگهانی می گذارد. که تا مدت ها ادامه خواهد داشت. تأثیرهای یادشده در زمینه جسمی روانی رخ می دهد. (۳)

۲. دگرگونی

۲. دگرگونی

میزان تغییر در نگرش و رفتار، در این دوره بسیار زیاد است. پنج نوع

۱- تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب یعقوبی، ص ۲۹.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۹.

۳- دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، صص ۵۰ و ۵۱.

تغییر در دوره نوجوانی و جوانی پدید می آید:

الف) زندگی عاطفی (انفعالی) توسعه می یابد.

ب) سرعت دگرگونی هایی که با رشد جنسی همراه است، نوجوانان را به خود و استعدادهایشان نامطمئن می سازد. به همین دلیل، آنان به شدت احساس بی ثباتی می کنند؛ احساسی که با رفتارهای مبهم پدر و مادر و مربیان، شدیدتر می شود.

ج) در این دوره در بدن، خواست ها و نقش هایی که در اجتماع از آنان انتظار می رود، دگرگونی هایی پدید می آید. این دگرگونی ها برای نوجوانان بیشتر است و کم تر حل شدنی به نظر می رسد.

د) هم چنان که الگوهای خواهشی و رفتاری تغییر می یابد، ارزش ها نیز دگرگون می شوند. آن چه در دوران کودکی برایشان مهم بود، اکنون در آستانه بزرگ سالی، کم تر اهمیت دارد. مثلاً برای بیشتر نوجوانان، رفت و آمد با دوستانی از گروه هم سالان که هم تیپ و جذاب باشند، مهم تر است تا دوستان بسیاری که ممکن است با او سنخیت روحی نداشته باشند. آنان در این دوره به کیفیت بیشتر از کمیت اهمیت می دهند.

ه) برخی نوجوانان دمدمی مزاج اند؛ آنان هرچند استقلال می خواهند، ولی از مسئولیت هایی که همراه با استقلال باشد، هراس دارند. (۱)

۳. هویت یابی

۳. هویت یابی

یکی از تلاش های نوجوانان در جامعه، یافتن پاسخ این پرسش است که: «من کیستم و باید چگونه باشم؟» (۲)

در جامعه هایی که پیچیدگی و گونه گونی رفتارها زیاد به چشم

۱- دنیای نوجوان، صص ۵۲ و ۵۳.

۲- رشد و شخصیت کودک، پاول هنری ماسین، برگردان: مهشید یاسایی، ص ۵۷۸.

می خورد، الگوهای گوناگونی در برابر نوجوان خواهد بود که او را در گزینش یک یا چند الگو برای همانند سازی _ یعنی شیوه ای برای زیستن با الهام از آن الگوها _ با مشکل روبه رو می سازد. در چنین جامعه هایی، هویت یابی نسل جوان، مشکل خواهد داشت؛ یعنی گاهی هویت های گوناگون را مورد آزمون و خطا قرار می دهد، برای نمونه، برخی نوجوانان درس خواندن را ترک می کنند و به کارهای دیگر روی می آورند یا گاهی شغل خود را پیایی تغییر می دهند.

اریکسون، روان شناس غربی می گوید:

نوجوانان و بزرگ سالانی که احساس هویت در آنان نیرومند است، خود را افرادی جداگانه و برجسته از دیگران می دانند. واژه «فرد» که معادل واژه «شخص» است، نشان دهنده نیاز همگانی به درک خود است؛ به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران، از آن ها جداست. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز با آن نیاز همگانی به درک خود ارتباط نزدیک دارد. وقتی از یکپارچگی خود سخن می گوئیم، مقصود ما جدایی از دیگران و در همان حال به معنای یگانگی خود؛ یعنی انسجام عملی نیازها، انگیزه ها و الگوهای واکنش شخص است. سرانجام این که درک هویت خود، مستلزم «تقابلی روانی _ اجتماعی» است. به عبارت دیگر، نوجوان باید میان تصویری که از خود دارد و تصویری که از انتظار دیگران از خودش دارد، هماهنگی ایجاد کند. (۱)

۴. رشد اجتماعی

اشاره

۴. رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در مرحله جوانی و نوجوانی ویژگی های خاصی دارد که به چند نمونه می پردازیم:

الف) میل به جنس مخالف

فرد در آغاز نوجوانی به جنس مخالف گرایش می یابد و این گرایش در رفتارها و کوشش های روزانه او اثر می گذارد. میل به جنس مخالف، به طور پنهانی آغاز می شود سپس به شکل برجسته ای بروز می کند. پس از آن دگرگونی می یابد و به زندگی واقعی روزانه نزدیک تر می شود. نوجوان در این حال می کوشد به روش های گوناگون، توجه جنس مخالف را به سوی خود جلب کند.

ب) پیروی از همگنان

نوجوان دوست دارد از رفتارها، روش ها، کارکردها و دستورهای دوستان و هم سالانش پیروی کند، به گونه ای که بریدن او از خانواده و پیوستن به هم سالان تقویت می شود؛ یعنی محبت او از خانواده، به گروه هم سالان می گراید.

ج) اعتماد به نفس

نوجوان با سبک شمردن سلطه خانواده، در پی اثبات مقام و موقعیت خود برمی آید و می کوشد اطرافیانش را وادار کند که به توان مندی های زیاد او اعتراف کنند. از این رو، در تعریف از خود و نشان دادن خویش افراط می کند و برای جلب توجه دیگران، به آرایش ظاهری روی می آورد.

د) سرکشی

نوجوان می خواهد از چیرگی خانواده بر خودش، آزاد گردد تا استقلال فردی خود را بیابد. گاهی در این آزادی، زیاده روی می کند و به سرکشی می پردازد و بر سلطه خانواده می شورد. گویا بدین ترتیب، می خواهد علیه کودکی خود _ که در آن مرحله پیرو و فرمان بردار امر و

نهی خانواده اش بود _ انقلاب کند.

ه) تمسخر

در این دوره، ایمان نوجوان به عقاید و آرمان های افراد خانواده، سست می شود و به استهزا و تمسخر آن می پردازد. البته پس از چندی، آن گاه که به رشد و کمال رسید، به واقعیت نزدیک تر می شود و از آسمان خیال هایش، به زندگی واقعی روزانه برمی گردد.

و) تعصب

تعصب و پافشاری نوجوان بر باورها و گرایش های گروه هم سالان و اندیشه ها و روش های دوستانش _ به ویژه در ۱۲ تا ۱۶ سالگی _ افزایش می یابد. سپس با نزدیک شدن به مرحله کمال، از تنیدی و شور این تعصب کاسته می شود. تعصب در نوجوانان عامل های زیادی دارد که عبارت اند از: خانواده، برخوردهای اجتماعی، نوع فرهنگ محیط زندگی، آداب و رسوم دینی جامعه، طبقه اجتماعی که عضو آن است و شخصیت نوجوان. گاه تعصب وی به شکل رفتاری دشمن گونه در واژگان زشت و رکیک و انتقاد بروز می یابد.

ز) رقابت

نوجوان و جوان برای نشان دادن جایگاه خود به دیگران، در بازی، تحصیل و کارهای روزانه، با هم سالانش به رقابت می پردازد. البته گاه زیاده روی در رقابت فردی، او را از رسیدن به معیارهای درست برای رشد، باز می دارد. (۱)

۵. گرایش های دینی

۵. گرایش های دینی

بر خلاف تصوّر برخی، نوجوانان به دین و مذهب علاقه دارند و به نقش

مهم دین در زندگی شان آگاهند؛ در مراسم دینی حضور فعال دارند و درباره مفاهیم دینی از بزرگ ترها می پرسند. از این رو، دوره نوجوانی را دوران تردید دینی نامیده اند؛ زیرا در این سال ها، نوجوان می خواهد باورهایش را از نو بسازد، از تقلید کورکورانه بیرون آید و با استدلال عقلانی در باورهای خود تجدیدنظر کند. (۱)

۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی

۶. علاقه به محیط مناسب برای رشد ذهنی

نوجوان و جوان در پی محیطی است تا در آن، به رشد ذهنی دست یابد و نوآوری های خود را نشان دهد تا رفتارش مورد تأیید قرار گیرد.

۷. حبّ ذات

۷. حبّ ذات

موجودات جهان هستی، یک ویژگی مشترک به نام حبّ ذات دارند؛ یعنی خودشان را دوست دارند و اگر چیزی قصد آسیب رساندن به آن ها را داشته باشد، از خود واکنش نشان می دهند. انسان نیز چنین است و از کودکی این صفت را همراه دارد. توجه به این نکته، در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین، کتک زدن به هیچ وجه برای تربیت مؤثر نیست و سرزنش و ناسزاگویی به آنان نیز سودی نمی بخشد؛ چون برضد حبّ ذات است.

پس اگر بخواهیم کاری کنیم که در ایشان تأثیرگذار باشد، باید در حبّ ذاتشان تأثیر بخشد. مثلاً عاطفه با حبّ ذات همگون و خشونت با حبّ ذات ناهمگون است. (۲)

۸. الگوپذیری

۸. الگوپذیری

تقلید، غریزه نیرومندی است که از کودکی آغاز می شود و در پنج تا شش سالگی به اوج خود می رسد. کودک در این سن، افزون بر تقلید در

۱- مجله علمی و تخصصی معرفت، شماره ۳۸، صص ۲۸ - ۳۸.

۲- والدین و تربیت نسل جوان، صص ۱۳ - ۱۷.

خوردن، لباس پوشیدن و ...، حالت های روانی را نیز تقلید می کند. از این رو، ترسو بودن یا شجاعت مادر (یا هر کسی که مورد تقلید اوست) در او اثر می گذارد. پدران و مادران باید در برابر کودکان، مواظب کارها و رفتارهای خود باشند. یک آینه، تا هنگامی که کسی در برابرش باشد، تصویر را نشان می دهد، ولی ذهن انسان قوی تر از آینه است و با از میان رفتن فرد، هم چنان تصویر او باقی می ماند. مربیان و پدر و مادر در این امر نقش بسزایی دارند؛ چون این غریزه در دوران نوجوانی نیز به فعالیت خود ادامه می دهد و نوجوان افزون بر مربیان و پدر و مادر، تا اندازه زیادی به تقلید از هم سالان خویش گرایش پیدا می کند.

مرحله تقلید در نوجوان از دوازده سالگی آغاز می شود. او از هم سالان ویژه (از نظر ویژگی درسی یا اخلاقی مانند: شلوغ کردن یا منظم بودن) تقلید می کند. این ویژگی بیشتر در پسران به چشم می خورد. آن چه در این مرحله باید بدان توجه کرد، انواع تقلید است که گاهی کورکورانه و گاهی آگاهانه است. در تقلید کورکورانه، تقلیدگر از هر عمل زیان آور یا سودمندی، ناآگاهانه پیروی می کند، ولی در تقلید آگاهانه تقلیدگر، نکات مثبت الگوش را انتخاب و از آن پیروی می کند و کردارهای ناشایست را تشخیص می دهد و کنار می گذارد. از این رو، پدر و مادر و مربیان باید نوجوانان و جوانان را آگاه سازند که در مسایل زندگی، کورکورانه تقلید نکنند؛ زیرا چنین تقلیدی به نابودی شخصیت فرد می انجامد. (۱)

۹. افتخار به شخصیت

۹. افتخار به شخصیت

تشخص طلبی یکی از گرایش های غریزی بشر به شمار می رود که در نسل جوان بسیار نیرومندتر است. نوجوان به نوع لباس، آرایش مو و نوع

واکنش هایش در برخوردها افتخار می کند و به اصطلاح در جمع هم سالان خود قیافه می گیرد. او به ابراز شخصیت و خودنمایی می پردازد تا بفهماند که بزرگ شده است. در این راستا، پدر و مادر باید با برخورد مناسب و احترام به شخصیت نوجوان، او را در برگزیدن لباس های مناسب و نوع برخوردهایش هدایت کنند.

۱۰. میل به آزادی

۱۰. میل به آزادی

یکی از گرایش ها و ویژگی هایی که در این دوران شدت می یابد، میل به آزادی بی مرز و بی قید و شرط است. او می خواهد قراردادهای اجتماعی را نادیده بگیرد و در راه برآوردن امیال خویش، از آزادی های بی رویه استفاده کند. از آن جا که آزادی های بی قید و شرط به کج روی ها و مشکلات خواهد انجامید، باید با روش های درست و گفت و گوهای دوستانه نظارت گردد.

۱۱. تعادل اجتماعی

۱۱. تعادل اجتماعی

تعادل دو صورت دارد:

۱. تعادل منفی؛

۲. تعادل مثبت.

اگر ویژگی های اجتماعی منفی در نوجوان و جوان پرورش یابد، او در همان ویژگی ها به تعادل می رسد و چنان چه ویژگی های اجتماعی مثبت در او پرورش یابد، در همان مشخصه ها به تعادل خواهد رسید؛ یعنی نوجوان در دوران دبیرستان، در هر کدام از دو حالت یاد شده به تعادل برسد، در همان تعادل باقی خواهد ماند. در بیشتر موارد، این تعادل، هم چنان تغییرناپذیر باقی می ماند.

۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی

اشاره

۱۲. دگرگونی در ویژگی های جسمانی

میزان رشد در دوران کودکی به ویژه در نوجوانی و جوانی در بالاترین حد قرار دارد. در این جا نخست، رشد جسمانی نوجوانان و جوانان را با عنوان بلوغ بررسی می کنیم. سپس به ویژگی های غریزه جنسی در این دوران می پردازیم:

بلوغ و دگرگونی های آن

بلوغ به معنای رسیدن و کامل شدن است. در آدمی، رسیدن به سن نوجوانی و جوانی را بلوغ نامیده اند؛ چون با رسیدن به این دوران، رشد بسیاری از اعضا، کامل می شود و دگرگونی های جسمانی، عاطفی و عقلانی در وجود فرد پدید می آید.

در رشد جسمانی، استخوان بندی نوجوان سرعت می گیرد، اعضا و اندامش ناهمگون می شود، حرکت های ناشیانه از او سر می زند و غدد و هورمون های جنسی شکوفا می شوند.

غریزه جنسی

غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند و حیاس انسان است. این غریزه در حیات روانی و جسمانی انسان، تأثیر فراوانی دارد. بسیاری از رفتارها حتی بیماری های جسمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می گیرد. اگر این غریزه، به گونه ای درست و با روشی عاقلانه پرورش یابد، زندگی آسایش می یابد و اگر در مسیر افراط یا تفریط قرار گیرد، ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی در پی داشته باشد.

پدر و مادر و مربیان حساس به آینده نسل جوان، نمی توانند نسبت به این غریزه بی تفاوت باشند و چون تربیت درست میل جنسی یکی از دشوارترین و حساس ترین انواع تربیت است، باید با دقت کامل صورت بگیرد. بنابراین، پدر و مادر وظیفه دارند با به دست آوردن آگاهی های

لازم از دگرگونی های این سال ها، با روشی دوستانه و بدون هیچ گونه تحریک، این مسایل را برای نوجوانان شرح دهند. (۱)

پدر و مادر باید این نکته را به خاطر داشته باشند که اگر مسایل مربوط به بلوغ را خود، برای نوجوانان بازگو نکنند، آنان برای به دست آوردن آگاهی هایی در این زمینه، به دوستان ناباب مراجعه می کنند که این مسأله به انحراف آنان خواهد انجامید. (۲)

آسیب های نسل نوجوان و جوان

آسیب های نسل نوجوان و جوان

یکی از موارد ضروری، شناخت دغدغه های فکری نسل نوجوان و جوان است. باید دانست که خواسته ها و دغدغه های آنان همیشه نشانه ناهنجاری نیست، بلکه گاه نشانه بیداری نیز به شمار می رود.

پس از شناسایی دردها باید به درمان آن پرداخت و هنگام درمان نیز باید با آن، برخوردی مناسب و منطقی داشت؛ زیرا نداشتن برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به کج روی های گوناگون از جمله کج فکری می کشاند و ممکن است آنان را به دامن مکتب ها و اندیشه های الحادی بکشاند.

استاد مطهری یکی از عوامل گرایش نسل جوان به مکتب های الحادی (در مسیحیت یا جوامع اسلامی) را پاسخ غیر منطقی و نامعقول به نیازها و پرسش های این نسل و برخوردهای منفی با آنان می داند. از این رو، بر این باور است که نباید آنان را از خود برانیم، بلکه باید بکوشیم برای پرسش های دینی و نیازهای اساسی آنان، پاسخ های معقول، منطقی و

۱- والدین و تربیت نسل جوان، صص ۳۰ _ ۳۱.

۲- والدین و تربیت نسل جوان، ص ۳۲.

حقیقی بیابیم. «فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت این نسل، هرگونه اقدامی بی مورد است. پس از شناخت درد باید به فکر درمان و چاره بود. اتفاقاً دیگران از راه شناختن نیازها، آرمان ها و دردهای این نسل و پاسخ درست به آن ها، آنان را منحرف کرده اند؛ مانند مکتب ماتریالیسم در ایران» (۱).

به گفته ایشان «ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر فوق العاده نیازمند است» (۲).

استاد مطهری، زایش و پیدایش پرسش های جدید و نیازهای تازه را نشانه کج روی و انحطاط و زاییده هوس ها و شهوت های نسل جوان نمی داند، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می شمارد. البته به شرط آن که اندیشمندان دینی به وظیفه خود در پاسخ گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند. شاید به همین دلیل، استاد مطهری، خود، هیچ اندیشه و اندیشمندی را تکفیر و طرد نکرد، بلکه همواره آنان را به مناظره و مباحثه فرا می خواند و دیگران را پیوسته به این روش عقلانی سفارش می کرد (۳).

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

اشاره

عوامل ظهور ناهنجاری ها در نوجوانان و جوانان

زیر فصل ها

۱. درک نکردن روحیه جوان

۲. الگوهای نامناسب

۳. تضاد در روش تربیتی

۴. فاصله طبقاتی

۵. کم توجهی خانواده ها

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

۷. استفاده ابزاری از دین

۸. تهاجم فرهنگی

۹. کم توجهی به مشکلات

۱۰. تساهل و تسامح

۱. درک نکردن روحیه جوان

۱. درک نکردن روحیه جوان

ما جوانان و نیازهای آنان را نمی شناسیم. بیشتر جوانان افرادی سرگردان اند. به گونه ای که نتوانسته اند راه خود را برگزینند و تضاد در

۱- ده گفتار، مرتضی مطهری، صص ۱۸۳ _ ۱۸۷.

۲- مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۱۳.

۳- استاد مطهری در گذر اندیشه ها، علی باقی نصرآبادی، ص ۵۹.

درون آن ها غوغا می کند. این افراد که دوران کودکی را پشت سر نهاده و هنوز به بزرگ سالی نرسیده اند، در برزخ به سر می برند. اگر ما بتوانیم روحیه جوان را بشناسیم، باید برنامه های خانه، مدرسه و اجتماع را بر اساس آن روحیه تنظیم کنیم؛ چون در غیر این صورت، با واکنش منفی وی روبه رو خواهیم بود.

به عنوان مثال، اگر خانواده ای با دختر یا پسر جوان ۱۷ _ ۱۸ ساله اش، همان برخوردی را داشته باشد که در سن ۷ _ ۸ سالگی داشته است و کوچک شمردن و توهین های پیشین را در حق آنان روا دارد، آن نوجوان یا جوان به دلیل غرور و تحمیل ناپذیری این برخوردها، از خانه فراری می شود و به خیابان ها پناه می برد. اگر پدر و مادر نتوانند در خانه خود برای نوجوانان و جوانان محیط گرمی فراهم کنند، آنان نسبت به پدر و مادر بیگانه می شوند و این مسأله، زمینه را برای جوانان فراهم می سازد. به همین دلیل، برای پی بردن به روحیه آنان باید آگاهی کافی داشت و نباید روحیه جوانان را با معیارهای خود سنجید، بلکه باید خود را به سطح فکری آنان بُرد و بررسی و ارزیابی کرد.

۲. الگوهای نامناسب

۲. الگوهای نامناسب

مسأله دیگر، کارهای ناشایست کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان ها توجه می کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل انحراف جوانان می گردد. جوان هنوز پختگی لازم را ندارد و به آن حد از شناخت نرسیده است تا حساب ها را از هم جدا کند و لغزش افراد را به حساب خود آن ها بگذارد نه دین و مذهب شان. به همین دلیل، به محض دیدن خلاف و اشتباه در کارهای الگوها، آن را به حساب دین و حکومت دینی می گذارد و با فرو ریختن یک باره تمام دیدگاه ها و

آرزوهایش به همه چیز بدبین می شود. از این رو، گفته اند لغزش الگو خطرناک ترین وضع برای نسل جوان است. البته برای افرادی که دین و آموزه های مذهبی کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسایل دشواری ایجاد نمی کند؛ زیرا آنان می دانند که هر شخصی ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد. شاید هم هوای نفس بر شخص غالب شود و کارهایی را بر خلاف دین و مذهب انجام دهد که کارهای چنین فردی را نباید به حساب دین او گذارد. در مقابل، جوانی که تازه به دین روی آورده و بدان معتقد شده است و در این راه از الگوهای مذهبی پیروی می کند، کارهای ناشایست الگوها را به حساب دین می گذارد و کارهای شخص الگو را تمام دین قلمداد می کند.

در این مورد می توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو، احساس مسئولیت بیشتری کنند. هم چنین توجه به اصالت دین جدا از کارهای دین داران باید به نسل جوان، تفهیم شود.

۳. تضاد در روش تربیتی

۳. تضاد در روش تربیتی

تربیت در هر یک از محیط های خانواده، آموزشگاه و جامعه به گونه ای است که جوان در گزینش هر یک از آن ها سرگردان می شود. در روان شناسی بحثی به نام یادگیری های شرطی است که بازتاب شرطی دارد.

در این مورد، دو صندوق همسان درست کردند؛ هریک دری داشت که با چرخاندن دستگیره ای باز می شد. در یکی از صندوق ها، مقداری گوشت قرار دادند و صندوق دیگر را به برق ضعیفی متصل کردند. وقتی گربه ای را رها کردند که به سراغ صندوق ها برود، گربه در تماس با صندوق برق دار، به دلیل برق گرفتگی فرار کرد و به سوی صندوق دیگر رفت و با چرخاندن دستگیره، در آن را گشود و گوشت را خورد. این

عمل هر روز در ساعت معینی انجام می گرفت و گربه عادت کرد که پیاپی و همیشه به سراغ صندوقی برود که گوشت دارد و گوشت های داخل آن را بخورد. روزی بدون اطلاع گربه، جای صندوق ها را عوض کردند. گربه به محض ورود، به عادت همیشگی، به سراغ صندوقچه ای رفت که هر روز درون آن گوشت بود، ولی ناگهان دچار برق گرفتگی شد و فرار کرد. سپس می خواست به سراغ صندوق دیگر برود، ولی چون از آن صندوق نیز از پیش خاطره بدی داشت، دچار هیجان و سردرگمی شد و راه فرار را در پیش گرفت.

با استفاده از این گونه آزمایش ها، درباره مسأله تربیت می توان گفت: اگر انسان در انتخاب و یادگیری ها دچار تضاد شود، تعادل روانی اش را از دست می دهد و به حالت های گیج کننده و ناهنجار روی می آورد.

وقتی شیوه تربیت خانه، مدرسه و جامعه باهم متفاوت و متضاد باشد، افراد به ویژه نسل جوان، دچار تردید و سردرگمی می شوند. مثلاً اگر پدر و مادر در منزل همواره از مال و ثروت و تجملات صحبت کنند و آن ها را معیار بدانند و برعکس، آموزگاران در مدرسه از معنویات بگویند و ارزش را در فضیلت و تقوا بدانند نه مال و ثروت؛ چنین فردی به دلیل این که به هر دو محیط علاقه مند است نمی تواند راه درست را انتخاب کند. در نتیجه، در حالت سردرگمی و گیجی، می ماند که وضع بسیار خطرناکی است.

از این رو، باید کوشید تا نظام پرورشی در محیط های خانه، مدرسه و جامعه یکسان عمل کنند و در یک جهت قرار گیرند.

۴. فاصله طبقاتی

۴. فاصله طبقاتی

اسلام، اقتصاد را زیر بنا نمی داند و در این مسأله نیز شکی نیست که

اخلاق، معنویات، علم، اراده و تصمیم خود فرد است که می تواند زیر بنا قرار گیرد، ولی در عین حال، نقش اقتصاد را نمی توان نادیده گرفت. اگر خانواده ای از کم ترین میزان رفاه برخوردار نباشد، ممکن است فرزندان این خانواده حالت سرکشی، شورش، نگرانی و ناهنجاری داشته باشند. در این میان، وظیفه ثروتمندان جامعه سنگین تر است. حضرت علی علیه السلام به جابر می فرماید:

یا جابر! قِوَامُ الدِّینِ وَ الدُّنْیَا بِأَرْبَعَةٍ: عَالِمٍ مُّسْتَعْمِلٍ عِلْمَهُ وَ جَاهِلٍ لَا یَسْتَنْکِفُ أَنْ یَتَعَلَّمَ وَ جَوَادٍ لَا یَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ وَ فَقِیرٍ لَا یَبِیْعُ آخِرَتَهُ بِدُنْیَا. (۱) فاذا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ یَتَعَلَّمَ وَ إِذَا بَخَلَ الْغَنَى بِمَعْرُوفِهِ، بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْیَا.

ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: دانشمندی که به علم خود عمل کند؛ نادانی که از یادگیری کوتاهی نکند؛ ثروت مندی که در بذل و بخشش بخل نورزد؛ تهی دستی که آخرتش را به دنیایش نفروشد. پس اگر عالمی از بخشیدن علم خودداری کرد، جاهل دیگر در پی یادگیری نمی رود. اگر ثروتمند هم بخل بورزد و به تهی دستان کمک نکند، فقیر و بی نوا [نیز برای رفع نیاز زندگی]، آخرتش را به دنیایش خواهد فروخت.

بنابراین، در مسایل اقتصادی، هر کس باید در حدّ توان خود به یاری دیگران بشتابد تا آنان در دشواری های فقر و تنگ دستی، دچار بن بست نشوند و خدای ناکرده به شیوه های ناهنجار اخلاقی گرایش نیابند.

۵. کم توجهی خانواده ها

۵. کم توجهی خانواده ها

از میان مهم ترین عوامل بیرونی در ناهنجاری نوجوانان و جوانان، به کم توجهی یا بی توجهی برخی خانواده ها به تربیت دینی فرزندان شان

می توان اشاره کرد. امروزه مشکلات خانواده ها به ویژه تنگنای معیشتی از یک سو و سستی و اهمیت ندادن برخی خانواده ها از سوی دیگر، نقش خانواده را در تربیت فرزندان کم رنگ کرده است. چه بسا پدرانی که از نداشتن تغذیه و لباس مناسب فرزندان خویش ناراحت می شوند، ولی از دروغ گویی، اعتیاد، بی هویتی شخصیت فرزند و بزه کاری او ناراحت نیستند. چه پدرانی که تمام هم و غمشان، درآمد و تجارت، حفظ مقام و ریاست و خوش گذرانی و سیاحت است، در حالی که فرزندانشان در آتش گمراهی و منجلا ب بی هویتی گرفتارند و دیر یا زود شعله های آتش انحراف، آنان را به کام خود فرو می برد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

وای بر فرزندان آخرالزمان از رفتار ناپسند پدرانشان. گفتند: یا رسول الله! پدران مشرکشان؟ فرمود: خیر، [بلکه] پدران مسلمان که چیزی از واجبات و معارف دینی را به فرزندانشان نمی آموزند و اگر هم خودشان بخواهند یاد بگیرند، آنان را باز می دارند. (۱)

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

۶. ناکارآمدی کانون های دینی

دیگر عامل مهم در گرایش نسل جوان به فرهنگ بیگانه، ضعف و ناکارآمدی کانون های دینی و مذهبی است. آیا به راستی مراکز دینی آن گونه که بایسته است، به رسالت خویش عمل کرده اند؟ آیا پس از انقلاب شکوه مند اسلامی، کانون های دینی متناسب با نیازهای نسل جوان و نوجوان گام برداشته اند؟ آیا مراکزی برای سنجش نیازهای دینی و طبقه بندی و رسیدگی به آن ها تشکیل شده است؟ چند درصد از مراکز پژوهشی به پژوهش درباره مسایل تربیتی و ناهنجاری جوانان پرداخته اند

و چه کارهایی در این زمینه ها صورت گرفته است؟! (۱)

۷. استفاده ابزاری از دین

۷. استفاده ابزاری از دین

عامل آسیب زای دیگر، برداشت های سست و نادرست و عرضه نامناسب دین است؛ برداشت ها و تفسیرهای نادرست از دین گاه از سوی کسانی است که بدون داشتن شناخت کافی از دین، در تفسیر و تبلیغ دین دخالت می کنند. گاهی این برداشت نادرست از سوی کانون های دینی است که به ظاهر با معارف دینی آشنایند و داعیه دین داری دارند، ولی در عمل، برخی احتیاط های نابِه جا و برداشت های نادرست و خشک از دین ارایه می دهند که در حقیقت، گوهر دین از آن ها دور است. تأسف آورتر این که حتی گاهی از کانون ها و مراکز دینی، استفاده ابزاری صورت می گیرد و برخی قلم به دستان و مطبوعاتیان از آن برای رسیدن به مقاصد سیاسی خویش بهره می جویند. (۲)

۸. تهاجم فرهنگی

۸. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از واقعیت های مسلّم جامعه ماست. امروزه با گسترش فن آوری اطلاع رسانی، تهاجم فرهنگی به مسأله ای جهانی تبدیل شده و حتی رهبران و حاکمان کشورهای غیر اسلامی با پذیرش این واقعیت در صدد چاره اندیشی و مقابله با آن بر آمده اند.

البته این واقعیت در کشور ما، جنبه ها و جلوه های بیشتری دارد. انقلاب اسلامی ایران، با طرح اندیشه های جدیدی مانند: مردم سالاری دینی، تجربه جدیدی را در سطح سیاست جهانی عرضه کرده است، و به همین دلیل بیش از دیگر کشورها و نظام های حکومتی، مورد تهاجم فرهنگی قرار گرفته است. در این تهاجم که در جنبه های گسترده و به

۱- تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ص ۱۷۴.

۲- تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ص ۱۷۵.

شیوه های گوناگونی تحقق می پذیرد، نوجوانان و جوانان، مهم ترین هدف تهاجم و آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند. امروزه شبهه افکنی و شبهه سازی در حوزه فرهنگ دینی و ناکارآمد معرفی کردن نظام، یکی از پر خطرترین جلوه های این تهاجم فرهنگی است.

۹. کم توجهی به مشکلات

۹. کم توجهی به مشکلات

دشواری های ویژه جوانان، نخستین مشکل نظام های حکومتی است و ندادن پاسخ به هنگام و کامل به آن ها، سرچشمه بسیاری از گرفتاری های دیگر خواهد شد. در جامعه ای که نظام حکومتی دینی و اسلامی دارد، این مشکلات پی آمدهای خاصی دارد. از مهم ترین پی آمدهای این مسأله آن است که این گرفتاری ها را به حساب نظامی اسلامی و دست اندر کاران و حاکمان آن بگذارند. صرف نظر از نکته بالا، وجود برخی مشکلات، زمینه ساز انحراف و بزه کاری است؛ بی کاری و نداشتن توان مالی برای ازدواج، همه مایه انحراف است. جوانی که در آتش غریزه جنسی می سوزد یا جوانی که به دلیل بی کاری، در ناامیدی به سر می برد، دست به هر کار ناشایستی خواهد زد.

به دلیل همین پی آمدهای ناگوار است که دین عقلانی و حکمت مدار اسلام، در کنار مسایل معنوی، بر امور مادی و اقتصادی تأکید می کند و فقر و تنگ دستی را مایه کفر^(۱) می شمارد.^(۲)

۱۰. تساهل و تسامح

۱۰. تساهل و تسامح

تساهل و تسامح برخی خواص (که در غفلت، جهل یا تأثیرپذیری از جریان روشن فکری افراطی ریشه دارد) در سال های اخیر سبب شده است که روند استحاله فرهنگی انقلاب شتاب بگیرد. هواداران نظریه تساهل و تسامح که گاه ممکن است آن را نقابی برای خود کرده باشند،

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲- تربیت اسلامی، ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، ص ۱۷۶.

خود آگاه یا ناخود آگاه زمینه پیروزی استراتژی نفوذ و استحاله را فراهم ساخته اند.

یکی از عناصر ارتجاع روشن فکری و عضو تشکیلات فراماسونری در ماهنامه پَر وابسته به بنیاد پَر که در امریکا منتشر می شود، چنین می نویسد: «در نتیجه این تساهل حکومت، نشریاتی چون آدینه، مفید، چیستا و گردون به بازار آمدند».^(۱) به استناد همین سخن می توان گفت بیشترین تسامح و تساهل، در حوزه انتشارات صورت گرفته است. بنابراین، منتقدان به نظریه تسامح و تساهل در عمل باعث شده اند که، راه برای هجوم به دین و ارزش های دینی و انقلابی هموار گردد.^(۲)

نظریه تسامح و تساهل نخست در حوزه دین و فرهنگ سپس در حوزه سیاست ظهور کرد و به پیدایش مَیدارای سیاسی انجامید. به موجب این نظر، افراد جامعه و دولت نباید در فعالیت ها یا باورهای دیگران مداخله کنند یا در برابر رفتارها و ایده های دیگران، حساسیت اخلاقی و اعتقادی از خود نشان دهند. هر چند این رفتارها از نظر آنان نادرست، غیر اخلاقی و گمراه کننده باشد.

این امر با مبانی اسلام به ویژه امر به معروف و نهی از منکر تضاد دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.^(۳)

همه شما (نسبت به دین و جامعه) نگهبانید و همه شما نسبت به آن چه نگهبانید، مسؤولیت دارید.

مُدارا، تسامح و تساهل را جان لاک؛ فیلسوف انگلیسی در سال

۱- نفوذ و استحاله، ص ۸۷.

۲- نفوذ و استحاله، ص ۸۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۶۸۵م. در رساله ای با عنوان مکتوبی در باب تساهل و مدارا مطرح کرد. به گفته وی، دولت، کلیسا و افراد جامعه نباید در کارهای یکدیگر مداخله کنند. از همین زمان، کثرت گرایی دینی (پلورالیزم دینی) و جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) معنا و مفهومی جدی تر به خود گرفت. به یقین با پذیرش سکولاریسم؛ تسامح و تساهل در حوزه دین و فرهنگ، به تسامح و تساهل در حوزه سیاست می انجامد. متأسفانه فریب خوردگان و تجدّد طلبان دینی با برداشت نادرست از احادیث نبوی می کوشند این نظریه را به حوزه فرهنگ و اندیشه وارد کنند و بدین ترتیب، هجوم واپس گرایان را به دین و ارزش های دینی توجیه کنند. هواداران تسامح و تساهل دانسته یا ندانسته به غیرت و تعصب دینی جوانان و مردم تعرض می کنند؛ غافل از آن که روحیه دفاع از دین در فرهنگ عاشورایی ریشه دارد و یکی از دلایل مهم دوام مکتب تشیع در طول تاریخ، همین غیرت و تعصب دینی مردم بوده است. بنابراین، تسامح و تساهل در حوزه فرهنگ و اندیشه که از سوی گروهی از خواص صورت می پذیرد، در حقیقت زمینه سازی برای استراتژی نفوذ و استحاله انقلاب اسلامی است. (۱)

عوامل دین گریزی

عوامل دین گریزی

دین گریزی گروهی از جوانان _ به ویژه طیفی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب است _ باید حکومت، دست اندرکاران آموزش و پرورش، رسانه ها، خانواده ها و عالمان دینی را به چاره اندیشی وادارد. دین گریزی تنها معلول تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست، بلکه علت های گونه گونی دارد. تا این علت ها به صورت واقع بینانه و درست،

آسیب شناسی نشود، معلول هم چنان باقی خواهد ماند و مانند بیماری تمام اعضای جامعه را افسرده و رنجور خواهد ساخت. در این جا، به برخی از این علت ها اشاره می کنیم:

۱ _ بیان نامعقول برخی از مفاهیم دینی.

۲ _ عملی نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه با وجود شعارهای فراوان.

۳ _ توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان هم چون: ازدواج، کار و مسکن.

۴ _ استفاده ایزاری از دین به دست برخی سیاست بازان برای منافع شخصی و گروهی.

۵ _ نبود برنامه ریزی درست فرهنگی برای نسل جوان.

۶ _ تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی برای انحراف نسل جوان.

در اهمیت جایگاه و نقش جوانان در پویایی و تداوم حیات اجتماعی جامعه نباید تردید کرد. تلاش و تکاپوی فکری و عملی نسل جوان می تواند معجزه آفرین باشد؛ چنان که در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس شاهد آن بودیم. بر عکس، سستی و انحراف نسل جوان می تواند پایه های یک تمدن دیرپای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دینی را فرو ریزد. پس بر اندیشمندان دینی و حکومت لازم است که به گونه ای شایسته و بایسته برای هدایت و رهبری نسل جوان برنامه ریزی کنند و عوامل انحراف و دین گریزی و موانع رشد آنان را برطرف سازند.

وظیفه و مسئولیت هدایت و رهبری نسل جوان، مسئولیتی همگانی

است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^(۱) ولی این مسئولیت بیش از همه بر دوش فرهیختگان جامعه، مانند: عالمان دینی، استادان دانشگاه ها و آموزش و پرورش، نویسندگان، هنرمندان و حکومت دینی سنگینی می کند.^(۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- معرفت دینی از دیدگاه شهید مطهری، علی دژاکام، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی، ص ۸۱.

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل دوم: شیوه های تهاجم فرهنگی

امروزه، سلطه گران جهانی پس از سال ها تجربه در چپاول و غارت، به خوبی پی برده اند که برای تداوم سلطه، باید روش های گوناگون و جدیدتری به کار گیرند. از این رو، به شیوه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی روی آورده اند و با نفوذ در فرهنگ کشورهای دیگر به ویژه کشورهای اسلامی می کوشند مردم را متقاعد سازند که معیارها و ارزش های رایج شده از سوی آنان، همان خواسته ملت ها و متناسب با جایگاه والای انسان متمدن و پیشرفته است.

کشور اسلامی ما نیز از جمله کشورهای است که آماج این یورش فرهنگی بوده و هست. گرچه تهاجم فرهنگی استکبار جهانی به ایران، پیشینه ای دراز دارد، ولی تحول بخش فرهنگی در جامعه ایران، به طور مشخص از زمان رضاخان آغاز شد. این حرکت شوم که برای اجرای اصول دیکته شده استعمارگران با خشونت وحشیانه ای همراه بود، نقطه عطفی در مبارزه با فرهنگ پر بار اسلام به شمار می آید.

مبارزه با حجاب و ترویج بی حجابی، جلوگیری از برگزاری مجالس مذهبی و سوگواری اهل بیت علیهم السلام، در انزوا قرار دادن روحانیت و خلع لباس آنان، برگزاری مراسم های سیاسی به شیوه غربیان، بستن مدرسه های علوم دینی و... اموری بود که استبداد رضاخانی برای استحاله

فرهنگی ایران از آن ها بهره جست.

با سقوط رضاخان و روی کار آمدن فرزند فاسد او همان دستورهای دیکته شده پیشین به صورت پیچیده تر و متفاوت تر از گذشته به اجرا درآمد. عوامل استکبار این بار در کنار غیر عقلانی جلوه دادن ارزش های ملی _ اسلامی، از سیاست نرمش با مخالفان بهره جستند و برای گسترش فرهنگ تحمیلی و وارداتی خود، به راه اندازی و گسترش تفریح گاه ها، روزنامه ها، مجله ها، رادیو و تلویزیون، مدارس، دانشگاه ها، کاباره ها، دانسینگ ها و دیگر مراکز تأثیرگذار بر فرهنگ مردم پرداختند. این بار احساس خطر مردم به اندازه ای بود که مقاومت، بیداری و خیزش مردم مسلمان ایران را در پی داشت و سرانجام، به سرنگونی و فروپاشی حکومت پهلوی انجامید.

استکبار جهانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل از دست دادن منافع خود و با هدف از میان بردن آرمان های اسلامی و نیروهای انقلابی، از شیوه های گوناگونی هم چون: محاصره اقتصادی، سیاسی، نظامی و انواع شیوه های فشار و ترس و تهدید استفاده کرد. هنگامی که هیچ کدام از این راه ها نتوانست دشمن را در رسیدن به اهداف پلیدش یاری کند، تهاجم فرهنگی را به عنوان تنها راه کارساز، در دستور کار خود قرار داد. البته در طول سال های پر التهاب جنگ تحمیلی، به سبب شور و هیجان موجود و فضای معنوی حاکم بر جامعه که در پرتو فداکاری ها و حماسه آفرینی های رزمندگان اسلام به وجود آمده بود، دشمن در این زمینه نیز همانند جبهه نظامی توفیقی نداشت. پس از گذشت چندین سال از پیروزی انقلاب _ به ویژه پس از فروکش کردن بحران جنگ، دشمن فرهنگی بار دیگر به درون مرزها راه یافت و آثار آن

در خیابان ها، اداره ها، روزنامه ها، مجله ها و بوتیک ها در شکل کالاهای لوکس مصرفی، محموله های مواد مخدر، مدل های مبتذل لباس، الگوهای مصرف غربی، تحلیل های نادرست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، طرح های هنری، فیلم ها، نمایش نامه ها، کلوپ های فساد و بی بند و باری و ده ها برنامه فسادانگیز دیگر ظاهر شد. (۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای در این باره می فرماید:

دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی شود از بین برد. محاسبه قبلی آن ها غلط از آب درآمده بود. همین طور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود کاری کرد ... لذا فهمیدند که باید عقبه ما را بمباران کنند ... عقبه ما در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود. منطقه عقبه ما عبارت از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام بود. (۲)

شیوه هایی که فرهنگ سلطه گر جهانی برای به دام انداختن ملت های مستضعف جهان به کار گرفته، بسیار گوناگون است. در این جا به عنوان نمونه، به برخی از مهم ترین این شیوه ها اشاره می کنیم:

۱- تربیت دست آموزها

۱- تربیت دست آموزها

سیاست مداران، استادان دانشگاه، دانشجویان درس خوانده در غرب، بازرگانان، اهل قلم، هنرمندان و شاعران می توانند بهترین عوامل برای نفوذ و نشر فرهنگ بیگانه باشند. اینان اگر از هویت فرهنگی - ملی خود بیگانه شده و به مهره های ساخته و پرداخته استعمار تبدیل گردند، با زبان

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۱۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۵.

و قلم خویش و با بهترین شیوه می کوشند فرهنگ مبتذل غرب را جای گزین فرهنگ ملی و بومی خود سازند. آنان هم چنان که خودشان شیفته بی بند و باری های فرهنگ بیگانه شده اند، تلاش خواهند کرد ملت خود را نیز از ارزش های فرهنگ خودی تهی کنند و گرفتار جلوه های فرهنگ و تمدن غرب سازند. در این میان، آنان که دوره های آموزشی و تخصصی خود را در غرب گذرانده اند و اکنون به عنوان استاد دانشگاه و متخصص به کشور خود باز می گردند، می توانند این نقش ویرانگر فرهنگی را به بهترین وجه ایفا کنند. (۱) مگر آن که پیش از آن، در پای بندی به فرهنگ دینی و ملی خود استوار و وارسته باشند. ژان پل سارتر؛ فیلسوف و سیاست مدار فرانسوی در مقدمه خود بر کتاب دوزخیان روی زمین نوشته فرانتس فانون، می نویسد:

نخبگان اروپا به ساختن و پرداختن بومیان نخبه دست یازیدند؛ جوان هایی را برگزیدند و داغ اصول فرهنگ و تمدن غربی را بر پیشانی آنان زدند و دهانشان را از حرف های گنده خمیرمانند و دندان چسب، پر کردند و پس از یک اقامت کوتاه در «متروپل قلب شده» روانه وطنشان ساختند. (۲)

با کمال تأسف، کشور ما نیز از افراد وابسته و دل بسته به غرب خالی نبوده و نیست؛ زیرا پیش از انقلاب اسلامی، افراد درس خوانده در داخل و خارج کشور — که داعیه روشن فکری داشتند — به گونه ای تربیت می شدند که فرهنگ غرب را بهترین و کامل ترین فرهنگ ها بپندارند. تقی زاده یکی از این دست آموزان بیگانه پرست عصر مشروطیت در مجله

۱- تحلیل استعمار فرهنگی، محمدعلی جاودان، ص ۳۳ با گزینش.

۲- دوزخیان روی زمین، فرانتس فانون، برگرفته از: مقدمه سارتر، ص ۲.

کاوه می نویسد:

... سه چیز است که هرچه درباره شدت لزوم آن مبالغه شود، کم تر از حقیقت گفته شده است: قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و زندگانی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا ... و خلاصه این که ایران باید ظاهراً، باطناً، جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس. (۱)

۲- ترویج الگوهای غربی

۲- ترویج الگوهای غربی

کارکرد اساسی تحمیل فرهنگ و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که ملت های زیرسلطه، شخصیت اصلی شان را از دست دهند و در خدمت کشور استعمارگر درآیند؛ آن هم به گونه ای که اصول تفکر و فرهنگ بیگانه را به صورت بهترین ارمغان بپذیرد و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بدانند. به دیگر سخن، کورکورانه به برتری بی چون و چرای فرهنگ بیگانه گردن نهند. (۲)

بر همین اساس، استعمار با ارایه الگوهایی برای افراد دیگر جامعه ها، در راه نهادینه کردن وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملت های استعمار شده، فرهنگ اصیل خویش را رها کنند و شیفته فرهنگ او شوند.

چرا مدهای گوناگون پوشش، آرایش، دکوراسیون و تزئین خانه ها، ویلاها، باغ ها و گلخانه ها و مدل های پیشرفته و لوکس خودروهای غربی برای کشورهای زیرسلطه، فریبنده است؟ باید گفت فرهنگ غرب،

۱- تاریخ ادبی ایران، ادوارد براون، برگردان: رشید یاسمی، ج ۳، صص ۳۴۰ _ ۳۴۱.

۲- تحلیل استعمار فرهنگی، ص ۱۲.

این نوع جنس های لوکس و تجملی را در کتاب ها، مجله ها، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، کلاس های درس و رسانه های گروهی آن چنان زیبا جلوه می دهد که آمال و آرزوهای نوجوانان و جوانان و زنان و مردان از خود بیگانه و غرب زده را برآورده کند. بر اساس این اندیشه و فرهنگ تحمیلی، یک زن هر چند از نیکویی صورت و سیرت برخوردار باشد، تنها آن گاه زیباست که سر تا پا در آرایش به شیوه غربی غرق باشد. (۱)

۳_ تضعیف باورهای دینی

۳_ تضعیف باورهای دینی

جوانان، سازندگان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش پیورانند، هدایت گران جامعه خواهند شد. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ متعالی و پویای اسلام درهم آمیزد، به بار خواهد نشست و همگان از نتیجه های آن بهره مند خواهند شد. دشمنان اسلام با آگاهی از این مهم، باورهای اسلامی را در تیررس یورش خود قرار داده اند و می کوشند از هر راهی، باورهای مذهبی جوانان را سست و کم رنگ کنند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی _ که با فطرت انسانی به ویژه فطرت بی آرایش جوانان سازگار است _ جای هیچ گونه نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای از این توطئه شوم این گونه نقاب بر گرفته است:

یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را از پای بندی های متعصبانه به ایمان _ همان چیزی که یک تمدن را نگه می دارد _ منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن های گذشته

در «اندلس» [اسپانیای فعلی] کردند. جوان ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می گیرد. (۱)

لجام گسیختگی و شهوت رانی در میان جوانان از رایج ترین و شاید آسان ترین روش های به تباهی کشیدن این قشر مهم جامعه باشد. استکبار جهانی برای این منظور کوشیده است از روش های گوناگون مانند: به کارگیری ماهواره، پخش نوارها و سی دی های صوتی _ تصویری، عکس های مبتذل، کتاب و مجله و ... بهره جوید.

رفتار انسان محصول اندیشه و بینش اوست و مجموعه جهان بینی ها، اندیشه و رفتار آدمیان را شکل می دهند. به دیگر سخن، هر فردی بر اساس جهان بینی و باورهای دینی خویش رفتار می کند.

ای برادر تو همه اندیشه ای

ما بقی خود استخوان و ریشه ای

غرب با القای شبهه های عقیدتی، بزرگ نمایی مشکلات فکری، غافل ساختن نسل جوان از مبانی استدلالی و منطقی، ترویج سطحی نگری و واپس گرایی و در نتیجه، آسیب پذیر ساختن جوان از نظر عقیدتی، در تلاش است تا ساحت مقدس اسلام را خدشه دار کند و این مکتب را در پاسخ گویی به نیازهای فکری و فرهنگی نسل جوان در عصر حاضر، ناتوان جلوه دهد. (۲)

۴ _ تخریب و ترور شخصیت های خودی

۴ _ تخریب و ترور شخصیت های خودی

قهرمانان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت اند. آنان چون قله های بلند در جامعه خویش می درخشند و

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۱.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۴۲.

نسل های جدید را به تلاش و کوشش فرا می خوانند. دشمنان با گستردن دام های گوناگون، برای تخریب چهره آنان می کوشند و در صورت موفق نبودن در این راه، با شایعه افکنی و دروغ سازی، به ترور شخصیت افراد تأثیرگذار در جامعه می پردازند. سرانجام، در صورت نتیجه ندادن همه حربه های آزموده شده، دست خود را به خون پاک اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می سازند.

تاریخ شکوه مند انقلاب اسلامی نمونه های فراوانی از این گونه ترفندها و دشمنی ها را به خود دیده است. (۱)

۵_ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب

۵_ طرح و تفسیر دموکراسی به شیوه غرب

امروز واژه دموکراسی بیش از هر زمان دیگری بر سر زبان هاست. باید گفت ترویج بی بند و باری، هم جنس بازی و روابط جنسی نامشروع و صدها فساد دیگر در پرتو دموکراسی یکی از شیوه های تهاجم فرهنگی استکبار علیه کشورهاست. هم چنین جهان غرب با تبلیغ این که زن باید از هر بندی آزاد باشد، می کوشد فساد و هرزگی را در جامعه گسترش دهد. بدین منظور، از روش های گوناگونی هم چون انتشار کتاب ها، فیلم ها و عکس های خلاف عفت سود می جوید. برگزاری مراسم های ویژه برای انتخاب ملکه زیبایی در همین راستا برنامه ریزی می شود. (۲)

۶_ به کارگیری مذهب علیه مذهب

۶_ به کارگیری مذهب علیه مذهب

یکی از روش های دیرین دشمن برای گسترش سلطه خویش، استفاده از باورهای انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اسلام اصیل است. آنان می کوشند مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ستم ستیزی، عدالت گستری

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۴۵.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۰۹.

و فراهم آورنده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیر، انزواطلبی، ستم‌پذیری، واپس‌گرایی، رهبانیت و امری شخصی تبدیل کنند؛ یعنی به تعبیر امام خمینی رحمه الله، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را به اسلام امریکایی مبدل سازند. (۱)

تأکید بر اختلاف‌های مذهبی، تکیه کردن افراطی بر تفاوت‌های شیعه و سنی، ترویج خرافه‌گرایی، ترویج مذهب‌های دروغین، تحریف مفاهیم والایی هم‌چون: انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد و نیز ارایه نظریه‌های ویرانگر گوناگون علیه مذهب همه در راستای این هدف شوم سازمان‌دهی و اجرا می‌شوند.

۷_ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

۷_ ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

شیوه دیگر استکبار برای مخدوش ساختن فرهنگ ملی کشورها، راه اندازی مطبوعات وابسته است. آنان با شعار آزادی مطبوعات می‌کوشند هر کشوری را که با آنان همراه نیست، مخالف آزادی مطبوعات جلوه دهند. این دروغ‌گویی استکبار با وجود انتشار صدها مجله و روزنامه در ایران، بی‌شرمی و گستاخی زیادی می‌خواهد. رهبر فرزانه انقلاب فرمود:

مزدوران قلم به دست، در نوشته‌هایشان دشنام و ناسزا می‌دهند تا ما را به جنگ مطبوعات بکشانند و بعد فریاد برآورند که در جمهوری اسلامی آزادی وجود ندارد؛ ولی ما فریب آن‌ها را نمی‌خوریم. در بحبویه جنگ که کشورها آزادی مطبوعات را سلب می‌کنند، ما در ایران، آزادی مطبوعات داشتیم. امروز مطبوعات آزاد هستند، تا هر آن‌چه را که

می خواهند بنویسند، ولی انتشار مطالب بی اساس نمی تواند آزادی مطبوعات را متزلزل کند. (۱)

البته مستکبران زیاده خواه غرب، شیوه های پست دیگری را نیز در این راه به کار می گیرند که فرصت بررسی بیشتر آن ها در این جا نیست.

۸_ ایجاد گسست تاریخی

۸_ ایجاد گسست تاریخی

گذشته هر ملت چراغ راه آینده او است. ایجاد گسست میان گذشته و حال هر فرهنگی، سبب بی هویتی و آسیب پذیری جامعه می گردد. مهاجمان فرهنگی با تحریف و تخریب گذشته به ویژه تخریب گذشته اسلامی یک کشور، در راه بی هویت ساختن آن اجتماع گام بر می دارند. (۲)

در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی شرقیان، در پرتو فرهنگ آسمانی شان رقم می خورد. بدان معنا که غرب ما را با بحث های عرفانی و معارف الهی مان می شناسد. اگر امروزه غرب با فن آوری پیشرفته اش شناخته می شود، شرق نیز با معنویت و انسانیت، اخلاق و عاطفه و فلسفه و حکمت متافیزیکی اش هویت می یابد. به همین دلیل امروزه سلطه گران غربی می کوشند تاریخ پرافتخار و ارزش های انسانی و معنوی ملت ها را از میان ببرند.

دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ این سرزمین، به چشم خود دیده اند که هر جا پرچم آزادی و مبارزه با ستم و استعمار برافراشته شده، قدرت دینی و ارزش های دینی حاکم بر جامعه پشتوانه آن بوده است و پرچمدار این گونه جنبش ها نیز عالمان دینی بوده اند. برای نمونه،

۱- تهاجم فرهنگی، ص ۱۲۷؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶/۱۱/۷۱.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، مهدی نوید، ص ۵۰.

وقتی غریبان در قضیه تحریم تنباکو، قدرت و نفوذ فتوای آیت الله شیرازی رحمه الله را که از پشوانه چند صد ساله دینی برخوردار بود، دیدند و در جریان مشروطه نیز مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت قیام کردند، به مقابله و ستیزه گری با دین پرداختند. سرانجام، در بزرگ ترین معجزه قرن؛ یعنی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ابرقدرت ها هراس تاریخی از تجلی دین در عرصه های گوناگون را بار دیگر با تمام وجود احساس کردند.

بنابراین، ستیز استعمارگران غربی با دین و ایجاد گسست تاریخی در ایران، به ویژه تاریخ پرافتخار شیعه، از برنامه های همیشگی صهیونیسم بین الملل بوده است.

۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی

۹ _ ارایه معیارهای فرهنگ غربی

از دیگر شیوه های عملی دشمن برای نابودی فرهنگ ملی و دینی کشورها، ارایه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن به افراد جامعه است. آنان تنها به بُعد مادی انسان می پردازند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را اگر از سرمایه های مادی بی بهره باشد، انسانی عقب مانده و نامتمدن می دانند، ولی انسان بی بند و بار، رفاه طلب، سودجو، ثروت اندوز، چپاولگر و بی دین را، انسانی متمدن معرفی می کنند.

بی توجهی به آینده و بسنده کردن به زمان حال _ و به تعبیر فرهنگ قرآنی، تنها به فکر دنیا بودن _ از جمله معیارهایی است که نظام های استکباری برای انسان ترسیم می کنند و در نتیجه، باورها و اخلاق فردی و اجتماعی را از انسان ها می گیرند. در این صورت، هیچ اعتقادی به معاد

و آخرت در میان نخواهد بود و ارزش های اخلاقی و انسانی فدای زندگی مادی و روزانه خواهد شد. (۱)

۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملیتی

۱۰ _ مستشاران خارجی و شرکت های چند ملیتی

مستشاران خارجی اعم از نظامی و اقتصادی با هدایت دولت های خود، از عوامل گسترش غرب گرایی در دیگر کشورها بوده اند. مستشاران نظامی غرب در کشورهایی مانند ایران پیش از انقلاب، با در دست گرفتن ارتش، مانع شکوفایی جنبش اسلامی و عامل مهم اجرای سیاست های غرب گرایانه دولت بودند. بر اساس گزارش سیاسی امریکا در سال ۱۹۷۵ م. شانزده هزار امریکایی در سازمان نیروهای مسلح ایران کار می کردند که تا پایان حکومت پهلوی، این رقم به پنجاه هزار نفر رسیده بود.

شرکت های اقتصادی خارجی نیز همان نقش را در جهان سوم بازی می کنند. مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۲۹، دلیل مخالفت خود را با به رسمیت شناختن قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس (که در سال ۱۳۱۲ امضا شده بود) چنین بیان می کند: «در دنیا، دو عامل قوی سرنوشت ممالک عقب افتاده را تعیین می کند: یکی پول و دیگری زور. شرکت نفت ایران و انگلیس که هر دو عامل را در اختیار دارد و در شؤون اجتماعی کشور رخنه کرده و مانع رشد ملت ایران شده است و در مظاهر مختلف زندگی اجتماعی ایران، نفوذ مخرب شرکت، مشهود است. مثلاً در برنامه های درس و تعلیم و تربیت، در امور بهداشت، در اخلاق عمومی، در وضع مناطقی که شرکت در آن عمل می کند و خلاصه

در تضعیف روحیه عمال دولت» (۱).

باید دانست چنین شرکت هایی در مدت طولانی اقامت خود در یک کشور، با شیوه های گوناگون، فرهنگ خود را که چیزی جز تباهی انسان و رو آوردن به مادیات و دور شدن از اخلاق و معنویات نبوده به مردم القا می کردند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

وقتی اروپایی ها، تهاجم فرهنگی را به کشور شروع کردند، روحیه وقت شناسی، شجاعت، خطر کردن در مسایل و تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاورند و سعی نکردند تا با تعلیمات و تبلیغات، پیکره ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار و وجدان علمی شود. آن ها فقط بی بند و باری جنسی را وارد کشور ما کردند. (۲)

۱۱ _ گسترش بی بند و باری

۱۱ _ گسترش بی بند و باری

پرورش روح انسانی بدون محدود کردن شهوت ها امکان پذیر نیست. اگر خواهش های نفسانی انسان عنان گسیخته باشد، همانند چارپایان می شود و برای رسیدن به کمال، رشد انسانی نخواهد داشت. از این رو، دین به ویژه اسلام برای ارضای شهوت ها، قاعده و حدود تعیین کرده است.

بر همین اساس، یکی از راه های مبارزه با دین در یک جامعه، عنان گسیختگی شهوت است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی ها در گذشته، در کشورهای اسلامی انجام دادند و جوانان را در فساد و می گساری غرق کردند.

چنان که در کتاب «نفوذ و استحاله» آمده است؛ همفر (۳) _ جاسوس انگلیسی در سرزمین های اسلامی _ در سال ۱۷۱۰ م در خاطرات خود که

۱- برداشت از: روزشمار تاریخ از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، باقر عاقلی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۵/۷۱.

۳- Hamfer.

وزارت مستعمرات انگلیس آن را گردآوری کرده است، راه های نابودسازی مسلمانان را در ۲۳ بند خلاصه و تأکید می کند که بر اساس پیش بینی این رساله، پس از یک قرن، تنها نام اسلام در جهان بر جای خواهد ماند. موارد گفته شده در این رساله بدین قرار است: «ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوت رانی، ترغیب به زیر پا نهادن دستورهای اسلام و سرکشی از اوامر و نواهی آن، نفوذ در خانواده ها و تیره کردن روابط میان فرزندان و پدر و مادر به گونه ای که زیر بار تربیت و نصیحت آنان نروند و به سمت فرهنگ استعماری هدایت شوند تا در نهایت از حوزه نفوذ باورهای دینی خارج شوند و روابط آنان با عالمان دینی قطع گردد.»

رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه می فرماید:

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند. (۱)

۱۲ _ دور کردن مردم از هویت ملی _ اسلامی

۱۲ _ دور کردن مردم از هویت ملی _ اسلامی

میهن دوستی نه تنها نکوهیده نیست، بلکه می تواند سبب ایجاد باورهای مشخص و مشترک شود و عامل شکل گیری و استحکام یک ملت گردد. از همه مهم تر، این موضوع در هنگام خطر، مردم را برای دفاع از کیان خود و هویت ملی شان آماده می کند. علاقه به میهن می تواند مانع سلطه استعمارگران شود و حتی افکار عمومی را علیه آنان برانگیزاند.

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۳/۴/۷۱.

میهن دوستی در هنگام صلح نیز، عامل شکوفایی و رشد اقتصادی خواهد بود.

بی تردید، در دوران شکل گیری نهضت اسلامی ایران، یکی از عوامل انرجار و خشم مردم از رژیم منحوس پهلوی، تلاش رژیم برای بی هویت کردن ملت و خوار شمردن هویت ملی مردم بود.

برای مثال، پرداخت حق توخش به امریکا از سوی رژیم شاه، خوار شمردن هویت ملی و فرهنگی ایرانیان بود که مردم نمی توانستند آن را تحمل کنند.

هویت ملی ما

هویت ملی ما در حقیقت، آمیزه ای از هویت ایرانی و اسلامی است. وطن دوستی بخشی از آموزه ها و دستورهای دینی به شمار می رود که همین آموزه ها به استقلال، سرافرازی و بزرگواری و عزت ملت مسلمان ایران انجامیده است. هرچه آموزش های دینی مردم بیشتر باشد و دین در جامعه بیشتر تجلی یابد، دفاع در برابر متجاوزان پر رنگ تر می شود. نقطه عطف این امر، حماسه دفاع مقدس است. باید دانست در ۱۸۰ سال گذشته _ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی _ یک میلیون کیلومتر مربع از خاک کشور ایران در جنگ های گوناگون و زیاده خواهی قدرت های استعمارگر از پیکر کشور ما جدا شده بود، ولی وقتی دشمنان انقلاب اسلامی (در داخل و خارج) به این نظام نوپا هجوم آوردند، نتوانستند حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی را جدا کنند.

دشمنان انقلاب اسلامی و دست پروردگان داخلی آنان می کوشند با ترویج تک بعدی فرهنگ ملی دوگانگی هویت ایرانی و اسلامی را ثابت کنند و با تکیه بر هویت ایرانی، هویت اسلامی و ارزش های دینی را از

ملت بگیرند.

با تأسف، ترویج نام های غیر اسلامی و حتی غربی در برنامه های صدا و سیما به افزایش نام های غربی و غیر اسلامی در میان مردم انجامیده است. برای مثال، در سال های گذشته نام هایی مانند سحر، افسانه، شراره، پروانه، آناهیتا و... رو به افزایش است. در راهنمای پیکار (رهنمودهای گروهک سلطنت طلب درفش کاویانی) آمده است:

بزرگداشت سنت ها و آداب و رسوم ایران، گذاشتن نام های فارسی بر روی فرزندان، به کار بردن واژه های فارسی، تشویق نویسندگان و هنرمندان ایران و ... جلوه هایی از پیکار فرهنگی است.

ایرانیان، به ویژه جوانان باید هرچه بیشتر به شاهنامه روی آورند؛ باید با داستان های شاهنامه آشنا شوند و ...

همین گروهک با عنوان مبارزه با نظام مقدس اسلامی سفارش می کند:

با اجرای مراسمی مثل نوروز، چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه سوری) و مهرگان و سره و ... با رژیم مبارزه کنید. (۱)

گفتنی است برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله در زمان رژیم پهلوی نیز در همین راستا بود.

۱۳_ ترویج فرقه های ساختگی

۱۳_ ترویج فرقه های ساختگی

طراحان استحاله فرهنگی انقلاب اسلامی برای مقابله با دین و ارزش های دینی، فرقه سازی را نیز در برنامه کاری خود قرار داده اند؛ چون جریان فرقه سازی ها، به سرخوردگی و دین گریز شدن نسل جوان و انحراف آنان می انجامد.

ترویج صوفی مسلکی ها نیز در همین راستاست. رابطه قطب های این فرقه ها با رژیم گذشته و لژهای فراماسونری و جای گرفتن سران آن ها در مهد استعمار انگلیس، به خوبی نقش آن ها را در سناریوی ستیزه جویی با دین نشان می دهد.

طراحان استحاله فرهنگی در ستیز با اسلام ناب، با راه اندازی این فرقه ها و کمک مالی به آن ها، قصد دارند باورهای دینی مردم را منحرف کنند. نکته جالب توجه آن است که سرانجام بیشتر این فرقه ها، به ابتذال، فساد اخلاقی و تباهی پیروان طریقتشان انجامیده است.

باری، دشمنان اسلام از یک سو، به کانون ترویج اسلام ناب هجوم می آورند و از سوی دیگر، می کوشند اسلام را دینی واپس گرا، تحمّل ناپذیر و خشن وانمود کنند.

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

اشاره

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

از آن جا که رویکرد انسان در زندگی فردی و اجتماعی، به سه عامل توان، نیاز و آگاهی بستگی دارد، استکبار جهانی نیز با به کارگیری ابزارهای پیشرفته درصدد است تا از این سه عامل برای رسیدن به منافع خود بهره گیرد.

با نگاهی گذرا به این ابزارها می توان آزادگان جهان را از عمق تهاجم به فرهنگ ملت ها آگاه کرد و آنان را برای مبارزه با این پدیده ویرانگر یاری رساند. اینک ابزارهای بیگانگان برای تهاجم فرهنگی را برمی شماریم:

۱ _ خبرگزاری های بین المللی

۱ _ خبرگزاری های بین المللی

سرعت در گردآوری و پخش خبر، از شرایط کام یابی رسانه های گروهی به ویژه روزنامه ها و شبکه های خبررسانی به شمار می آید. از این رو، استکبار جهانی از دیرباز، با هدف کنترل آشکار رسانه های گروهی جهان، سازمان های بزرگ خبررسانی را بنیان نهاده است. این نهادها، چشمان پیدا و پنهان خویش را در سراسر جهان گسترانیده اند و با هزاران نشریه و شبکه های رادیو و تلویزیونی، خبرهای مهم را در کم ترین زمان به دست می آورند.

آسوشیتدپرس و یونایتدپرس امریکایی، رویتر انگلیسی و فرانس پرس

فرانسوی، هر يك با هزاران خبرنگار، مزدوران ناشناخته استكبار در جهان به شمار می آیند كه با تلاش خستگی ناپذیر، رسانه های گروهی را در جهت اهداف استكبار هدایت می كنند.

ارایه تفسیر و تحلیل های جهت دار، مخابره رویدادهای دروغین، گزارش نكردن آن چه به زیان سرمایه داران غرب باشد، بزرگ نمایی برخی رویدادهای كوچك برای مخدوش ساختن چهره انقلاب های ضد استكباری، ناچیز جلوه دادن جنبش های آزادی بخش و تزریق فرهنگ مصرفی غرب، بخشی از برنامه این خبرگزاری ها برای كنترل رسانه های گروهی به شمار می آید. (۱)

۲_ مطبوعات

۲_ مطبوعات

می توان مطبوعات را آینه افكار جامعه به شمار آورد. در روزگار ما با پیشرفت ابزار چاپ و امکانات پخش، همه روزه هزاران عنوان كتاب، مجله، روزنامه و بولتن های رنگارنگ در كمتین زمان در دسترس مردم قرار می گیرد. وقتی این امکانات در دست دشمنان جامعه باشد، از آن با هدفی خاص و برای انحراف افكار عمومی از واقعیت ها بهره خواهند گرفت.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

مجله ها با مقاله ها و عكس های (افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه ها با مسابقات و مقالات ضد فرهنگی و ضد اسلامی خویش، با افتخار، مردم _ به ویژه طبقه جوان و مؤثر _ را به سوی غرب یا شرق هدایت می كردند. (۲)

۱- تهاجم فرهنگی، مركز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۳.

۲- صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۳_ رادیو و تلویزیون

۳_ رادیو و تلویزیون

رادیو و تلویزیون، آسان تر با مردم پیوند برقرار می کند و بر اندیشه ها و رفتار و کردار افراد جامعه، تأثیر ژرف تری می گذارد. استکبار از دیر زمان نقش این پدیده ها را دریافته و کنترل آن ها را به دست گرفته است.

بی ارزش جلوه دادن فرهنگ، آیین و آداب و رسوم بومی جوامع از یک سو، و ارائه الگوهای نادرست در نوع اندیشه، پوشش و مصرف از سوی دیگر، بخشی از برنامه هایی است که استکبار، روزانه برای پخش به آنتن های رادیو و تلویزیون در سراسر جهان می فرستد.

۴_ سینما و تئاتر

۴_ سینما و تئاتر

دشمنان با چنگ اندازی به مرزهای هنر و سرمایه گذاری در صنعت فیلم، خون های آلوده فرهنگ خویش را به پیکر نحیف جهان سوم تزریق می کنند. آنان با بهره گیری از شیوه های پیچیده و مدرن تولید فیلم، ارزش های واقعی دیگر فرهنگ ها را نابود می کنند و با تهی ساختن جامعه از معنویات، راه را برای چپاول هرچه بیشتر خود هموار می سازند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

تمام این رسانه های گروهی را اجیر کرده اند که طبقه جوان را به واسطه رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مطبوعات و مجلات و ... سرگرم به عیاشی کنند و عیاش بارشان بیاورند. (۱)

۵_ موادّ مخدّر

۵_ موادّ مخدّر

سرمایه داران غرب با این دیدگاه، هر انسان شرقی آگاه و متعّهد به اصول انسانی را آتشفشانی خاموش می بینند که ممکن است برای منافع آنان خطرآفرین باشد. از این رو، هدف آنان از گرفتار ساختن مردم جهان

سوم _ به ویژه طبقه جوان و تحصیل کرده _ در دام اعتیاد و فساد، تنها یک برنامه و توطئه ساده نیست، بلکه نوعی یورش به عقبه ملت ها و به آتش کشیدن آن است. افرادی که در دام اعتیاد می افتند، نه تنها دیگر تولید کننده و اندیشمند نخواهند بود، بلکه با بدل شدن به انگلی نیمه جان در جامعه، به ارزان ترین وسیله دشمن برای به تباهی کشیدن بنیادهای استقلال جامعه تبدیل می گردند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

شما این را یک مسأله اتّفاقی ندانید که من باب اتّفاق یک دسته ای هرویین فروش شده اند و یک دسته ای هم مبتلا شده اند. این همه یک توطئه ای است که قدرت های بزرگ به این وسیله ضربه می زنند.

قشر جوان قشری است که می تواند اقتصاد ما را اداره کند. قشر جوان می تواند خود را در مقابل هجمات فرهنگی، نظامی و سیاسی مجهّز کند. این جوان، در حالی که جوانی اش ارزشمند است، افکارش آن قدر عمیق نیست که توطئه ها را تا آخر بتواند بخواند. خیال می کند که خوب، حالا، دلمان می خواهد که تریاک یا هرویین بکشیم. این یک نقشه ای است که ... برای فلج کردن جوان های ماست. یک آدم هرویینی نمی تواند در سیاست فکر کند. نمی تواند در اقتصاد عمل کند و اگر یک گرفتاری پیش بیاید، نمی تواند در جنگ شرکت کند. (۱)

۶_ کالاهای صادراتی

۶_ کالاهای صادراتی

سودجویان غرب همه اهرم های ممکن را برای برقراری سلطه همه جانبه و چیرگی سیاسی و اقتصادی خود به کار می گیرند. حتی کشورهای زیرسلطه را در گزینش کالاهای وارداتی، آزاد نمی گذارند. آنان با استفاده از فقر مادی و نیازمندی های علمی، صنعتی و فنی

کشورهای جهان سوم، با ترفندهای گوناگون، زمینه ورود فرهنگ خویش را فراهم می سازند و با دست های پنهان و آشکار خویش، به چپاول منابع ارزنده آنان می پردازند.

آنان با این شیوه ضد انسانی؛ یعنی وارد کردن کالاهای مصرفی مانند لوازم آرایش، پوشش نامناسب و تحریک کننده و خودروها و وسایل پر زرق و برق، تجمل گرایی، مصرف زدگی و روحیه اشرافی گری را در میان سران و مردم کشورها گسترش می دهند و از غفلت و ناآگاهی قشرهای گوناگون مردم بهره می گیرند. آنان با تشدید و ترویج این گسستگی فکری، ملت ها را در دام استحاله فرهنگی گرفتار می سازند. ورود این کالاها افزون بر این که بار فرهنگی ویژه ای به همراه دارد، از به جریان افتادن اندیشه و سرمایه های این کشورها در راه سازندگی پیش گیری می کند. مردمی که با کالاهای مصرفی غرب خو بگیرند، از یک سو، با در اختیار داشتن انبوه کالاهای مصرفی ارزان، انگیزه تولید را از دست می دهند و از سوی دیگر، با فرو رفتن در منجلا ب فساد انگیز رفاه دروغین غرب، از اندیشیدن درباره آرمان های ملی و مذهبی و احساس خطر کردن برای آن ها، باز می مانند.^(۱)

امام خمینی رحمه الله می فرمود:

مبادا چنان که در افراد سطحی غافل، دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره به مصرف و تجمل های پوچ و گرایش های غیر انقلابی روی بیاورند.^(۲)

۷- ابزارهای ادبی

۷- ابزارهای ادبی

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۳۷.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/۸/۶۸.

ادبیات هر ملت نشان دهنده آرمان ها، اندیشه ها، باورها، آرزوها و تاریخ آن ملت است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود. ادبیات که نمودی از ذوق هنری انسان و برآمده از سرشت زیبایی خواهی اوست، به عنوان وسیله ارتباطی میان انسان ها عمل می کند. شاعر یا نویسنده می خواهد پیام خویش را در قالب شعر، داستان، رمان، تاریخ و غیره به دیگران منتقل سازد. با توجه به کارآیی و تأثیرگذاری عمیق این وسیله ارتباطی، دشمنان می کوشند تا از این راه، فرهنگ خویش را به دیگران انتقال دهند. نگارش، ترجمه و ترویج رمان های مبتذل، شعرهایی با محتوای پوچ گرایانه، سرد و بی هویت و مقاله های مأیوس کننده از نمونه هایی است که غریبان به کمک آن ها می کوشند مبانی فرهنگی نسل جوان را در جامعه امروز ما ویران کنند. (۱)

۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای

۸ _ بنیادهای بین المللی و منطقه ای

بسیاری از سازمان ها و بنیادهایی که با هدف های مقدس و بشر دوستانه پدید آمده اند و در سطح جهانی و میان ملت ها به فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، علمی، ادبی و فرهنگی می پردازند، امروزه به ابزاری در دست امپریالیسم فرهنگی تبدیل شده اند.

آنان با پذیرش اهداف نظم جدید جهانی می کوشند ارزش ها و باورهای مبتنی بر فرهنگ و تمدن غرب را برقرار سازند. مهاجمان کوشیده اند از این امکانات، استفاده و در پوشش انجمن های یادشده، مبانی فرهنگی خویش را ترویج کنند. سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، آژانس بین المللی اتمی و حتی بنیادهای اقتصادی مانند: بنیاد

فورد، کارنگی و راکفلر، هر یک به گونه ای در تثبیت و گسترش مبانی فرهنگی غرب نقش دارند.^(۱)

۹_ ورزش و میدان های ورزشی

۹_ ورزش و میدان های ورزشی

تربیت بدنی و ورزش یک نیاز اساسی انسانی است. ورزش می تواند در ایجاد شادابی و نشاط، برقراری روابط مناسب اجتماعی و پربار سازی اوقات فراغت و ... تأثیرگذار باشد. مهاجمان فرهنگی با فهم این واقعیت کوشیده اند از این پدیده نیز همانند دیگر پدیده ها برای تحمیل فرهنگ و ارزش های خویش بهره گیرند و آن را وسیله ای برای انتقال پیام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود سازند. انواع تبلیغات فرهنگی و تجاری در میدان های ورزشی برگزاری مسابقه های جهانی با اهداف سیاسی، تأکید بیش از حد بر ورزش به ویژه در جهان سوم و بازاریابی آنان از کاروتلاش و سازندگی فردی و اجتماعی، همه از ابزاری بودن این پدیده اجتماعی در جهان امروز حکایت می کند.

۱۰_ استفاده ابزاری از زنان

۱۰_ استفاده ابزاری از زنان

بیگانگان بر خلاف ادعاهای خویش در ارزش نهادن به مقام والای زنان و برابر دانستن آنان با مردان، نه تنها زنان و دختران را هدف تیرهای زهر آگین شان قرار داده اند، بلکه کوشیده اند از ایشان ابزاری برای انتقال فرهنگ مبتذل غرب به دیگر کشورها بسازند. استفاده نادرست از حضور اجتماعی زنان و شرکت دادن آنان در فیلم های مبتذل، چاپ عکس آنان در مجله ها، تبلیغ کالاهای تجاری با استفاده ابزاری از دختران، همه از نگرشی ابزار گونه به این قشر سازنده و مؤثر جامعه حکایت دارد.^(۲)

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۴۱.

۲- نک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی، حداد عادل، ص ۴۰.

۱۱- فن آوری برتر

۱۱- فن آوری برتر

تمدن جدید غرب با تکیه بر دانش تجربی، موفق به شناخت، کشف و ساخت ابزار و تکنولوژی های فراوان شد، به گونه ای که حجم اطلاعات، دانش ها و فن آوری پیشرفته امروزی با هیچ یک از دوره های تاریخی گذشته قابل مقایسه نیست.

با تأسف، دشمنان بشر برای رسیدن به سود شخصی یا گروهی و در راستای ویران کردن مبانی دیگر فرهنگ ها، حتی از فن آوری علمی نیز برای تهاجم فرهنگی استفاده می کنند. آنان از رایانه، اینترنت و لوح های فشرده (CD) صوتی و تصویری که به قیمت ارزان در دسترس جوانان قرار می گیرد، برای ستیز با ریشه های فرهنگ ملی و دینی فرزندان دیگر فرهنگ ها سود می جویند. (۱)

از هیپی گری تا رپ مسلکی

از هیپی گری تا رپ مسلکی

بی بند و باری، بی فرجامی، پوچی و ژولیدگی واژه هایی هستند که جوانان بی هدف، به آن ها افتخار می کنند. با تأسف، این بی هدفی در میان برخی نوجوانان و جوانان در روزگاری به چشم می خورد که انسان، پا را از کره خاکی فراتر نهاده و به بررسی کهکشان ها پرداخته است؛ یعنی انسان امروزی با وجود همه پیشرفت ها، در برابر معضل های اجتماعی که دیگرگونی ارزش ها، یکی از اساسی ترین آن هاست، به زانو درآمده است. در حقیقت، این عصر را می توان عصر شکست سنت ها دانست. امروزه، در نتیجه تلاش استکبار جهانی، فرهنگ و سنتی نیست که مورد تردید قرار نگیرد. یکی از عوامل اصلی شکست سنت ها و دگرگونی ارزش ها،

تهی بودن انسان از امید به آینده است. بی تکیه گاه بودن و بی پناهی انسان در نتیجه دلهره، نگرانی، پریشانی و آشفتگی روحی انسان ها پیش می آید. که در سستی ایمان و پایه های اعتقادی او ریشه دارد.

روزگار ما را عصر نگرانی و اضطراب خوانده اند. پس باید درد این نسل را شناخت و در پی درمان آن برآمد؛ دردی که نسل جوان احساس می کند، ولی نسل گذشته احساس نمی کرد. در گذشته، زندگی بشر در فضای بسته ای جریان داشت که کم تر کسی از اوضاع دیگر جامعه ها آگاه بود، ولی امروزه، مردمان دنیا رویدادهای گوناگون جهانی را به طور مستقیم زیر نظر دارند. نسل جدید بشر با دیدن پیشرفت دیگران، گسترش قدرت های اقتصادی، نظامی و سیاسی دنیا و قیام ها و انقلاب ها از خود می پرسد: راه پیشرفت کشور ما در عرصه جهانی چیست؟ او حق دارد کشور خویش را با کشورهای پیشرفته مقایسه کند و عقب ماندگی کشور خودش را بشناسد و در پی درمان آن برآید.

امروز، نسل جوان ما نیز نیازمند یافتن پاسخ های مناسب برای پرسش های خود است و اگر پاسخ های درستی به او داده نشود، دیگران با ارایه پاسخ های انحرافی، این نسل و جامعه را به انحراف خواهند کشید. استعمار برای ایجاد این انحراف، راه های نادرست و دروغین را جایگزین پاسخ های منطقی می سازد و ذهن نسل جوان را با دسیسه های گوناگون سیاسی _ فرهنگی پر می کند تا دیگر برای ذهنیت های اصولی، جایی باقی نماند.

باید دانست که تمام گروه هایی که امروزه در امریکا و غرب به عنوان الگوی مدها، رقص ها و آوازا مطرح اند، در آغاز پیدایش، به نشانه اعتراض به اوضاع سیاسی در امریکا و امریکای لاتین پدیدار شده بودند،

ولی کم کم به دست سیاست سازان، منحرف شده و از رقص و آواز سر در آوردند. اکنون این گروه ها به صورت ابزاری در دست قدرت های حاکم درآمده اند تا جوانان را به انحراف بکشانند و قدرت ها را از مزاحمت های آن ها رها سازند. البته شاید پیش بینی نکرده بودند که روزی مشکلات نسل جوان، بر مسایل سیاسی نیز تأثیر می گذارد و حاکمان را با دشواری جدی روبه رو خواهد ساخت. برای نمونه، بیماری کشنده و علاج ناپذیر ایدز، سوغات غرب برای بشر امروز به شمار می رود که به یقین، ره آورد بی بند و باری ها و مفساد اخلاقی در غرب است.

گفتنی است پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م و رشد گسترده و شتاب ناک فن آوری، ماشین وارگی و قدرت صنعتی، جهان غرب شاهد پیدایش دو پدیده جدید در زمینه سیاسی و اجتماعی در میان چپ گرایان فرانسوی بود:

۱. هیپی گری در زمینه اجتماعی؛

۲. رپ مسلکی در زمینه سیاسی.

جنبش هیپی ها در آغاز، جنبشی علیه نظم اجتماعی ماشین وارگی در جوامع مدرن بود، به گونه ای که ادوارد مورن به عنوان جامعه شناس مبارز، آن را جریانی ستیزه گر و مخالف با فرهنگ، باورها و آداب و رسوم جوامع موجود دانسته و می گوید جامعه هیپی ها همانند جامعه ای جدید است که از جامعه قدیم سر بر آورده است:

هیپی ها، فرهنگ اجتماعی جامعه خود را به حال انسان ها زیان آور و تنها فرهنگ مفید و جای گزین را فرهنگ خود می دانستند. آنان معتقد بودند باید قید و بندها و سنت های موجود مانند: پوشش، رعایت ارزش ها، خور و خواب، زندگی، محل زیستن و ... از همه جنبه های

اجتماعی رخت بر بندد.

باید گفت حرکت هیپی ها با حرکت قدرت کل (Flower Power) همراه بود که در سال ۱۹۶۶م. در شهر سانفرانسیسکو امریکا به اوج خود رسید. هدف اساسی هیپی ها این بود که می کوشیدند با وضع پوشش، نوع زندگی و خوراک و آرایش ظاهری و ... به فرهنگ موجود جامعه خود اعتراض کنند.

رپی ها نیز خودباختگانی زاییده فرهنگ غرب هستند که از فرهنگ خود بیگانه شده اند و درد خودباختگی و خودنمایی در آنان رخنه کرده است. آنان ماهیت واقعی خود را از دست داده اند و تقلید کورکورانه در زندگی شان، به صورت یک رسم درآمده است.

رپ مسلکی از اندیشه های پوچ گرایی ناشی می شود؛ اندیشه هایی که ریشه ندارند. رپی ها انسان های بی اراده ای هستند که از هرچه به صورت مُید در می آید، با کمال افتخار استقبال می کنند. هم چنین رپی ها به نسبی بودن فرهنگ و تحول پذیری آن معتقدند. تا جایی که تی شرت هایی را با عبارت های زننده، همچون «من دنبال شوهر می گردم»، می توان بر تن دختران و پسران رپ دید.

لباس غرب گرا

لباس غرب گرا

لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی است که بر بام سرای وجود خویش بر می افرازد و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ پیروی می کند. هم چنان که هر ملت، با وفاداری و احترام به پرچم خود، باورهای خود را به هویت ملی و سیاسی اش ابراز می دارد، هر فردی نیز تا هنگامی که به یک شبکه ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته باشد،

لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن نخواهد کند. (۱)

جوانان غرب گرا در انتخاب لباس، به فلسفه اصلی آن که همانا رهایی بدن از گرما و سرما و آسیب های محیط و مهم تر از آن، حفظ حریم بدن است، توجهی ندارند. آنان برازندگی و راحتی لباس را نیز در نظر نمی گیرند، بلکه هدف اصلی شان از لباس شیک، جلب توجه بیشتر دیگران به خود است تا جایی که به معیارهای ارزشی جامعه، دهن کجی می کنند. (۲) آنان هرگاه ناچار باشند از مدل و الگوی ویژه ای، پیروی کنند؛ می کوشند پوشش متناسب با مُد روز باشد حتی اگر به مسخره شدن آن لباس بینجامد.

گرایش به پوشیدن لباس های تنگ، چسبان و کوتاه با پارچه های نازک در میان نوجوانان غرب گرا بیشتر به چشم می خورد. آنان در هیچ چیز به اندازه لباس، در مدپرستی افراط نمی کنند. آنان هم چنین از لباس هایی با رنگ های تند، جلف و زننده و بی تناسب با جامعه خود استفاده می کنند. نوجوانان غرب گرا شیفته لباس های خارجی اند و هرچه را که نام و نشان خارجی داشته یا منتسب به غرب باشد، بی چون و چرا می پذیرند؛ حال آن چیز به هر شکلی و کیفیتی باشد، برای آنان تفاوتی نمی کند.

آنان حتی لباس های دست دوم و آلوده و شاید صاحب مرده خارجی را ترجیح می دهند. کفش تابستان و زمستان، کفش های مهمانی و مدرسه و کفش تفریح و ورزش شان، همان الگوهای زشت و بی قواره غربی است که نه پوشیدن آن آسان و نه بیرون آوردنش ساده است. رعایت

۱- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

۲- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۱.

نکردن پوشش اسلامی، پوشیدن روسری های رنگارنگ و خیره کننده، استفاده از جوراب های بدن نما، پوشیدن لباس و کفش با رنگ های تحریک کننده، پوشیدن تی شرت های عکس دار با نشان گروه های منحرف غربی، همگی نمودهایی از جایگاه فرهنگ نفوذی غرب در میان جوانان است.

رفتار جوانان غرب گرا

رفتار جوانان غرب گرا

از ویژگی های رفتاری جوان غرب گرا به موارد زیر می توان اشاره کرد:

بیرون نهادن بخشی از موی سر، آرایش مو و صورت، به کارگیری عطرهای تحریک کننده و وسایل تزئینی غیرمعمول، به همراه داشتن وسایلی چون زنجیر، چاقو، گردنبند و نشان های بیگانه، تزئین کیف و کتاب با نشان و خط بیگانه، غرورآمیز جلوه دادن به کارگیری واژگان بیگانه، انتخاب نام های مستعار بیگانه برای خود و دیگران، استفاده از برجسب عکس هنرپیشگان غربی روی دفترها و کیف ها، دست به دست کردن دفترچه های خاطرات با عکس های نامناسب، دیدن فیلم ها و برنامه های مبتذل ماهواره ای، دست به دست کردن مجله های تهییج کننده غریزه جنسی، پخش نوارهای موسیقی مبتذل خوانندگان فراری، تکثیر و دیدن فیلم های ویدئویی مبتذل، مزاحمت های خیابانی، تجمع پسران در مسیر عبور دختران دانش آموز، نامه نگاری و نامه پراکنی، مزاحمت های تلفنی، حضور کنترل نشده در گردش گاه ها، پارک ها، سینماها و مراکز ورزشی، زمینه سازی برای ارتباط نامناسب، خودنمایی در کشیدن سیگار، مصرف مواد تهییج کننده نیروهای جسمانی، خواندن رمان های غربی، پخش کتاب ها و مجله هایی با تصویرها و مضمون های جنسی و

غیراخلاقی، خواندن و حفظ کردن شعر و قصه شاعران و نویسندگان غربی، پرخوری یا رژیم های سخت غذایی برای حفظ تناسب اندام، بزرگداشت سنت های نادرست گذشته، مانند: برپایی چهارشنبه سوری و پریدن از روی آتش (۱).

آنان هنگام گرد هم آمدن در خیابان ها، با صدای بلند می خندند و متلک می گویند و واژه های زشت و رکیک بر زبان می آورند. نگاه هایشان به جنس مخالف، گستاخ و بی شرمانه است. در گفت و گوها به جای به کارگیری واژگان، بیشتر از حرکت ها و ژست های بدنی بهره می گیرند. صحبت هایشان سرشار از کنایه و اصطلاحات بیگانه یا واژه های مرموزی است که خودشان آن را ساخته و پرداخته اند. ارزش های اخلاقی را نادیده می گیرند. راه رفتن آنان زننده است. دست ها و شانه ها و بدنشان را زیاد تکان می دهند. هنگام گذشتن از کنار دختران با صدای بلند، شوخی های رکیک می کنند و یکدیگر را هل می دهند. مقررات راهنمایی را زیر پا می گذارند. در وسیله نقلیه عمومی مانند: اتوبوس، سنت ها و آداب اجتماعی را رعایت نمی کنند هنگام سخن گفتن، خنده های بی هنگام و شادی های نامناسب از خود بروز می دهند. حرکت هایشان به رقص و صحبت هایشان به دعوا و اهانت شباهت دارد. نسبت به عواطف دیگران بی قیدند. معرفت عمومی آنان از حد فیلم های سینما، برنامه های تلویزیون، نوارهای موسیقی و رفتار اجتماعی ایشان از رفتن به کوچه و بازار، پوشیدن لباس های تازه برای جلب توجه دیگران، آرایش موها، رفتن به سینما و ترتیب دادن مجالس شب نشینی، فراتر نمی رود.

این گروه با خانواده، توانایی ها و شرایط آن، اختلاف فاحشی دارند؛ زبان و کلامشان برای پدر و مادر قابل فهم نیست و اندیشه شان، در خانواده، مدرسه و جامعه هرگز به راه درست رهنمون نمی شود. (۱)

۱- بحران ارزش ها، علی اصغر حاج سیدجوادى، ص ۵۹.

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه

اشاره

فصل چهارم: روش های مبارزه با تهاجم فرهنگ بیگانه

برای مقابله با ترویج فرهنگ غرب در جامعه اسلامی به موارد زیر باید بیشتر توجه کرد:

۱. تقویت بینش دینی

۱. تقویت بینش دینی

امام علی علیه السلام می فرماید:

فَأَمَّا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأُبْصَرَ، وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي. (۱)

با بصیرت کسی است که بشنود و بیاندیشد، نگاه کند و بصیرت یابد و از عبرت ها بهره گیرد، آن گاه راه های روشن را ببیند و بدین ترتیب، از افتادن در پرتگاه ها دوری کند.

یقین داشتن به حقایق هم چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز، نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و هویت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان پایدار نگاه می دارد. تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست بر پایه مذهب مانند سنگری نفوذناپذیر، مردم را در برابر هجوم فرهنگی دشمن حفظ می کند و استکبار غرب را ناکام و ناامید می سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری درست رهنمون می سازد و از کثر روی ها و ناهنجاری ها باز می دارد. قرآن در این

بارہ می فرماید: «يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِآيْمَانِهِمْ؛ پروردگار آنان را به سبب ایمانشان، هدایت می کند.»^(۱)

زندگی کسانی که سال ها در اروپا و امریکا به دانش اندوزی پرداخته و هم چنان پای بندی خود را به اصول اعتقادی و مبانی فکری خود حفظ کرده و پس از بازگشت به میهن اسلامی نیز مردم را به پیروی از آن فرا خوانده اند؛ به خوبی روشن گر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر فرهنگ بی بند و بار غرب مقاوم می سازد. بر این اساس، نهادهای مذهبی مانند حوزه های علوم دینی، رسالت سختی بر عهده دارند و بیش از گذشته باید به تقویت باورهای مردم، توجه کنند.

۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن

۲. شناخت فرهنگ غرب و اهداف آن

قرآن می فرماید:

ای اهل ایمان! از غیر هم کیشان خود، دوست صمیمی و هم راز مگیرید؛ زیرا ایشان از تباه کردن کار شما هیچ کوتاهی نمی کنند. دوست دارند که شما در رنج و زحمت باشید. دشمنی آنان از گفتارشان آشکار است و آن چه در سینه هایشان پنهان می دارند، بیشتر است.^(۲)

بی تردید، شناسایی دشمن و هدف های او، نخستین گام مبارزه است. برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ مهاجم و ویژگی های آن بررسی شود. در پرتو چنین تحقیق گسترده و همه جانبه ای است که اندیشمندان جامعه می توانند مردم را در شناخت ردّ پای انحراف یاری دهند.

۱- یونس، ۶.

۲- آل عمران، ۱۱۸.

آگاهی از ابزار و شیوه های مورد استفاده یورش گران، می تواند مسئولان و رزمندگان جبهه فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد. (۱)

۳. زدودن فقر اقتصادی

۳. زدودن فقر اقتصادی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «کاد الفقر ان یكون کفرا؛ فقر و تنگ دستی، ممکن است انسان را کافر کند.» (۲) شاید بتوان تنگ دستی را از پلیدترین پدیده های اجتماع به شمار آورد؛ حقیقت ناگواری که پیشوایان دین، آن را به کفر نزدیک دانسته و دانشمندان بسیاری، از آن به عنوان عاملی برای آغاز انحراف و بزه کاری یاد کرده اند.

بی تردید، بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی هم چون: دزدی، ول گردی، گدایی و اعتیاد به دلیل تنگ دستی و بی چیزی پدید می آید. نگاهی گذرا به بزه کاران و ساکنان ندامت گاه ها، ما را بدین حقیقت دردآور رهنمون می سازد که شمار بسیاری از آنان، در اثر تهی دستی، در این راه بدفرجام پای نهاده اند. پدیده فقر در هر جامعه ای نمایان گردد، مانند سیلی بنیان کن، زیربنای تمامی ارزش های انسانی را از بن ویران می سازد و کاخ های کرامت و شرافت آدمی را به ویرانه های ننگ و بدنامی تبدیل می کند. فقر در کنار پدیده های اجتماعی خطرناکی هم چون: رشوه دهی و رشوه گیری، فریب کاری، دزدی، آزمندی، دست اندازی به دارایی دیگران و کم فروشی، ارزش های فرهنگی جامعه را در کام شعله های سرکش خود خواهد سوزاند. (۳)

۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری

۴. زنده گردانیدن روحیه بزرگواری

۱- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۴۱ _ ۱۴۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۷.

۳- تهاجم فرهنگی، صص ۱۴۴ _ ۱۴۵.

از راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی، زنده کردن روحیه عزّت نفس دینی در میان قشرهای مختلف مردم است. بنابراین، باید با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی، مردم مسلمان را از تقلید کورکورانه روش های زندگی بیگانگان باز داشت.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا تلبسوا لباس اعدائی، و لا تطعموا مطاعم اعدائی، و لا تسلكوا مسالك اعدائی، فتكونوا اعدائی كما هم اعدائی (۱)

لباس دشمن مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به روش دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزء دشمنان من خواهید شد!

۵. مبارزه با تجمل گرایی

۵. مبارزه با تجمل گرایی

امام علی علیه السلام در این باره به عثمان بن حنیف _ استاندار خود در بصره _ می نویسد:

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ أَمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ أَمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ، وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيَّةٍ. (۲)

آگاه باش، برای هر پیرویی پیشوایی است که باید از او پیروی کند و از دانش او نور بگیرد. هشیار باش، امام شما از دنیایش، به دو لباس کهنه و از خوراکش، به دو قرص نان کفایت کرده است.

امام خمینی رحمه الله در زمینه ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی می فرماید:

امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل گرایی از واردات کالاهای مصرفی لوکس پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و

۱- وسائل الشیعه، محمد بن حسن، حرّ عاملی، ج ۳، ص ۲۷۹، ابواب لباس المصلی، باب ۱۹، حدیث ۸.

۲- ترجمه نهج البلاغه، محمدتقی جعفری، ص ۹۱۴.

ارزش های غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست. نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد، نشانگر این واقعیت است که پیروی از مُید، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه جویی و تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی شود، بلکه در بالا-رفتن میزان بزه کاری ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته های افراد که در سایه چنین روحیه ای پدید می آید، انگیزه ای نیرومند برای سرقت، کلاه برداری، رشوه و ... به شمار می آیند. (۱)

از این رو، در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیه تجمل گرایی از اجتماع باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و آثار منفی آن برای جامعه تبیین شود تا جامعه آگاهانه به مسایل بیندیشد و از تسلیم شدن بی چون و چرا در برابر امواج ویران گر این شیخون فرهنگی در امان بماند. (۲)

۶. ازدواج

۶. ازدواج

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

أَيُّمَا شَابٌّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثِهِ سِنَّهُ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَةَ! عَصَمَ مِنِّي دِينَهُ. (۳)

هر جوانی که در دوره جوانی اش ازدواج کند، شیطانش فریاد برمی آورد: ای وای (بر من)! او دین خود را از (گزند) من حفظ کرد.

نیروی جنسی یکی از نیرومندترین غریزه های انسانی است. این نیرو که از کودکی در وجود آدمی نهفته است، تا زمان بروز نشانه های بلوغ، هم چنان آرام و بی حرکت می ماند. با آغاز دوران نوجوانی، آرام آرام زمان بیداری و شگفتگی آن فرا رسد و نوجوان را زیر تأثیر شدید خود

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۲- تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۴۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۱.

قرار می دهد، به گونه ای که جوان، خود را در چنگال این غریزه، تقریباً بی دفاع و ناتوان و بی اراده احساس می کند.

اگر این غریزه به صورت معقول و شرعی برآورده شود، سبب آرامش خاطر، رشد عاطفی، سلامت روانی و استمرار حیات بشری می گردد و اگر امکان ارضای صحیح و آگاهانه آن فراهم نیاید، به صورت انحراف جنسی، کام جویی، خودارضایی، استمناء، هم جنس گرایی، بی بند و باری جنسی (آناشسیسم جنسی) و در نتیجه دوری از خدا و روی آوری به کارهای خلاف شرع ظهور می یابد. این وضعیت، سلامت روانی و جسمی فرد و جامعه را بر هم می زند و پی آمدهای ناگواری را به همراه خواهد داشت.

غربیان با شناخت دقیق این شرایط و ویژگی های سنی، عاطفی و روانی نوجوانان و جوانان و شناخت شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه کوشیده اند از این نیاز طبیعی انسان، برای عملی کردن اهداف خویش بیشترین سوء استفاده را به عمل آورند. آنان با بهره گیری از امکاناتی مانند: ماهواره، فیلم های ویدئویی و سینمایی، رمان ها و مجله ها و عکس های مبتذل، امکانات رایانه ای [اینترنت]، تبلیغات تجاری و حتی مواد غذایی تهییج کننده غریزه های جنسی می کوشند هویت فرهنگی و تعادل شخصیتی افراد را مسخ کنند و زمینه را برای سلطه فرهنگی خویش هموار سازند. این جنبه از هجوم بیگانگان در سال های اخیر به گونه ای گسترش یافته است که بسیاری از مردم، تهاجم فرهنگی را همان بی بند و باری جنسی می دانند. (۱)

۷. پیش گیری از نفوذ دشمن

۷. پیش گیری از نفوذ دشمن

امام علی علیه السلام می فرماید:

هر کس در برآوردن نیاز خود از دشمن یاری جوید، از رسیدن به آن نیاز، باز می ماند. (۱)

عناصر خود فروخته فرهنگی، روزنامه ها و مجله های گمراه کننده، و... فیلم های مبتذل نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می آیند. نگاهبانی از ارزش های الهی، نیازمند بینشی ژرف است تا در پرتو آن، همه عوامل فرهنگی غرب، شناسایی و در صورت لزوم، منزوی شوند. هم چنین مطبوعات باید در چارچوب قانون فعالیت کنند و هرگز نباید عامل ترویج فرهنگ غرب باشند. امام امت رحمه الله در این باره می فرماید:

اکنون وصیت من آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور، منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتاب ها و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن ها واجب است و از آزادی های مخرب باید جلوگیری شود. از آن چه در نظر شرع حرام و آن چه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسؤول می باشند. اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند. (۲)

۸. به کارگیری ابزارهای دفاعی

۸. به کارگیری ابزارهای دفاعی

در قرآن آمده است:

۱- الحیاه، محمدرضا حکیمی و دیگران، برگردان: احمد آرام، ص ۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (انفال: ۶۰)

هرچه در توان دارید، برای مقابله با آنان [= دشمنان] آماده سازید.

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ممکن چنگ می زند، ما نیز باید از هر وسیله مشروع برای پاسداری از فرهنگ اسلامی خویش بهره گیریم. برای این هدف باید از یک سو، امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی توسعه یابد تا جوانان به تفریح های سالم روی آورند و از سوی دیگر، باید همه کوشش های فرهنگی در دفاع از ارزش های الهی به کار رود. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

در رژیم سابق تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر، محتوایش عوض شده بود؛ یعنی کسی که نام سینما را می شنید، خیال می کرد که آن جا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتدلی بود که از آن بهره فساد برده شود. هکذا همه چیز دیگر. عمده این است که ذهن این جوان ها و حتی پیرها و روشن فکرانها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم ... بنابراین، مدت ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش های اسلامی هستیم. اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده است. لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی _ اسلامی باشد، زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدت ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشد. (۱)

۹_ تدوین معیارهای جدید

۹_ تدوین معیارهای جدید

بی تردید، هدایت کوشش های جامعه در مسیر فرهنگ الهی، تلاشی همه جانبه و دیرپا می طلبد. دست اندرکاران فرهنگی، برای دست یابی به این هدف باید معیارهای جدیدی برای ارزیابی آثار فرهنگی _ هنری فراهم کنند؛ زیرا هرگز معیارهای دشمن با معیارهای فرهنگی جامعه ما یکسان نیست. هم چنین باید از توانایی جوانان مؤمن در پاسداری از ارزش های الهی سود برد و از منزوی ساختن آنان به دلیل تازه کار بودن و به دست نیاموردن جایزه در جشنواره های غربیان پرهیز کرد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

میدان بدهید به همه و هر کسی که می خواهد برای این امت کار کند. ما می گوئیم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید ... من می گویم اگر می خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه بکنید. او می تواند از اسلام و انقلاب و کشور دفاع کند. (۱)

۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

۱۰. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

پیش گیری از سقوط سنگرهای فرهنگی در برابر یورش دشمنان، نیازمند بیداری امت اسلامی است. قرآن می فرماید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: ۱۰۴)

باید از شما (مسلمانان) گروهی باشند که (مردم را) به کردار نیک فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان رستگاران اند.

بی تردید، اگر همه مردم به این اصل مهم پای بند باشند و هر کس در حوزه زندگی خویش، زشت کاران را از زشتی باز دارد و به کردار نیک سفارش کند، دشمن هرگز در نفوذ فرهنگی خود موفق نخواهد بود. رهبر

فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به اهمیت این موضوع می فرماید:

مسئله امر به معروف، تکلیف همیشگی مسلمان هاست. جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. منکرات، هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است. همه جا هم جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم، نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند. (۱)

۱۱. بهره برداری مناسب از هنر

۱۱. بهره برداری مناسب از هنر

امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ. (۲)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند.

فطرت زیبایی جویی و کمال خواهی، موهبتی است الهی که در سرشت انسان ها، به امانت نهاده شده است. همه انسان ها در هر زمان و مکانی و در هر موقعیت اجتماعی و شرایط سنی، زیبایی را دوست دارند، ولی کودکان و نوجوانان بیش از دیگران، از زیبایی های ظاهری لذت می برند و از لطافت آن بهره مند می شوند. روح لطیف و فطرت پاک نوجوانان و جوانان در همه حال، پذیرای زیبایی است.

در آموزش و پرورش جدید، با درک ضرورت نیاز عاطفی و روانی

۱- اطلاعات، ۸/۵/۷۱.

۲- الوافی، فیض کاشانی، جزء ۱۱، ص ۹۳.

دانش آموزان، بر گسترش زیبایی و استفاده از هنر و فعالیت های هنری تأکید فراوان می شود. هنر می تواند به عنوان یک روش فرهنگی و تربیتی مورد بهره برداری قرار گیرد. بسیاری از پیام های مهم را می توان با استفاده از برنامه های هنری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به دانش آموزان عرضه کرد؛ حتی فراتر از آن، امروزه از هنر در تأمین و گسترش بهداشت روانی دانش آموزان استفاده می شود. هم چنین از آن برای شناخت و درمان ناهنجاری های روحی و روانی نوجوانان و جوانان بهره می گیرند. چنان که روان شناسان و روان کاوان مباحث روان شناسی هنر، هنر درمانی و به کارگیری نمایش را در روان درمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.^(۱)

دست اندرکاران فرهنگ مهاجم غرب با درک توانایی های فراوان هنر و برنامه های هنری کوشیده اند پیام های زهرآگین خویش را در قالب زیبا و گیرای هنری عرضه کنند. آنان همان گونه که کالاهای تولیدی خود را در بهترین بسته بندی ها و جذاب ترین رنگ ها و فریبنده ترین تبلیغات ارایه می کنند، اندیشه های گوناگون انسان مدارانه و دنیاپرستانه خود را به شکلی فریبنده و تحریک آمیز به ذهن ملت های دیگر القا می کنند. آنان به طور معمول برای پرجاذبه تر شدن آثار هنری خود، آن ها را با مسایل جنسی و شهوانی یا عوامل خشونت آمیز و نگران کننده همراه می سازند، به گونه ای که هنر امروز غرب، با بی بندوباری، سکس و خشونت مترادف شده و وجه تمایز آن از دیگر هنرها است.^(۲)

برای مقابله با هجوم فرهنگی غرب، باید از هنر و برنامه های هنری بیشترین بهره را گرفت و باور داشت که هیچ پیامی تا در قالب هنری

۱- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۱۵.

۲- فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۱۶.

عرضه نشود، پایدار و جاوید نخواهد ماند. پیام زیبا، قالب زیبا هم می خواهد تا بر دل نشیند.

۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی

۱۲. توجه اصولی به تربیت بدنی

تربیت بدنی و پرورش سلامت جسمی، نیاز طبیعی هر فرد و جامعه سالمی است و می تواند زمینه ساز سلامت روانی و عاطفی آنان گردد. در روایت ها نیز به ورزش هایی مانند اسب سواری، تیراندازی و شنا سفارش شده است. معمولاً سستی بدن، به آسیب پذیری روان می انجامد و خمودی، بی حوصلگی، کسالت و زبونی را به همراه می آورد.

گفته اند: «عقل سالم در بدن سالم است.» به همین دلیل، تأمین بهداشت و سلامت جسمی دانش آموزان در دوران تحصیل، از وظیفه های اصلی آموزش و پرورش به شمار می آید. (۱) اساساً تمام فعالیت های آموزشی و تربیتی در مدرسه ها با فرض سلامت جسمی و روحی دانش آموزان طراحی و اجرا می شود و برای کودکان و نوجوانانی که از نعمت سلامت محروم اند، آموزش و پرورش کودکان استثنایی تدارک دیده شده است. میزان سلامت دانش آموزان در پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد. هرچه دانش آموز سالم تر، بانشاط تر و شاداب تر باشد، فراگیری و رشد، سریع تر و متعادل تر صورت می گیرد و زحمت های اولیای خانه و مدرسه و سرمایه گذاری های ملی، بیشتر به نتیجه می رسد و بهره وری بالاتر می رود. در مقابل، هرچه این گروه، سلامت کم تری داشته باشند، کسالت و خمودی بیشتر می گردد. در نتیجه، افت تحصیلی

و مشکلات رفتاری افزون تر می شود. انباشت انرژی جوانی و برآورده نشدن معقول آن، می تواند زمینه ساز ناهنجاری های فردی و اجتماعی باشد.

غریبان از گذشته های دور، از ورزش و میدان های ورزشی به عنوان ابزار تهاجمی خویش بهره گرفته اند. آنان با به کارگیری ابزارهای تبلیغاتی گوناگون و پیشرفته، فضای ورزشی مورد نظرشان را به وجود آورده و پیام های فرهنگی، تجاری و اجتماعی خود را با استفاده از قهرمانان ورزشی، به جهانیان القا می کنند. بنابراین، یکی از روش هایی که می تواند در برخورد با هجوم بیگانگان و تأمین سلامت فردی و اجتماعی مؤثر باشد، فعالیت های ورزشی است که برای بهره گیری مناسب از این روش در مدرسه ها، موارد ذیر پیشنهاد می شود:

۱. جدی گرفتن درس ورزش؛

۲. مناسب سازی حیات مدرسه برای ورزش؛

۳. ساخت مکان های مناسب ورزشی در خارج از مدرسه؛ مانند سالن ها و کانون های ورزشی فعال؛

۴. تشویق ورزش همگانی؛

۵. تشکیل انجمن ها و گردهمایی های ورزشی. (۱)

۱۳. کارآفرینی سازنده

۱۳. کارآفرینی سازنده

در فرهنگ اسلامی مسلمان نباید بی کار باشد و از دست رنج دیگران بخورد. هم چنین اسلام از این که انسان خود را اجیر دیگران گرداند، نهی

کرده است و برخی از عالمان آن را مکروه دانسته اند.

روزی عمار سبابی از امام صادق علیه السلام پرسید: «مردی که بازرگانی می کند، اگر خود را به اجاره دهد، به او آن مقداری که در تجارت به دست می آورد، داده می شود. تکلیف چیست؟» حضرت فرمود: «خود را اجیر نکند، بلکه از خداوند بلندمرتبه، روزی بخواهد و تجارت کند؛ زیرا اگر او خود را اجاره دهد، روزی را بر خود منع کرده است.» (۱)

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، کارسازنده و سودمند است. کار و تلاش سازنده، زمینه شکوفایی استعدادها و نوآوری های فرد را فراهم می آورد و شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه هموار می سازد. در مقابل، بی کاری زمینه تنبلی، سستی، افسردگی و سنگ دلی را فراهم می آورد و گسترش آن در جامعه به افزایش فقر و ناتوانی مالی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا و کفر می انجامد. نداشتن اشتغال ذهنی؛ تخیل گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و نداشتن اشتغال جسمی؛ رکود، سستی، تنبلی و بیماری جسمی را در پی می آورد. به همین دلیل، در فرهنگ تربیتی اسلام، کار یک عامل بسیار سازنده قلمداد گشته و بی کاری و فقر به شدت نفی شده است. (۲)

چگونگی گذران اوقات فراغت می تواند دو نتیجه متضاد بر جای گذارد: اگر فراغت جوانان و نوجوانان مانند تعطیلی های تابستانی، بدون برنامه ریزی و هدایت نشده سپری گردد، آسیب های فراوان روانی، اجتماعی و حتی سیاسی به همراه می آورد و اگر تعطیلی ها با برنامه و

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۹۰، باب کراهیه اجاره الرجل نفسه، ح ۳.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۵۸.

هدایت شده سپری شوند، زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی شخصیت ها فراهم می آید.

۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی

۱۴. تربیت سیاسی و اجتماعی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

اَلْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوِيسُ (۱)

فردی که آگاه به زمان خویش است، مورد تهاجم دشواری ها و کثری ها قرار نمی گیرد.

استقلال سیاسی همانند استقلال اجتماعی و اقتصادی در پرتو استقلال فرهنگی به وجود می آید و دوام می یابد. بی تردید، کسی که دلداده و شیفته فرهنگ و ارزش های اجتماعی بیگانگان است، توان و نیروی دفاع از منافع خویش را از دست می دهد. از سوی دیگر، استقلال سیاسی نیازمند حضور آگاهانه مردم در صحنه های سیاسی _ اجتماعی و مشارکت آزادانه و همراه با شعور و آگاهی آنان در کارهای مهم جامعه است تا در پرتو این مشارکت و ارتباط نزدیک و صمیمی حاکمان با مردم، دولت مردان بتوانند با قدرت، از استقلال سیاسی کشور پاسداری کنند.

در فرهنگ اسلامی، دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است. البته «همبستگی دین و سیاست به معنی وابستگی سیاست به دین است.» (۲) مسلمان واقعی، از جریان های سیاسی _ اجتماعی جامعه خویش آگاه است و با عقلانیت و تدبیر، در برابر آن ها واکنش نشان می دهد. از این رو، نخست باید جوانان را با اطلاع رسانی سالم و به موقع از راه

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۹.

۲- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص ۹۳.

رسانه های گروهی و سخنرانی های دینی و سیاسی، آگاه ساخت و آنان را نسبت به تصمیم های گرفته شده، توجیه کرد.

جوانی که از مسایل کشور و هدف ها و آرمان های انقلابی کشورش آگاهی داشته باشد، مسؤولیت خویش را در جامعه باز می شناسد و برای اجرای آن تلاش می کند. هم چنین به عملکرد حاکمیت و حاکمان جامعه، حساسیت نشان می دهد و در برابر رویدادهای مسلمانان و جهان اسلام بی اعتنا نخواهد ماند.

۱۵. گسترش فرهنگ نماز

۱۵. گسترش فرهنگ نماز

در قرآن آمده است:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (عنکبوت: ۴۵)

به یقین، نماز از بدی ها و زشتی ها باز می دارد.

نماز، تجلی دوستی و محبت به خداوند کریم است. نماز، فریاد انسان گناه کار و اعلان پذیرش مطلق حاکمیت الهی است. نماز، نفی اله ها و معبودهای غیر حقیقی، خیالی، عاطفی و کفرآمیز است. نماز گزار، به زیور خوبی ها و زیبایی ها آراسته و از غبار کثری ها و زشتی ها پیراسته است. در مکتب توحید، اقامه نماز، روشی برای بازداري از فحشا و فساد است و نماز گزار به کج اندیشی، شیست باوری و بدرفتاری دچار نمی شود. اجتماع نماز گزاران نیز ضعف و زبونی و سلطه پذیری را نخواهد پذیرفت.

بنابراین، بر اساس آموزه قرآن کریم، برای ایستادگی در برابر هجوم ویرانگر دشمنان، باید به نماز تمسک جست و برای برپاداشتن آن در زندگی فردی و اجتماعی کوشید.

روش شناسی هدایت نسل جوان

اشاره

روش شناسی هدایت نسل جوان

مسأله هدایت نسل جوان، مسؤولیتی همگانی است که به ویژه بر دوش رهبران دینی جامعه اسلامی سنگینی می کند. در دین مقدس اسلام، مسؤولیت ها مشترک است؛ یعنی افراد مسؤول یکدیگرند و در مسؤولیت های یکدیگر شریکند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۱) حتی می توان گفت نسل ها مسؤول یکدیگرند. هر نسل، مسؤول نسل بعدی است که دین خدا و مکتب الهی را که از نسل های گذشته به دست آن ها رسیده است، حفظ کنند و به نسل های آینده برسانند. باید دانست هدایت یک فرد یا یک نسل در همه احوال و شرایط یکسان نیست، بلکه شکل ها و شرایط گوناگون دارد؛ یعنی درباره همه افراد و همه نسل ها و در همه زمان ها یک نسخه مشخص ندارد از این رو، در هر زمان و شرایطی باید در روش هدایت فرد یا جامعه، به دقت اندیشید. (۲)

شهید مطهری، مسؤولیت دین داران و عالمان دینی را بر دو نوع می داند:

۱. مسؤولیت شکلی: یعنی شارع مقدس، بعضی از تکلیف های دینی را با شکل، اجزا و شرایط مشخص از دین داران خواسته است و دین داران بایستی بدون تصرف در آن، به همان شکلی که دین از آنان خواسته است، آن تکلیف را به جا آورند؛ مانند: نماز، روزه و حج. این گونه تکالیف را تعبّدی گویند.

۲. مسؤولیت نتیجه ای: شارع مقدس از دین دار و عالم دینی تنها نتیجه خواسته است. فرد دین دار و عالم دینی مسؤول به دست آوردن نتیجه

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- ده گفتار، ص ۱۶۳.

است؛ یعنی دین برای رسیدن به نتیجه، روش ثابت و معینی را تعیین نکرده است. به اعتقاد شهید مطهری، رهبری نسل جوان از نوع دوم است. به دیگر سخن دین از دین داران و عالمان دینی تنها رهبری نسل جوان را خواسته و برای هدایت او، وسیله و روش ثابت و همیشگی معین نکرده است، بلکه یافتن روش های رهبری را در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی، بر عهده عالمان دینی نهاده است. نمونه آن جهاد در اسلام است که مسلمانان موظف اند از حوزه اسلام دفاع کنند، ولی ابزار و وسیله آن که با شمشیر، تفنگ یا وسایل دیگر باشد، مشخص نشده است. مسلمانان موظف اند به فراخور زمان و مکان و شرایط، بهترین وسیله را برای این کار فراهم کنند: «و اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ».

عالمان دینی باید با بهره گیری از هدایت های دین و شناختن نیازها، پرسش ها و خواسته های نسل جوان، روش هایی را برای هدایت این نسل برگزینند. پس هدایت نسل جوان، با توجه به زمان، مکان، فرهنگ، شرایط و افراد؛ گوناگون خواهد بود. قرآن کریم برای رهبری و هدایت انسان، سه روش حکمت، موعظه و جدل را پیشنهاد می کند:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (نحل: ۱۲۵)

راز اختلاف معجزه های پیامبران الهی را نیز در همین نکته باید جست و جو کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

مأموریت ما گروه پیامبران این است که با مردم به اندازه فهم و درکشان سخن بگوییم.

بنابراین، پیامبران با همه، به یک روش و زبان سخن نگفته اند. به قول مولوی:

پست می گویم به اندازه عقول

عیب نبود این، بود کار رسول

به همین دلیل، استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید:

مهم تر از این که طرحی برای این نسل تهیه کنیم، این است که این فکر در ما قوت بگیرد که مسأله رهبری و هدایت از لحاظ کیفیت عمل در زمان های متفاوت و در مورد اشخاص متفاوت فرق می کند و ما باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم.

مسایل رهبری با روان بشر سر و کار دارد. جلب همکاری روان ها و به حرکت درآوردن آن ها به سوی هدفی مقدس و عالی، مهارت و ظرافت فوق العاده می خواهد. امروزه پس از پیشرفت های حیرت انگیز روان شناسی و جامعه شناسی و انسان شناسی، هنگامی که سیر رهبری اولیا را مطالعه می کنیم، می بینیم بر دقیق ترین ملاحظات روانی و به اصول دقیق علمی رهبری منطبق است. (۱)

فهم زبان و منطق نسل جوان

فهم زبان و منطق نسل جوان

داستان آن سه مرد ترک و فارس و عرب را درباره انگور از زبان مولوی شنیده ایم که به دلیل نفهمیدن زبان یکدیگر و نبود زبان واحد، با یکدیگر درگیر شده بودند، در حالی که هر سه، یک مطلب را می گفتند. از این رو، برای ایجاد ارتباط با جوان، فرا گرفتن منطق و زبان او ضروری است؛ زیرا اگر عالم دینی، زبان و منطق نسل جوان خود را نداند، با دو مشکل روبه رو می شود:

۱ _ نمی تواند گفته ها و خواسته های او را بفهمد و به پرسش و نیاز او پاسخ بگوید؛

۲_ به دلیل درک نکردن خواسته های جوان، ممکن است با او درگیر شود و با او دشمنی کند. در نتیجه، نمی تواند او را هدایت و رهبری کند.

اگر مشکلی در راهنمایی این نسل باشد، بیشتر در فهمیدن زبان و منطق او و روبه رو نشدن با او، با منطق و زبان خودش است. به اعتقاد شهید مطهری اگر عالمان دینی، با نسل جوان آشنا باشند، خواهند یافت که این نسل برخلاف آن چه در نگاه نخست به نظر می رسد، لجوج نیست و آمادگی زیادی برای دریافت حقایق دینی دارد. ایشان در تأیید این مطلب می نویسند:

این بنده، خدا را سپاس گزار است که احساس می کند فعالیت های قلمی ناقابل او چه در جراید و مجلات و چه به وسیله کتاب مسأله حجاب اثر خوبی داشته است. نشر این کتاب تأثیر فراوانی در اصلاح عقاید و افکار این نسل داشته است. حتی بعضی از بانوان به اصطلاح متجدد، در وضع خود تجدیدنظر کرده اند. (۱)

الگوی عملی

الگوی عملی

نکته مهم دیگری که استاد مطهری برای هدایت نسل جوان مورد توجه قرار می دهد، اهل عمل بودن هدایت کنندگان نسل جوان است. قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! خداوند بسیار خشمگین می شود که سخنی بگوئید و عمل نکنید!

راز روی آوردن نسل جوان به امام خمینی رحمه الله در اهل عمل بودن ایشان است. جوانان می دیدند که حضرت امام رحمه الله تنها سخن نمی گوید، بلکه پیش از سخن گفتن، خود عمل می کند. رهبران نسل جوان پیش از این که الگوی فکر دینی باشند، باید الگوی عمل دینی شوند تا جوان به راحتی بتواند فکر ایشان را نیز بپذیرد. اگر جوان میان گفتار و کردار هدایت کنندگانش تضاد و تعارض ببیند، نمی تواند به اندیشه آنان اعتماد و از اندیشه های ایشان پیروی کند. (۱)

موقتی بودن وسیله ها

موقتی بودن وسیله ها

گاهی چیزی در جایی وسیله هدایت است، ولی چه بسا همان چیز در جای دیگر وسیله گمراهی باشد. شاید منطقی که شخص عادی را مؤمن می کند، در مورد شخص تحصیل کرده کارآیی نداشته باشد. شاید یک کتاب در یک زمان با فضای روز جامعه و سطح فکر زمان متناسب بوده و وسیله هدایت مردم باشد، ولی همان کتاب در زمانی دیگر، چنین اثری نداشته باشد.

آیه شریفه «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ...» (۲) سه وسیله متفاوت برای دعوت و هدایت مردم آورده است که هر یک از این سه وسیله، برای یک مورد مخصوص است. واژه رب هر جا که به کار می رود، به معنای تربیت است، در این جا نیز چون مقام، مقام دعوت و تربیت است، با واژه رب تعبیر شده است. مردم را به راه پروردگارت بخوان؛ آن راهی که مردم باید به آن راه تربیت شوند. مردم را به وسیله حکمت، دعوت کن.

۱- ده گفتار، صص ۲۲۱ - ۲۲۲.

۲- نحل، ۱۲۵.

حکمت یعنی؛ سخن متقن و محکم که خدشه بردار و تشکیک پذیر نیست. به عبارت دیگر، سخن بر پایه علم صددرصد خالص است. مفسران گفته اند دعوت کردن با حکمت و برهان عقلی و علمی، برای گروه ویژه ای است که استعداد آن را دارند. «و الْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ»؛ یعنی مردم را با پند و اندرزهای خوب و دل پسند به راه پروردگارت بخوان. بعضی از مردم، استعداد بیان عقلی و علمی ندارند و اگر مسایل علمی برای آنان مطرح شود، نمی فهمند. پند و اندرز دادن به وسیله تمثیل و داستان و حکایت و چیزهایی که دل آنان را نرم کند، راه هدایت آنان است.

«و جادلهم بالتی هی اَحْسَنُ»؛ یعنی اگر با کسی روبه رو شدید که هدفش کشف حقیقت نبود و غرضش این نبود که حقیقتی را بفهمد، بلکه برای مجادله و ایراد گرفتن آمده و در کمین است که واژه ای بشنود تا آن را مستمسک قرار دهد و مجادله کند، تو نیز با چنین شخصی مجادله کن. البته تو به گونه ای نیک و پسندیده مجادله کن. این آیه، راه های گوناگون هدایت را آورده است. بنابراین، راه های هدایت یکسان و یکنواخت نیست. (۱)

روش رفتار با جوان

اشاره

روش رفتار با جوان

پیش از طرح اصل مطلب، به نکاتی اشاره می کنیم که ما را در بازشناسی موضوع بحث کمک کند. آن گاه شیوه ها و اصول رابطه با نسل جوان را به اختصار شرح خواهیم داد.

الف) فصل جوانی، فصلی پیچیده و معمّاگونه است. دوران جوانی،

کوران دیگرگون شدن است. در این دوره، گویی آدمی می میرد و آدمی دیگر زاده می شود. نوجوان همان «کودک بزرگ شده نیست» و جوان همان «نوجوان رشد یافته» نیست؛ او انسان دیگری است.

ب) سرّ پیچیدگی و معمایاگونگی دوران جوانی، گوناگونی مؤلفه های شناخته شده و ناشناخته ای است که هویت جوان را شکل می دهد. هویت جوان، به ویژه جوان امروزی، تحت تأثیر عوامل شناخته و ناشناخته اعم از بیرونی و درونی شکل می گیرد. برخی از این عوامل به قرار زیر است: وراثت، خانواده، جامعه، ملیت، زیست بوم، طبقه اجتماعی، فرهنگ عصری ملی و جهانی، دیانت، گرایش سیاسی، میزان تحصیلات، نوع تخصص.

عوامل پیچیده و ناشناخته بسیار دیگری نیز هست که باید با بررسی دقیق علمی کشف شوند. هر کدام از این عوامل، منشأ بروز ویژگی هایی در شخصیت جوان است. هر کدام از این ویژگی ها نیز مقتضیاتی دارد که در برقراری رابطه با جوان باید در نظر گرفت.

ج) برای این که به مقتضیات دوره جوانی، پاسخ درستی داده شود و ویژگی های وجودی او را به درستی سامان بخشیم و در خدمت اهداف الهی _ انسانی درآوریم، باید مناسبات خود را با نسل نو در چهارچوب قواعد و شیوه های دقیقی تنظیم کنیم تا بتوانیم ارتباطی منطقی، کارساز و مطلوب با جوان برقرار کنیم. (۱)

برای فهم نسل جوان و تنظیم مناسبات سازنده با آنان، استادان و مربیان امور تربیتی به ویژه روحانیان باید عالمانه و دردمندانه ویژگی ها و

مقتضیات جوانی را در چهار گرایش زیست شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و مردم شناختی بررسی کنند.

از نظر روان شناختی؛ ذهنیت شناسی، فاصله زدایی و جلب اعتماد مخاطب، یکی از بایسته های کارآمدسازی مناسبات است. شیوه هایی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، بیشتر در جهت بسترسازی برای دست یابی به همین بایستگی ها است. ذهنیت شناسی مخاطب، این است که بدانیم مخاطب ما به چه می اندیشد و درباره ما چگونه می اندیشد. تا وقتی ذهن مخاطب را درنیابیم، تلاش ما نتیجه منفی و معکوس بر جای خواهد گذاشت.

فاصله زدایی؛ یعنی هم دل و هم احساس شدن با مخاطب و ابراز این هم دلی با مخاطب. متأسفانه در چند سال گذشته، در ارتباط مربیان و مبلغان فرهنگی با جوانان، مشکلی پدید آمده است که اگر این مشکل برطرف نشود، تلاش ایشان برای برقراری ارتباط سازنده با نسل جوان کارساز نخواهد بود. این مشکل همان «احساس بیگانگی میان مربیان و نسل جوان است». هم برخی مربیان فرهنگی، جوانان را غریبه می انگارند و احساس می کنند که نمی توانند با آن ها هم دل و هم گام شوند و هم نسل جوان دچار بیگانه انگاری شده است. از این رو، تا این دیوار بیگانه انگاری از میان برداشته نشود، هرگز پیام عالمان دینی به گوش نسل جوان نخواهد رسید.

برای ایجاد ارتباط با جوانان، آنان باید ما را بپذیرند و احساس کنند که ما با دست پر به سوی آن ها رفته ایم و حرفی برای گفتن داریم. جوان باید دریابد که به حوزه دین نیازمند است و ما آن چه را او می خواهد _ در قلمرو مباحث فکری و نظری و عاطفی _ در دست داریم و می توانیم

برای او فراهم کنیم. جوان باید روحانیان را پناه گاه علمی، معنوی و عاطفی خود بدانند.

در مناسبات میان جوانان و مربیان تربیتی، اصول و روش هایی باید مورد توجه قرار گیرد. که آن ها را به چهار دسته تقسیم کرده ایم:

۱. اصول و قواعد شکلی؛

۲. اصول تکوینی و وجودی؛

۳. روش های برخورد با جوانان؛

۴. شیوه های گفت و گو.

اکنون این اصول و شیوه ها را به اختصار شرح می دهیم.

۱. اصول و قواعد شکلی

۱. اصول و قواعد شکلی

این دسته به ظاهر کم ارزش به نظر می رسند، ولی در تنظیم روابط با جوان، بسیار کار سازند.

الف _ جاذبه های ظاهری

مربی تربیتی در برخورد با جوان، باید با استفاده از زیبایی و پاکیزگی لباس و آرایش و رفتار خوب و مناسب خود در دل جوانان پاک دل رخنه کند تا بتواند در همان برخورد نخست، جوان را به سوی خود جذب کند. لباس و رفتار نامناسب پیش از هر چیز، نخستین پل رابطه با جوان را ویران می کند. اگر همین ظرافت، رعایت گردد، نسل جوان به صورت ناخود آگاه، به برقراری ارتباط با مربی خود احساس نیاز خواهد کرد. از این رو، مناسب است برای امور تربیتی جوانان، مربیانی را برگزینیم که از ویژگی ظاهری خوبی برخوردار باشند.

ب _ برخورد بانشاط: گفت و گو به لفظ و صورت نیست، بلکه به نَفَس و نظر است. نخستین گفت و گو میان دو انسان، ماندگارترین خاطره میان

آن ها نیز هست. برخورد خشک و بی روح و گرفته، حجاب نفوذناپذیر در رابطه میان جوان و مربی تربیتی است.

ج _ به کارگیری ادبیات دلنشین: ادبیات پر اصطلاح، پیچیده، تخصصی و کهنه نمی تواند نسل جوان را به سمت دین بکشانند. امروز، طلبه فاضل حوزه باید به فراگیری ادبیات معاصر و درست سخن گفتن و زیبا نگاشتن همت گمارد. به کار بردن یک واژه غلط یا ترکیب نادرست، کافی است تا جوان با متوجه شدن آن خطا، از مربی فاضل خود چشم پوشد و او را بی سواد و بی هنر قلمداد کند.

۲. اصول تکوینی و باطنی

۲. اصول تکوینی و باطنی

منظور از اصول تکوینی، اصول و قواعدی است که مربی فرهنگی و دینی باید به دور از هرگونه ظاهرسازی، به طور واقعی بدان ها معتقد و ملتزم باشد. این اصول نکاتی است که رعایت واقعی و خالصانه آن ها، اثر وضعی درونی در پی خواهد داشت. بدین دلیل، از آن ها به اصول تکوینی و وجودی تعبیر می کنیم. برخی از این اصول به قرار زیر است:

الف _ خیرخواهی و اخلاص: مربیان تربیتی باید به طور تکوینی و نیک خواهانه و از سر احسان، با نسل نو روبه رو شوند. خیرخواهی حقیقی، اثر وضعی معجزه آسایی برای مردم و مخاطبان دارد.

ب _ راست گویی و کردار شایسته: امام صادق علیه السلام از آن به دعوت غیرلسانی تعبیر فرموده است. راست گویی باید با کردار مناسب تأیید شود و با ظاهرسازی و ریا نمی سازد. جوان، با ذکاوت و ادراکی درونی و ذاتی می فهمد که چه کسی راست می گوید و چه کسی راست نمی گوید. بنابراین، راست گفتاری ما باید با رفتار ما تأیید گردد.

ج _ ایمان به توانایی و شایستگی جوان: وقتی انسان به بلوغ می رسد،

روحیه، توان، استعداد، خردورزی و عواطفِ او دگرگون می شوند. بنابراین، باید به منزلت و شخصیت و توانایی های جوان ایمان و اذعان داشت. بی اعتنایی به جوان، همان چیزی است که در سال های پس از جنگ اتفاق افتاده است و امروز به پی آمدهای شوم آن گرفتار شده ایم تا به جوان حرمت ننهیم و او را به رسمیت نشناسیم، نمی توانیم با او ارتباط برقرار کنیم زیرا این یک اصل تکوینی است.

د _ پرهیز از خود برترینی: اگر جوان احساس کند که ما فروتن هستیم، او نیز تواضع می کند. اگر احساس کند که در پی اثبات برتری خود هستیم، چون این حس در او قوی تر است، او نیز تکبر خواهد ورزید. غرور یکی از ویژگی های دوران بلوغ است یعنی جوان هرگز حاضر نیست در برابر کسی فروتنی کند مگر در مقابل افراد فروتن. این تصور که چون من استاد یا روحانی هستم، پس باید جوان به من احترام کند، پنداری غلط است. تا با جوان اُنس نگیریم، دیوارهای فاصله میان ما و جوانان فرو نخواهد ریخت، بلکه بر استواری و بلندی آن هم چنان افزوده خواهد شد.

ه _ حق پذیری: باید به راستی حق پرست و حق پذیر باشیم. گفتن حق هر چند تلخ و سخت باشد و شنیدن حق هر چند دشوار و ناگوار باشد، باید برنامه عمل ما قرار گیرد.

اگر حق مدار باشیم، حق؛ شیرین، پذیرفتنی و گوارا خواهد نمود و سرانجام کامیاب و محبوب خواهیم شد. اگر یک سخن حق را از جوان پذیرفتیم، منتظر باشیم که او سخنان حق ما را خواهد پذیرفت، ولی اگر یک مطلب حق را از او نپذیرفتیم، باید بدانیم که سخنان حق ما را نیز باطل خواهد انگاشت.

۳. اصول رفتاری

۳. اصول رفتاری

الف _ صبوری و رویارویی فراجریانی: اگر جوان احساس کند که مربی از موضع یک حزب و جریان و طبقه ممتاز با او سخن می گوید، اسیر پیش فرض ها و چارچوب انعطاف ناپذیر خاصی می شود. از این رو، کلام حق او، باطل جلوه خواهد کرد. باید گوش شنوا داشته باشیم تا زبان گویا بیاییم. باید در برابر هرگونه تندى و هجمه اى صبور باشیم. تنها با صبر و سعه صدر است که می توان جوان را به فروتنی و پذیرش ادعاها و پیام هایمان وا داریم.

ب _ اعتماد به نفس در گفتار و رفتار: چنین حالتی پی آمد آمادگی و مطالعه علمی است. اگر با دست پر در مجامع حضور بیاییم، می توانیم با اعتماد به نفس، سخن بگوییم. بدون اعتماد به نفس هرگز نمی توانیم تأثیر بگذاریم. هر چند متأسفانه نظام علمی و تحصیلی کشور ما، جوان را چندان عالم و آگاه بار نمی آورد، ولی دانستنی های عمومی و گوناگون نسل امروز، اقتضا می کند که افزون بر دقت در طرح مطالب و مباحث، از تنوع علمی برخوردار باشیم و ناسنجیده سخن نگوییم. جامعه ما به حضور مربیان روحانی نیازمند است و این عزیزان نیز توانایی لازم را دارا هستند. در عین حال، تأکید می کنیم که گفتن «نمی دانم» از علم «ادّعایی» کارسازتر است. با اعتراف به ندانستن مسأله ای، طمأنینه و اعتماد به نفس خود را هم چنان حفظ خواهیم کرد، ولی اگر اقرار به ندانستن را عیب دانستیم، به محض درماندگی در یک مورد به دلیل جهل به مسأله، همه سازمان ذهنی ما به هم می ریزد.

ج _ به کارگیری دل بستگی های معقول جوان: جوانان دارای گرایش ها و سلیقه های معقول و طبیعی هستند. مربی باید تدبیری بیاندیشد که این

عوامل را برای رساندن پیام خود به استخدام درآورد. در آن صورت، دل بستگی های جوانان به جای این که نقش مخالف را در برابر پیام ایفا کند، همراه و پشتیبان او خواهد شد. تجدد و نوگرایی، جرأت و جسارت، تلاش و تحرک، آزادی خواهی و آزادگی، امید و آرمان گرایی، نشاط و طراوت، عاطفه و لطافت، غرور و غلبه جویی، احساس شخصیت و منزلت طبیعی، از ویژگی های دوران جوانی است. مشارکت دادن جوانان در فرآیند گفت و گو بسیار ضرورت دارد؛ زیرا او باید احساس کند که در طرح و اداره بحث، سهمیم است. بیش از نیمی از جلسه را باید به بحث و طرح مطلب خودمان پردازیم و در کم تر از نیمه دیگر بحث، میدان بدهیم که مخاطب سخن بگوید تا جوان بر سر حرف بیاید و درد دل کند و عقده بگشاید. آن گاه جلسه های ما پر جاذبه، با نشاط و بس تأثیرگذار خواهد شد.

د _ تبلیغ غیر مستقیم: سخن گفتن مستقیم و صریح در جایگاه پند و نصیحت و نقد و توبیخ سم خطرناکی در برقراری رابطه با جوان است.

۴. اصول گفت و گو

۴. اصول گفت و گو

هنگام سخن گفتن چگونه بگوییم؟ از چه بگوییم؟ از چه نگوییم و چه چیزهایی را در نظر بگیریم؟

الف _ سنجش مخاطب: باید دانست که با چه گروه سنی سخن می گوییم. مخاطبان ما در چه سطحی از دانش هستند و از چه بینش و گرایش هایی برخوردارند و چه پرسش هایی در ذهن آنان پرسه می زند؟ باید مطالب تنظیم شود و گرنه مانند آن است که پزشکی در یک سو نشسته باشد و گروهی بیمار هم در سویی دیگر و پزشک بی آن که بداند بیماران در چه شرایطی از وضعیت سنی و جنسی هستند و بیماری آنان چیست و

عوارض بیماری آنان کدام است، یک مشت دارو در کیسه بریزد و در اختیارشان بگذارد. این نه تنها مثبت نیست، بلکه زیان آور هم هست. زیان این نوع رفتار این نیست که ما به هدفمان نمی‌رسیم و داروی ما کارگر نمی‌افتد، بلکه داروی ما دردافزا و هلاکت‌زا خواهد شد.

ب _ آغاز گفت و گو از نقطه مشترک: باید از نقطه اختلاف و مطلب غیرمسلم آغاز نکنیم، بلکه از آن چه میان ما و او مشترک بوده و نزد او پذیرفته است، آغاز کنیم. مخاطب باید ما را هم اندیشه و هم دل خود بیانگارد تا به بیان ما گوش جان بسپارد. مخاطب جوان باید از ما مطالب آرام بخش قطعی بشنود، نه دیدگاه‌های حیرت‌آور و پریشانی‌زا.

ج _ تبیین نمودهای آسان گیر و خوش آیند دینی: از کجا آغاز کنیم؟ از بهشت بگوییم یا از جهنم؟ باید از بهشت آغاز کرد و جنبه‌های دل‌پذیر و محبت‌آمیز دین. به راستی، دین آسان و روان است؛ آن را سخت جلوه ندهیم و با توجه به سطح فهم مخاطب از لطایف عرفانی و ظرایف روحانی سخن بگوییم. پیش‌تر و بیش‌تر، از «آری»های دین حرف بزنیم. سلیقه در گزینش مطلب بسیار مهم است. روح لطیف جوان و گرایش‌ها و بینش‌های او خوشی و دل‌پذیری می‌طلبد. سخن از سختی‌ها و تلخی‌ها آن‌هم به نام دین که گاه مبالغه‌آمیز می‌شود، بسیار زیان‌بار است. بهتر است «امر به معروف» را بر «نهی از منکر» مقدم بداریم. از «نه» آغاز نکنیم، بلکه از «آری» آغاز کنیم. حتی در برخی موارد، پاسخ منفی را نیز باید با عبارت‌های مثبت القا کرد. هر جا که به ناچار باید نهی کرد، در قبال هر مورد نهی شده، باید جای‌گزین مثبت آن نیز ارائه شود. این همان روش تبلیغ به سبک قرآن است.

د _ پرهیز از افراط و تفریط در گفتار و رفتار: منظور از این نکته (این مطلب

با دیگر اصول گروه های چهارگانه پیش گفته هم عرض نیست)، پرهیز از تبیین های افراط آمیز و تفریط آلود آموزه ها و گزاره های دینی و خودداری از افراط و تفریط در رفتار است. گفتیم که باید لباس زیبا و لطیف پوشید، آرایش ظاهری زیبا و دل پذیر داشت، گشاده رو بود و با نسل جوان، به خوبی و خوش رویی رفتار کرد. با این حال، این روش نیز اندازه ای دارد و نباید به جایی برسد که به ضد خود تبدیل شود. البته آسان معرفی کردن دین و از جنبه های دل پذیر آموزه های دینی آغاز کردن، به معنی اباحه گری و روا انگاری نیست. در رفتار نیز نباید آن چنان عمل کنیم که موجب سرشکستگی و سبکی و کاسته شدن از ارزش فرهنگ دینی در جامعه گردد!

امروز برای حوزویان، مسأله ای با اهمیت تر از اندیشیدن به مسأله جوان و تدبیر درست در روابط حوزه و روحانیت با جوانان وجود ندارد. این مسأله سرنوشت سازتر از هر فکر و عملی است. اگر دلسوز انقلاب و اسلام هستیم، مهم ترین مسأله ما باید پرداختن به نسل جوان باشد.

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

گفتار اول: رسانه و تبلیغات جهانی

گفتار دوم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه (۱)

گفتار سوم: مسئولیت های رسانه دینی

پرسش ها و پاسخ ها

گفتار اول: رسانه و تبلیغات جهانی

اشاره

گفتار اول: رسانه و تبلیغات جهانی

زیر فصل ها

تبلیغات در جهان معاصر

ابزار تبلیغات در جهان معاصر

تبلیغات در جهان معاصر

تبلیغات در جهان معاصر

امروزه، تبلیغات آن چنان پیچیده شده است که در مقایسه با تاریخ گذشته، این حجم از تبلیغات بی مانند است. در عصر کنونی، تبلیغات و اعمال فشار چنان به یکدیگر آمیخته اند که مرز تبلیغ و تحمیل مشخص نیست.

هنگامی که ژنرالی، نیروی نظامی خود را به نمایش می گذارد تا موجب رعب و هراس گروه دیگری شود، وقتی کودتاگری با رسته ای کوچک از نظامیان وفادار خود در سایه حمایت قدرت های بزرگ قرار می گیرد و زمانی که ابرقدرت ها، برای سرکوبی قیام ملت های محروم، نیروهای نظامی و ناوهای جنگی به کشورها گسیل می دارند، تبلیغ و زور مرز مشخصی ندارند.

اهمیت افکار عمومی و شیوه های تبلیغ به اندازه ای است که هر ساله مبلغ هنگفتی صرف مدیریت و هدایت افکار عمومی و آموزش مدیران و دست اندرکاران آن در عرصه جهانی می شود.

به گفته فیلیپ بونونسکی _ نویسنده امریکایی _ جهان سرشار از کتاب هایی است که عاملان سیا نوشته و منتشر کرده اند. افزون بر این، سازمان سیا، در کشورهای گوناگون، بنگاه های انتشاراتی و شبکه های

پخش کتاب و روزنامه دایر کرده است. مهم ترین و بزرگ ترین خبرگزاری ها در جهان، یونایتد پرس و آسوشیتد پرس (امریکا)، رویتر (انگلیس)، تاس (شوروی سابق) و فرانس پرس (فرانسه)، روزانه بیش از ۴۵ میلیون کلمه به ۱۱۲ کشور جهان مخابره می کنند. بر اساس آمار یونسکو، جریان انتقال اخبار از این کشورها به ملت های زیر سلطه، صد بار بیشتر از انتقال اطلاعات از کشورهای زیر سلطه یاد شده به کشورهای بزرگ است. بیشتر کشورها در نتیجه اخبار و اطلاعات نادرست، به بازی گرفته می شوند و به دام فریب تبلیغاتی می افتند.

آژانس ارتباطات بین المللی امریکا _ همکار نزدیک سازمان سیا _ مرکز اصلی شبکه تبلیغاتی غرب در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. بودجه این سازمان در سال ۱۹۷۹م. بیش از چهار صد میلیون دلار بود. بخشی از فعالیت های این آژانس به شرح زیر است:

انتشار ۱۲ مجله به ۲۲ زبان؛ تهیه و پخش ۹۰۰ فیلم در سال؛ نمایش برنامه های تلویزیونی در ۱۰۰ کشور دنیا؛ ساخت کتاب خانه ها و مراکز فرهنگی و تبلیغی در کشورهای گوناگون؛ پخش سالانه، ۵ میلیون نسخه کتاب، در ۲۵ زبان؛ پخش برنامه ها و پیام های رادیو صدای امریکا در بیش از ۵ هزار ایستگاه در تمام جهان.

گفتنی است صدای امریکا در مجموع، هفته ای ۸۲۲ ساعت برنامه به ۳۸ زبان دارد که از ایستگاه مرکزی واشنگتن، پخش و به وسیله ماهواره یا به طور مستقیم به ۱۱۵ تقویت کننده در آلمان، یونان، سری لانکا، فیلیپین و جزیره اوکیناوا در ژاپن فرستاده می شود.

در سال های اخیر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزون بر برنامه های ماهواره و اینترنت، توجه صدای امریکا به کشورهای مسلمان

معطوف گشته و زمان برنامه های فارسی آن به شش برابر افزایش یافته است. هم چنین این رادیو، برنامه های شبانه روزی به زبان عربی دارد.

مجموعه این دستگاه ها، سازمان ها و امکانات سبب شده است که یک نویسنده امریکایی، ماشین تبلیغات امریکا را نیرومندترین شبکه شست و شوی مغزی جهان بداند.

در نظام های غیر الهی از گذشته تاکنون، هدف اصلی از تبلیغات، نفوذ در افکار عمومی بوده است. آنان می خواسته اند ذهن را به خود جلب کنند و انسان ها را از فطرت الهی شان دور سازند و آزادانه به استعمار، استثمار، استضعاف و غارت و چپاول ثروت ها، دست زنند. تهاجم تبلیغاتی از خشونت های فیزیکی بی رحمانه تر است؛ زیرا می توان آن را بدون توقف برای تجدید انرژی هم چنان ادامه داد.

در مقابل، هدف و انگیزه تبلیغ در اسلام، به حرکت در آوردن مردم به سوی خدا و گسترش ارزش های الهی _ انسانی، شناساندن ارزش های رهایی بخش اسلام، زدودن زنگار تبلیغات شرق و غرب از روح انسان ها و نجات بشر از منجلاب فساد و تباهی است. (۱) البته مسلمانان باید از بهترین، پیشرفته ترین و جدیدترین شیوه های تبلیغاتی درست، برای هدایت همه انسان ها بهره گیرند تا بتوانند فطرت انسان های الهی را بیدار کرده و در دل و ذهن آنان نفوذ کنند.

ابزار تبلیغات در جهان معاصر

ابزار تبلیغات در جهان معاصر

ما در عصری زندگی می کنیم که ارتباطات گسترده و تبلیغات پیچیده

بسیاری از کارها را بهبود بخشیده، ولی هم چون شمشیری دو لبه، شرایط مطلوب تری را برای استعمارگران فراهم کرده است. اگر استعمارگران در گذشته مجبور بودند با لشکرکشی های فراوان و تحمل دشواری های بسیار به سرزمینی یورش برند، امروزه به مدد ابزارهای پیشرفته، به راحتی می توانند تا عمق خانه های مردم نفوذ کنند و به آسانی، بنیان های مستحکم فرهنگ های دیگر ملت ها را بسوزانند.

صهیونیسم به عنوان یکی از مظاهر استعمار جدید با اتکا بر پشتوانه های اقتصادی و ابزارهای تبلیغی و پشتیبانی همه جانبه امریکا، حرکت گسترده ای را برای تفرقه افکنی میان مسلمانان تدارک دیده است. صهیونیست ها با نفوذ در خبرگزاری ها، برنامه های ماهواره ای، پایگاه های اینترنتی و مطبوعات جهان، شاه راه اطلاع رسانی بین المللی را در اختیار گرفته و با گذشت مدتی کوتاه، چنان بر کشورهای جهان چیره شده اند که اکنون کمتر مجله و روزنامه ای را می یابیم که صهیونیست ها، آن را از بیرون هدایت نکنند. هم چنین با سلطه بر سینما، تلویزیون، تئاتر و دیگر رسانه های هنری و تبلیغی جهان کوشیده اند دقت و حساسیت جوانان و نیروهای کارآمد کشورها را نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش از میان ببرند و آنان را به موجوداتی بی تفاوت و سطحی نگر بدل سازند. نگاهی گذرا به جوامع گوناگون به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای شمال امریکا و آسیا گواهی بر ادعای ماست.

اگر مسلمانان یکپارچه به ندای وحدت بخش امام خمینی رحمه الله گوش فرا می دادند و نیروهای پراکنده خویش را برای نابودی دشمن مشترکشان بسیج می کردند، آیا باز هم جهان اسلام شاهد این همه فجایع دردناک و

جانسوز بود؟ آیا زمان آن فرا نرسیده است که آگاهانه و هوشیارانه، دوست را از دشمن بازشناسیم و تاوان آن چه را در گذشته بر ملت ها و بنیان های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ما رفته است، باز ستانیم؟^(۱)

جمال عبدالناصر؛ رئیس جمهور فقید مصر در بخشی از سخنانش به دانشجویان دانشگاه الازهر (۱۹۶۱ م.) می گوید:

هر زمان که به عظمت اسلام در گذشته فکر می کنیم، می بینیم مسلمانان در پرتو نیروی ایمان توانستند آیین خود را در شرق و غرب دنیای آن روز، گسترش دهند. آیا روزی می رسد که آن عظمت تجدید شود؟... من به چنین روزی امیدوارم.^(۲)

۱- نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمان های بین المللی، فؤاد بن سید عبدالرحمن الرفاعی، بر گردان: حسین سرو قامت، صص ۳ _ ۴.

۲- فلسفه اسلام، جمال عبدالناصر، بر گردان: حسن فرامرزی، بنگاه انتشارات آرمان، ۱۳۵۷.

گفتار دوم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه^۱

اشاره

گفتار دوم: رسانه و عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه^(۱)

غرب در پی آن است تا فرهنگ توسعه یافته خود را فرهنگ برتر معرفی کند به گونه ای که همه در آن غرق شوند. به همین دلیل است که غرب گرایان؛ نوگرا، کارآمد و مترقی و مخالفان فرهنگ غرب؛ واپس گرا و مخالف دموکراسی معرفی خواهند شد. عوامل پیدایش فرهنگ بیگانه را می توان چنین برشمرد:

۱. عوامل روانی

۱. عوامل روانی

نوجوانان و جوانان به دلیل پویایی و تنوع خواهی، نسبت به سالمندان که از نظر فرهنگی و روانی، حالت ایستایی دارند، فرهنگ بیگانه را راحت تر پذیرا می شوند. از این رو، باید نیازهای روحی و روانی این قشر را شناخت، و به درستی برآورده کرد.

یکی از این عوامل، غرور ناشی از رشد جسمانی است که رسانه می تواند با ساخت برنامه های حماسی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و نیز چهره های شاخص ملی مانند پوریای ولی و تختی، مظهر انسانیت و جوان مردی و قهرمانی را در کنار پهلوانی نمایش دهد. به یقین اگر زندگی شخصیت های ملی و دینی جامعه به تصویر کشیده شود، تأثیر به مراتب بیشتری از مجموعه هایی مانند: جنگ جویان کوهستان و افسانه شجاعان خواهد داشت.

۱- تهاجم فرهنگی غرب، پژوهش های کاربردی، معاونت برون مرزی صدا و سیما، صص ۱۴۱ _ ۱۶۰.

۲. عوامل اجتماعی

۲. عوامل اجتماعی

عملکرد احزاب و گروههای فعال اجتماعی در پذیرش فرهنگ بیگانه نقش زیادی دارد؛ زیرا تنش های سیاسی و اجتماعی، آسیب های اجتماعی شکننده ای را به بار می آورند. بدین سان تقویت وفاق ملی و کاستن از تنش های اجتماعی و سیاسی باید از سیاست های برنامه ای صدا و سیما باشد.

معرفی شخصیت های اجتماعی از دیگر کارهایی است که رسانه باید بدان اهتمام ورزد. برای نمونه، در قرون وسطی، فردی اروپایی به نام مارکوپولو به جهان و کشورهای شرقی سفر کرد که غریبان، ماجرای او را بارها و بارها در کتاب ها، فیلم ها، سریال ها و کارتون های خود نمایش داده اند. در مقابل، ما که در آن عصر، جهانگردان بزرگی داشته ایم، هنوز نتوانسته ایم آنان را به جوانان کشورمان، معرفی کنیم. سفرنامه هایی مانند: تحقیق ماللهند از ابوریحان بیرونی، سفرنامه ناصر خسرو و سفرنامه ابن بطوطه شاهد این ادعاست. گذشته از اینان، مفاخر بزرگ و جوان مردان غیوری در زمان جنگ داشته ایم که حماسه های شگفتی آفریده اند، مانند: حاج همت ها، خرازی ها، زین الدین ها و فهمیده ها و

در این راستا، تبلیغ نمادهای ملی و اجتماعی که با آموزه های دینی مخالفتی ندارند، مانند: پرچم، سرود جمهوری اسلامی ایران، خط، زبان و... که زمینه ساز فرهنگ دوستی و دفاع از فرهنگ خودی خواهند بود، مثبت است.

۳. عوامل سیاسی

۳. عوامل سیاسی

یکی از راه های تقویت و رشد بینش نوجوانان و جوانان درباره فرهنگ خودی، آگاه ساختن آنان از مسایل منطقه ای و جریان های سیاسی —

اجتماعی منطقه و کشور خویش است؛ چون جوانان همواره به مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه خود و جهان حساس بوده و نسبت به آن بی تفاوت نیستند. در پرتو این حس، می توان اهتمام به امور مسلمین و انجام وظیفه شخصی در برابر مسلمانان دیگر را آموزش داد؛ یعنی جوان، فرهنگ بیگانه را با توجه به آموزه های دینی خود نقد و ارزیابی می کند و نسبت به انواع فرهنگ ها در جهان و میزان تأثیر گذاری آن ها بر ملت ها، حساسیت پیدا خواهد کرد. البته این امر ممکن نیست مگر این که از عملکرد حاکمیت و حاکمان جامعه خود شناخت کافی داشته باشد. بنابراین، برنامه سازی، پردازش و توجیه مسایل منطقه ای و کشوری در واکنش متعهدانه نوجوانان و جوانان نقش مهمی ایفا می کنند. در غیر این صورت، جوان به امور سیاسی بی تفاوت می شود و در اثر تبلیغات بیگانگان، دورنمای مثبتی از فرهنگ سیاسی غرب پیش خود ترسیم خواهد کرد.

بی تفاوتی سیاسی آفتی است که می تواند موفقیت های سیاسی جامعه را بی اهمیت جلوه دهد و غرور مردم به ویژه قشر جوان را خاموش سازد. از این رو، فراهم کردن زمینه های مشارکت سیاسی جوانان از دیگر فعالیت های رسانه است. جوانان یک کشور وقتی نسبت به مسایل سیاسی داخلی و بین المللی حساسیت نشان خواهند داد که خود را به طور واقعی و فعال در آن مسایل، دخیل بدانند.

۴. عوامل فرهنگی

۴. عوامل فرهنگی

مهم ترین شاخص های فرهنگی که در گرایش به فرهنگ بیگانه تأثیر گذارند، عبارت است از:

الف _ پوشاک: لباس، هویت فرهنگی یک ملت را مشخص می کند.

غربیان به سبب عینی و ملموس بودن این پدیده فرهنگی، همواره نسبت به آن حساس بوده اند. در این میان، پوشاک زنان بیشتر مورد نظر آنان است. از این رو، نمایش لباس های گوناگون و استفاده بازیگران تلویزیون از آخرین مُدهای لباس های غربی، ضرورتی ندارد و حتی به بدآموزی می انجامد.

ب _ زبان و خط: رسانه باید در حفظ زبان فارسی (به دلیل ادبیات غنی و شدت علاقه مردم) بیشتر بکوشد و گرنه زبان و خط بیگانه برای جوان خوش جلوه می کند. از این رو، رسانه باید اصطلاحات و واژگان بیگانه را کم تر به کار گیرد. هم چنین در برنامه ها نباید از کارشناسان علمی در یک زمینه خاص، بیش از حدّ لازم استفاده شود به ویژه اگر آنان از کسانی باشند که واژه های بیگانه را زیاد به کار می برند. مطرح کردن چنین افرادی در خوش جلوه دادن زبان های بیگانه تأثیر دارد.

تا آن جا که ممکن است باید از نمایش خط و زبان بیگانه پرهیز کرد. اگر برنامه ای می تواند با نمایش خط های فارسی اجرا شود، باید از به کار بردن خط های بیگانه پرهیز کرد.

ج _ هنر: رسانه باید بکوشد هرچه بیشتر از نام های ایرانی و اسلامی برای هنرپیشه ها استفاده کند. نام گذاری نام های ایرانی و اسلامی در تبلیغ و ترویج این گونه اسم ها نقش زیادی دارد. متأسفانه برخی افراد به کار بردن نام های غربی برای فرزندان خود و محل کسب و کارشان را افتخار می دانند. بنابراین، پرداختن به آداب و رسوم اجتماعی و استفاده از نام های فرهنگ خودی می تواند تا حد زیادی از گرایش جوانان و نوجوانان به فرهنگ بیگانه بکاهد.

گفتار سوم: مسئولیت های رسانه دینی

اشاره

گفتار سوم: مسئولیت های رسانه دینی

امروزه جادوی الکترونیک (حرکت، تصویر و نور) به جای واژگان و گفتار نشست است. این تحوّل که در مسیر رشد و تکامل خرد و اندیشه ورزی بشری است، گسترش شعور و آگاهی مردم را در پی داشته است و رفته رفته اختلال های فرهنگی و انحطاط های فرهنگی را پدید می آورد. نیل پستمن، این تحول را در جامعه امریکا چنین توصیف می کند:

در حالی که در عصر کتاب و کتاب خوانی، منظره های مردمی و افکار عامه غالباً هماهنگ و منسجم، جدی و منطقی و عاقلانه بوده است، امروزه در پی این تبدیل جادویی، سراسر ناهموار، ناهماهنگ، بی محتوا و بیهوده شده است... (۱)

او انحراف های تلویزیون را در برخی جامعه ها گوشزد می کند و می نویسد:

انحطاط و زوال معرفت شناسی مبتنی بر کتاب و کتاب خوانی و طلوع و رشد معرفت شناسی استوار بر پایه تلویزیون، رد پای ناگواری بر زندگی اجتماعی ما بر جای گذاشته است. (۲)

معرفت شناسی برخاسته از فرهنگ الکترونیکی و تلویزیون نه تنها بی مایه تر از معرفت شناسی برخاسته از چاپ و کتاب است، بلکه بسیار خطرناک و نابخردانه بوده و با عقل و اندیشه در ستیز است. در این میان

۱- تکنوپولی، نیل پستمن، برگردان: صادق طباطبایی، ص ۷۷.

۲- تکنوپولی، نیل پستمن، برگردان: صادق طباطبایی، ص ۸۰.

نکته مهم این است که وظیفه رسانه اسلامی ما چیست؟ چگونه یک رسانه اسلامی باید در این جهان سرشار از شگردهای تبلیغی، برنامه ریزی و برنامه سازی داشته باشد؟

با وجود پاک سازی نظام آموزشی و پرورشی از مظاهر فرهنگ غرب، به دلیل طولانی بودن زمان سلطه استعمارگران غربی و تبلیغات گسترده آن ها، برای زدودن فرهنگ غربی از چهره کشور، تلاش فراوانی لازم است. ابزارهای فرهنگی غرب در عرصه رسانه و تبلیغ، چنان گسترده و گوناگون است که عیب های فرهنگ بیگانه پوشیده می ماند و عیب های فرهنگ خودی به طور چشم گیری پیش روی نوجوانان و جوانان قرار می گیرد. نمایش بدون جاذبه فرهنگ خودی از سوی متولیان فرهنگی نیز بر مشکل می افزاید. رسانه با بهره گیری از آموزه های اسلام و راه کارهای تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام، می تواند در حذف سردرگمی ها و گرایش های نادرست قشر جوان، نقش مهمی داشته باشد. باید به فرهنگ غنی اسلام روی آورد و شیوه های کار آمد آن را جست و به کار بست.

در هدایت این نسل آگاه، باید اصول و شیوه های مناسب تربیتی را به کار ببندیم. نخست باید به فرهنگ اسلامی و ملی خود پی ببریم و آن چه را که با فرهنگ ما ناهماهنگ است، از آن جدا کنیم تا ناخواسته به فرهنگ اسلامی و ملی خود ضربه نزنیم.

در شرایط کنونی، جامعه ما بیشتر نیازمند فعالیت های فرهنگی از سوی رسانه است؛ چون با وجود منابع پربار فرهنگی، بزرگ ترین کمبود انقلاب ما، کمبود فرهنگی است. اکنون زمان آن است که به شعارهای اولیه انقلاب برگردیم که همان بازسازی فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب است و همگان باید در این بازسازی شرکت کنند: «کُلُّکُم

راع و کُلُّکُم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۱).

در این میان، صدا و سیما مسئولیت بیشتری دارد؛ چون گسترده ترین دستگاه تبلیغی کشور است. امروزه ما باید بینش های صحیح اسلامی را به جامعه آموزش دهیم و ارزش های اسلامی را زنده نگه داریم. بنابراین، در دوره بازسازی فرهنگی و معنوی باید بر فرهنگ اصیل اسلامی تکیه کرد.

توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان

توجه به راهبردهای مورد نیاز نوجوانان و جوانان

بر بیگانگان نمی توان خرده گرفت که چرا چنین می کنید و در پی شکار نیروهای فعال کشورهای دیگر هستید؛ زیرا از آنان به جز این، انتظاری نیست. این جامعه اسلامی و رسانه اسلامی است که باید برای نوجوانان و جوانان خود تدبیری بیاندیشد تا در دام بیگانگان اسیر نشوند. در این راستا، صدا و سیما باید به امور زیر توجه کند:

۱. افزایش سطح فکری و فرهنگی جوانان و آگاه کردن آنان از ویژگی های فرهنگ پربار و نجات بخش اسلام.
۲. شناخت راه های نفوذ فرهنگ غرب در میان نوجوانان و جوانان و شناخت برنامه هایی برای مبارزه با آن ها به گونه ای که قشر جوان از قدرت تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی و فرهنگی برخوردار شود.
۳. توجه به اصل جدایی ناپذیری دین از سیاست.
۴. افزایش حساسیت مردم در برابر سرنوشت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خویش.
۵. برنامه سازی در زمینه هایی که به گونه ای در هویت بخشی جوانان

نقش دارند مانند: ازدواج و کار.

۶. اختصاص شبکه هایی در رادیو و تلویزیون به نوجوانان و جوانان.

۷. تجزیه و تحلیل فرهنگ غرب از سوی غرب شناسان، مثل برنامه های: هویت و حُباب .

۸. تشویق و ترغیب جوانان به درس، مطالعه و پژوهش.

نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی

اشاره

نقش رسانه در گرایش جوانان به فرهنگ خودی

تبلیغ درست معارف اسلامی از روش های بسیار با اهمیت در افزایش سطح فرهنگ عمومی است که زمینه پاسداری از فرهنگ خودی و هویت ملی را فراهم می آورد. البته رسانه در ارایه روش هایی که پیش رو دارد. باید مسایل فرهنگی – تربیتی، شرایط سنی و شرایط زمانی و مکانی فرهنگ مخاطب را در نظر بگیرد تا آن برنامه، کارآیی و اثر بخشی بیشتری داشته باشد. در سامان بخشی روش های رسانه ای و ارایه چهره مناسب از فرهنگ خودی، باید به اصولی توجه کرد که در گيرایی فرهنگ خودی نقش بسزایی دارند!

۱. نهادینه کردن باورهای دینی

۱. نهادینه کردن باورهای دینی

نهادینه کردن باورهای دینی سبب می شود انسان هرچه بیشتر خود را در محضر خداوند ببیند. انسان هر اندازه که به خدا نزدیک می شود و خدا باوری را در خود آشکار می سازد، به همان میزان، خود آگاهی و خود باوری خویش را ارتقا می بخشد. به یقین، چنین انسانی، شیفته فرهنگ کفرآمیز بیگانه نمی شود. انسانی که می خواهد رنگ خدایی بگیرد، باید ایمان را در سه بخش دانش، بینش و گرایش خود جلوه گر سازد. برنامه ای می تواند تکامل آفرین باشد که به این سه نیاز توجه داشته باشد.

۲. بهره گیری از روش های الگویی

۲. بهره گیری از روش های الگویی

روش الگویی از مهم ترین روش های تربیتی در اسلام است. معرفی الگوهای موفق مذهبی و ملی فرهنگ خودی می تواند گرایش نوجوانان و جوانان را به فرهنگ خودی بیشتر کند. وقتی تاریخ زندگانی شخصیت های این مرز و بوم را بررسی می کنیم، می بینیم بیشتر یا همگی آنان از افراد مذهبی و علاقه مند به فرهنگ و دین خود بوده اند. بنابراین، برنامه هایی که در این زمینه تهیه می شوند، باید به چنان شخصیت هایی مربوط باشد؛ یعنی در برنامه های کودکان و نوجوانان از الگوهای کودک و نوجوان استفاده شود. برای مثال، دعوت از آقای سید محمدحسین طباطبایی یا آقای وزیری یا خانم منصوری که در کودکی، حافظ کل قرآن و کارشناس علوم قرآنی هستند، بسیار تأثیرگذار است. در برنامه مربوط به جوانان نیز باید از الگوهای موفق در عرصه فرهنگ و علم و حماسه استفاده کرد، مانند: دعوت از جوانان ممتاز در المپیادها و رتبه های برتر کنکور و فرزندان شهیدان.

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای

۳. توجه دادن به فرهنگ های منطقه ای

نشان دادن جذابیت های استانی و منطقه ای و محلی در تبلور احساس وابستگی انسان ها به فرهنگ های بومی شان نقش زیادی دارد. فرهنگ عامه، همواره برای همگان جالب توجه بوده است. هر انسانی نسبت به فرهنگ و منطقه خود، حالتی تعصب گونه دارد. از این رو، بخشی از هویت ملی خود را وابسته به آن می داند به ویژه اگر این خرده فرهنگ در سطح رسانه، معرفی و تبلیغ شود.

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت

۴. تبلیغ ارزش مندی کار برای ملت

دیده ایم که تبلیغات بیگانگان، جوانان را به سوی فرهنگ غیر خودی

می کشاند، به گونه ای که بسیاری از جوانان راهی غربت می شوند تا کاری هر چند پست، ولی پردرآمد بیابند. باید ارزش کارکردن برای ملت خود را _ هر چند کوچک باشد _ تبلیغ و ترویج کرد تا کار کردن برای بیگانگان، نوعی غفلت و از خودباختگی شمرده شود.

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه

۵. دقت در انتقال مفاهیم بیگانه

ویژگی های سنی، عاطفی، روانی نوجوانان و جوانان و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، در گرایش به فرهنگ بیگانه، نقش دارد. کارگزاران فرهنگ بیگانه با آگاهی از این شرایط، با ابزارهای گوناگون مانند: ماهواره، ویدئو، سینما، کتاب های داستان و رمان، مجله ها، عکس های مبتذل و رایانه، در کمین شکار استعدادهای درخشان هستند. از این رو، رسانه باید از تبلیغ مفاهیم بیگانه در داخل کشور پرهیز کند؛ یعنی به گونه ای عمل نشود که در انتقال مفاهیم علمی و فرهنگی از فرهنگ بیگانه، نوعی گرایش به فرهنگ بیگانه پدید آید. البته این سخن به معنای نفی استفاده از دست آوردهای فرهنگی و علمی بیگانگان نیست، بلکه باید از تلاش های آنان در زمینه های گوناگون برای افزایش سطح دانش و فرهنگ خود استفاده کرد.

۶. گسترش فرهنگ ازدواج

۶. گسترش فرهنگ ازدواج

ازدواج جوانان در برانگیختن آنان به برخورداری از ویژگی های فرهنگ خویش سهم بسزایی دارد. برآوردن این نیاز طبیعی در پاک سازی و پالایش آگاهانه احساسات چنان اهمیتی دارد که اسلام، ازدواج را مقدس می داند. از این رو، مقدس جلوه دادن ازدواج و تبلیغ مناسب ازدواج های موفق از رسانه، بسیار مطلوب است.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

۱ _ دوره نوجوانی و جوانی را تعریف کنید؟

دوره نوجوانی از ۱۳ تا ۱۸ سالگی و دوران جوانی از ۱۸ تا ۲۵ سالگی است.

۲ _ ویژگی‌های دوران نوجوانی و جوانی چیست؟

۱. مهم و پر حادثه بودن؛ ۲. تغییر و تحول فراوان؛ ۳. هویت‌جویی؛ ۴. تجلی عواطفی چون: خشم، یأس، ترس، محبت؛ ۵. آرمان‌گرایی؛ ۶. نظم، پاکیزگی و توجه به ویژگی‌های شخصی برای انتخاب دوست؛ ۷. دوست داشتن عدالت و انصاف؛ ۸. نفرت از رفتار ناعادلانه؛ ۹. حساسیت داشتن به بسیاری چیزها؛ ۱۰. پیروی از گروه هم‌سالان؛ ۱۱. سرکشی به دلیل فردمنشی، خودمحوری و استقلال‌طلبی؛ ۱۲. پای‌بندی به خرد شخصی؛ ۱۳. گرایش دینی؛ ۱۴. دنیاپسندی؛ ۱۵. علاقه به محیط مساعد برای رشد ذهنی؛ ۱۶. حب ذات؛ ۱۷. الگوپذیری و تقلید؛ ۱۸. افتخار به شخصیت؛ ۱۹. میل به آزادی؛ ۲۰. تعادل اجتماعی؛ ۲۱. تحول جسمی.

۳ _ عوامل پیدایش ناهنجاری‌ها در جوانان چیست؟

۱. درک نکردن روحیه جوان؛ ۲. رفتار ناشایست الگوها؛ ۳. تضاد در روش تربیتی خانواده، آموزشگاه و جامعه؛ ۴. فاصله طبقاتی؛ ۵. سهل‌انگاری پدر و مادر؛ ۶. فقر فرهنگی؛ ۷. بی‌پاسخ ماندن پرسش‌های دینی نوجوانان و جوانان؛ ۸. ناکارآمدی کانون‌های دینی؛ ۹. برداشت‌های نادرست و استفاده ابزاری از دین؛ ۱۰. بدعمل کردن یا تسامح و تساهل برخی از خواص.

۴ _ برخی عوامل دین‌گریزی نسل جوان را نام ببرید؟

۱. بیان نامعقول برخی مفاهیم دینی؛ ۲. توزیع ناعادلانه قدرت و

ثروت؛ ۳. بی توجهی به نیازهای اساسی نسل جوان، مانند: ازدواج، کار و مسکن؛ ۴. تقابل حق و تکلیف. ۵. استفاده ابزاری از دین به دست سیاست بزان؛ ۶. برنامه ریزی نادرست فرهنگی؛ ۷. تهاجم فرهنگی.

۵ _ برخی شیوه هایی را که فرهنگ سلطه گر برای به بند کشیدن کشورهای دیگر در قالب تهاجم فرهنگی به کار می برد، نام ببرید؟

۱. تربیت دست آموزها؛ ۲. معرفی الگوهای فرهنگ سلطه گر؛ ۳. تضعیف دین و باورهای دینی؛ ۴. تخریب و ترور شخصیت های فرهنگ خودی؛ ۵. تبلیغ دموکراسی غربی؛ ۶. استفاده از مذهب علیه مذهب؛ ۷. توجه به اطلاع رسانی آزاد و هواداری از آزادی مطبوعات؛ ۸. ادعای طرفداری از مردم؛ ۹. ایجاد گسست تاریخی؛ ۱۰. تبلیغ معیارهای ارزشی فرهنگ غرب؛ ۱۱. نفوذ شرکت های چند ملیتی؛ ۱۲. اعزام مستشاران نظامی، اقتصادی و مبلغان فرهنگی و دینی؛ ۱۳. گسترش فساد، ابتذال و بی بندوباری؛ ۱۴. دور کردن مردم از هویت و ملیت خود؛ ۱۵. فرقه سازی و تفرقه افکنی.

۶ _ رابطه هویت دینی با هویت ملی در کشور ما چگونه است؟

در حقیقت هویت ملی، یگانگی هویت ایرانی و اسلامی را به نمایش می گذارد. هرگاه مردم بیشتر از آموزش های دینی برخوردار شدند و دین در جامعه نفوذ کرد، دفاع از کیان ایران و میهن دوستی بیشتر شده است که نقطه عطف آن را در حماسه دفاع مقدس می توان دید. این درحالی است که در گذشته، هرگاه جنگی بر ایران تحمیل می شد، همواره بخشی از خاک ایران از دست می رفت، ولی پس از انقلاب و در جنگ تحمیلی، حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی در اشغال بیگانگان باقی نماند و ایستادگی ملت مسلمان ایران در این جنگ، ضرب المثل جهانیان شد.

۷- برخی ابزارهای تهاجم فرهنگی را برشمارید؟

۱. خبرگزاری های بین المللی؛ ۲. مطبوعات؛ ۳. رادیو و تلویزیون؛ ۴. سینما و تئاتر؛ ۵. مواد مخدر؛ ۶. کالاهای صادراتی؛ ۷. ادبیات و هنر؛ ۸. سازمان ها و بنیادهای بین المللی و منطقه ای؛ ۹. ورزش؛ ۱۰. استفاده ابزاری از زنان؛ ۱۱. فن آوری پیشرفته مانند: رایانه و اینترنت.

۸- اسلام برای جلوگیری از سلطه فرهنگ بیگانه، چه راه کارهایی را پیشنهاد می کند؟

۱. ارایه بینش صحیح دینی و سیاسی و تقویت آن؛ ۲. شناخت فرهنگ غرب و برنامه ریزی برای مقابله با پی آمدهای منفی آن؛ ۳. زدودن فقر اقتصادی؛ ۴. کارآفرینی برای جوانان؛ ۵. احیای عزت نفس جوانان؛ ۶. مبارزه با روحیه تجمل گرایی؛ ۷. فراهم کردن زمینه های ازدواج؛ ۸. پیش گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن؛ ۹. استفاده بهینه از ابزارهای فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی؛ ۱۰. تدوین معیارهای جدید برای ارزیابی آثار فرهنگی؛ ۱۱. گسترش امر به معروف و نهی از منکر و طرفداری از امر به معروف و نهی از منکر کنندگان؛ ۱۲. بهره گیری از هنر در دفاع فرهنگی؛ ۱۳. استفاده از تربیت بدنی و گسترش ورزش پهلوانی؛ ۱۴. بهبود تربیت سیاسی و اجتماعی؛ ۱۵. ترویج فرهنگ خداآوری.

۹- یک مربی دینی در امر تربیت چه اصولی را باید رعایت کند؟

۱. خیرخواهی و خلوص نیت در برخورد؛ ۲. رعایت جاذبه های شکلی مانند: نظم در پوشش، گفتار و رفتار؛ ۳. برخورد گشاده رویانه؛ ۴. به کارگیری ادبیات دل نشین و فراخور طبع و سطح مخاطب؛ ۵. راست گویی و تصدیق گفتار صحیح دیگران؛ ۶. ایمان و باور حقیقی به توانایی های جوان و شایستگی های او؛ ۷. پرهیز از برخورد تند و قرار

گرفتن در موضع برتر؛ ۸. حق پرستی و حق پذیری؛ ۹. بردباری؛ ۱۰. آرامش در رفتار و اعتماد به نفس در گفتار؛ ۱۱. توجه به علاقه ها و سلیقه های معقول و انگیزه های فطری نسل جوان؛ ۱۲. تبلیغ غیر مستقیم؛ ۱۳. توجه به نیازهای مخاطب؛ ۱۴. بیان آموزه های شورانگیز، خوش آیند و دل پذیر دین؛ ۱۵. پرهیز از افراط و تفریط در گفتار و رفتار.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱ _ آقاپور، مهدی؛ جامعه شناسی ورزشی، سازمان تربیت بدنی، ۱۳۶۸.

۲ _ اسماعیلی، حمید؛ والدین و تربیت نسل جوان، قم، مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳ _ الرفاعی فؤاد بن سید، عبدالرحمن، نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمان های بین المللی، برگردان: حسین سروقامت، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

۴ _ براون ادوارد؛ تاریخ ادبی ایران، برگردان: رشید یاسمی، ابن سینا.

۵ _ جاودان، محمدعلی؛ تحلیل استعمار فرهنگی

۶ _ جعفری، محمدتقی؛ فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

۷ _ جوان و رسالت حوزه (مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۸ _ چگونه اسلام را نابود کنیم، خاطرات همفر؛ جاسوس انگلیس.

۹ _ حاج سیدجواد، علی اصغر؛ در بحران ارزش ها، تهران، جاویدان.

۱۰ _ حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۷۲.

۱۱ _ حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه.

۱۲ _ خرم، مسعود؛ هویت، ناشر مؤسسه فرهنگی _ انتشاراتی حیان، ۱۳۷۶.

۱۳ _ خمینی، روح الله رحمه الله، صحیفه نور.

- ۱۴ _ دژاکام، علی؛ معرفت دینی از دیدگاه شهید مطهری، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۵ _ دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، تهران، نشرامین، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۱۶ _ زندگی در عیش، مردن در خوشی، برگردان: صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۷ _ شریعتمداری، علی؛ تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۸ _ شکوهی، غلام حسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۱۹ _ صادقی، نبی؛ شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر؛ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۲۰ _ طباطبایی، صادق؛ طلوع ماهواره و افول فرهنگ؛ چه باید کرد؟ انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- ۲۱ _ عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی.
- ۲۲ _ عبدالناصر، جمال؛ فلسفه اسلام، برگردان: حسن فرامرزی، بنگاه انتشارات آرمان، ۱۳۵۷.
- ۲۳ _ علاقه مند، علی؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات فروردین، ۱۳۶۰.
- ۲۴ _ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۲۵ _ فانون؛ فرانتس، دوزخیان روی زمین.
- ۲۶ _ فرهنگ و تهاجم فرهنگی (سخنان مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۲۷ _ کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی.

۲۸ _ مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۱، ۱۵ و ۷۲.

۲۹ _ محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۰ _ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ تهاجم فرهنگی، معاونت فرهنگی سپاه، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۳۱ _ مصباح یزدی، محمدتقی؛ تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۲ _ مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲.

۳۳ _ مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، الزهراء، ۱۳۶۵.

۳۴ _ _____؛ ده گفتار، قم، صدرا.

۳۵ _ _____؛ مسأله حجاب، تهران، ۱۳۵۳.

۳۶ _ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله؛ نفوذ و استحاله، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۷ _ معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

۳۸ _ منصوری، جواد؛ جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.

۳۹ _ نفیسی، علی اکبر؛ فرهنگ نفیسی، تهران، امیرکبیر.

۴۰ _ نوید، مهدی؛ فرهنگ و مقاومت فرهنگی، فلق، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۴۱ _ نیل پستمین؛ تکنوپولی، برگردان: صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۴۲ _ هدایت خواه، ستاره؛ تهاجم فرهنگی، اداره آموزش و پرورش استان خراسان.

۴۳ _ یعقوبی، احمدبن یعقوب؛ تاریخ یعقوبی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

